کبوتر و موش و خرگوش

رفت و روب - خرّم - بهم رفت - پاسخ - ستم (ستمگر)
های های گریستن - شتاب - آشفته (آشفتگی) (۱)

کبوتری و موشی و خرگوشی با هم در خانهٔ کوچکی زندگی میکردند در جلو خانه باغچه یی پر از گل بود و در هر طرف درگاه خانه هم درخت کوچکی روییده بود تمام کار این خانه را هر سه با هم میکردند .



کبوتر هر روز
از جنگل هیزم
میآورد

---

(۱) معنی این لغات را قبل از خواندن حکایت یاد بگیرند

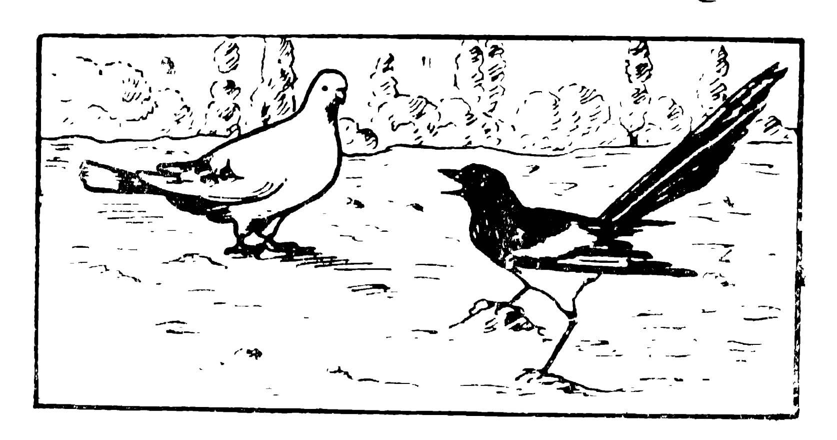
موش از رودخانه آب میاورد و خانه را رفت و روب میکرد .



خرگوش آشپز بود و غذا آماده میساخت .

روزی کبوتر بجنگل رفته بود که چوب بیاورد در راه بزاغی برخورد زاغ گفت ای دوست عزیز از دیدن تو شاد شدم مدتها است که ترا ندیده ام آیا خوش وخرّم هستی ؟ کبوتر گفت بسیار خوش وخرّم رفقای خوب دارم ودر خانهٔ بسیار زیبائی منزل داریم و حالا هم میروم از جنگل هیزم بیاورم زاغ گفت نمیدانستم که تو نوکر شده یی کبوتر گفت نوکر نشده ام با رفقای خود موش و خرگوش در یك خانه منزل داریم زاغ پرسید آیا همه کار خانه را تو میکنی ؟ کبوتر گفت نه خرگوش نان میپزد وغذا آماده میکند من از جنگل چوب میآورم موش هم آب میآورد وخانه را رفت و روب میکند.

زاغ گفت بیشتر کار خانه را تو میکنی انصاف نیست که



تو بیش از دیگران کار کنی کبوتر گفت جنگل از خانهٔ ما
چندان دور نیست زاغ گفت بلی اما بعضی روزها مجبور هستی
که دو دفعه بیایی و بر گردی کبوتر گفت همین طور است
و قدری بهم رفت که چرا بیش از دو رفیق خود باید کار کند .

* * *

کبوتر هنوز در راه بود که موش از رود خانه آب آورد
و توی دیك ریخت و تمام گلها را آب داد میز را چید اطاقها
و پنجره ها را گرد گیری کرد وظرفها را شست خرگوش
دیك را روی اجاق گذارد وآبش را بجوش آورد و غذا را
حاضر کرد .

کبوتر بخانه آمد هیزم را انداخت وسر میز نشست
و هیچ با دو رفیق خود سخن نگفت خرگوش گفت بیچاره
رفیقمان گویا کمی نا خوش است شاید هم اوقاتش تلخ باشد
ای دوست عزیز چرا اوقاتت تلخ است ؟ کبوتر هیچ پاسخ

نگفت خرگوش غذا را آورد و روی میز گذارد موش گفت
چه نان خوبی راستی که خرگوش نان خوب میپزد باز کبوتر
هیچ حرف نزد موش بکبوتر گفت کار های باغ زیاد است
حاضر هستی اندکی با من همراهی کنی؟ کبوتر گفت نه حاضرم
که در کار باغ با تو همراهی کنم و نه کاری دیگر انجام میدهم
کار من زیاد است تمام روز من کار میکنم و همه کار این خانه را
من انجام میدهم خرگوش گفت موش خانه را پاکیزه میکند
و آب میآورد من آشپزی میکنم و نان میپزم کار تو از کار ما
سخت تر و سنگین تر نیست کبوتر گفت آنچه شما میکنید
کار نیست شما در خانه می نشینید و کار های کوچك را انجام
میدهید امّا من راه دور میروم و هیزم کشی میکنم .

خرگوش گفت از این پس من هیزم میآورم و موش
آشپزی میکند تو هم آب بیاور آنوقت کار تو سبك خواهد
شد من چون هرگز جنگل ندیده ام خوشم میآید که جنگل
را ببینم .

روز دیگر خرگوش بجنگل رفت که هیزم بیاورد وموش
آشپزشد کبوتر هم ظرف برداشت و رفت از رود خانه آب
بیاورد در کنار رود خانه ظرف را پر از آب کرد ظرف چون
سنگین بود افتاد وآب آنرا برد کبوتر برگشت وظرفی دیگر
برد و آب کرد و بخانه برد موش گفت غذا حاضر است صبر
کنیم تا خرگوش بیاید باهم غذا بخوریم کبوتر گفت کمی صبر
میکنیم یك ساعت گذشت خرگوش نیامد دو ساعت
گذشت باز خرگوش نیامد کبوتر گفت من میروم ببینم برسر
خرگوش چه آمده است.

کبوتر بطرف جنگل پرواز کرد در راه خرده هیزم بسیار
دید اما هرکجا چشم انداخت خرگوش را ندید در این میان
چشمش بشغالی افتاد که پیش هیزم نشسته بود باو گفت آقای
محترم خرگوش رفیق مرا دراین جنگل دیده‌اید؟ شغال گفت

چرا این هیزم که پیش من است مال او است کبوتر گفت
پس خودش کجا است ؟ شغال گفت توی شکم من است کبوتر
گفت ای شغال ستمگر رفیق مرا چرا خوردی ؟ بیچاره خرگوش
چه نانوای خوبی و چه آشپز خوبی بود و بنا کرد های های
گریستن و بشغال نفرین کردن شغال گفت حرف زیاد نزن
وگرنه ترا هم خواهم خورد .

کبوتر هیزم را برداشت و گریه کنان بخانه رفت موش
که قصهٔ خرگوش را شنید بگریه افتاد و بکبوتر گفت من
امروز از غصّه چیزی نمیتوانم بخورم غذای تو را میآورم بخور
موش رفت غذای کبوتر را بیاورد دیگ سنگین بود چون
خواست آنرا از اجاق بردارد در دیگ افتاد ومرد کبوتر میز
را چید ومنتظر موش شد هرچه انتظار کشید موش نیامد آواز
داد . موش ! موش ! جوابی نیامد خود بآشپزخانه رفت موش
را در آنجا ندید نزدیك دیگ روی اجاق رفت و دید موش
در دیگ افتاده ومرده است .

دراین هنگام خرده هیزمی افروخته از زیر دیگ بیرون افتاد کبوتر ترسید و گفت الان خانه مان آتش میگیرد و هرچه داریم میسوزد باشتاب بطرف رودخانه رفت که آب بیاورد و آتش را خاموش کند از آشفتگی برودخانه افتاد و خفه شد و خانه هم یکجا سوخت.

---

۱ – **بازگویی حکایت** - این حکایت را در خانه یکی دومرتبه بصدای بلند برای خودتان بگویید خوب یاد بگیرید وفردا درجلو کلاس برای همدرسان خود بگویید در موقع گفتن بشاگردان نگاه کنید جملی شمرده بگویید صدا اتان باید آنقدر بلند باشد که همدرسان که روی نیمکت آخر کلاس نشسته اند خوب بشنوند

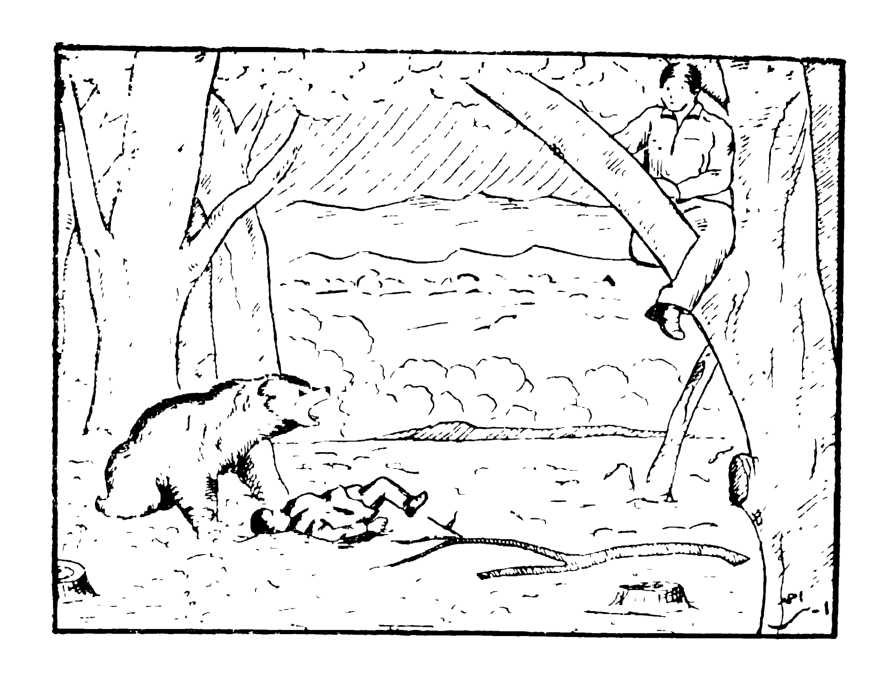
۲ – **بازی** - پنج نفر شاگرد یکی موش ، یکی کبوتر ، یکی خرگوش ، یکی زاغ ویکی شغال شود اولین فقط کارهای موش را بگوید

دومین کارهای کبوتر را سومین کارهای خرگوش را

چهارمین کارهای زاغ را پنجمین کارهای شغال را

۳ - از روی سرمشق زیر چند بار با قلم نی ومرکب خط بنویسید

کبوتر گفت درخانه بسیار زیبائی منزل دارم



شکار خرس

اندام - قادر (قدرت) - نشانه گرفتن - آسیب - شرمگین
(شرم - شرمنده) - مهارت (ماهر)

پرویز و خسرو شنیده بودند که پوست خرس قیمتی است
و کسی که شکار خرس میکند از فروش پوستش منفعت بسیار
میبرد باهم قرار گذاشتند که بشکار خرس بروند و یک روز

تفنگهاشان را برداشتند وبجنگل رفتند قدری که گردش کردند خرسی از دور پیدا شد ازدیدن خرس لرزه براندامشان افتاد ودست و پایشان طوری سست شد که قادر برنگهداشتن تفنگ و نشانه گرفتن نبودند پرویز بی‌آنکه برای رفیق خود فکری بکند بدرختی بالا رفت خسرونمیتوانست بدرخت‌بالا رود لیکن شنیده بود که خرس با مرده کار ندارد وبدین سبب روی زمین دراز کشید و خود را بمردن زد خرس نزدیك او آمد و قدری در اطراف او گشت و او را بو کرد وبی آنکه آسیبی باو برساند پی کار خود رفت بعد از رفتن خرس پرویز از درخت پایین آمد لیکن از اینکه رفیق خود را تنها گذارده وفرار کرده بود خیلی شرمگین بود برای اینکه از شرمندگی بیرون آید شوخیی بخاطرش رسید و بخسرو گفت راستی خرس در آن وقت که سر بگوش گذاشته بود در گوشت چه گفت؟ خسرو گفت دو نصیحت بمن کرد یکی اینکه با آدم ترسو وبیوفا رفاقت مکن دیگر اینکه پی کاری

که در آن مهارت نداری مرو و اگر میروی با کسی برو که در آن کار ماهر باشد .

۱- پرسش

پرویز وخسرو چرا بشکار خرس رفتند ؟ - وقتیکه خرس را دیدند چه حالی بآنها دست داد ؟ - هر کدام چه کردند ؟ - پرویز چرا از رفیق خود شرمنده بود ؟ - برای اینکه خود را از شرمندگی بیرون آورد چه گفت ؟ - خسرو چه جواب باو داد ؟

درس را درست با دقت بخوانید و بگوئید خسرو و پرویز هر کدام چه طور آدمی بودند (چه صفاتی دارا بودند) ؟

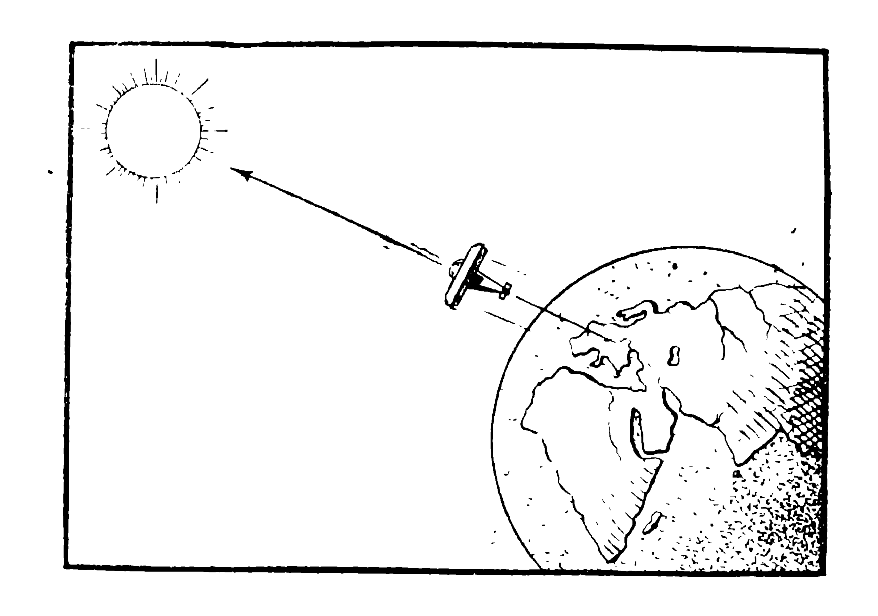
۲ - **این جمله هارا معنی کنید :** لرزه بر اندامشان افتاد - قادر بنگاه داشتن تفنگ نبودند - خود را بمردن زد - پی کار خود رفت - شوخی بخاطرش رسید

۳ - چند عبارت شبیه این (با آدم ترسو و بیوفا رفاقت مکن) بسازید

مثال : با آدم بد معاشرت مکن

۴ - از روی این سرمشق چند بار با قلم نی و مرکب بنویسید

خسرو گفت خرس دو نصیحت بمن کرد یکی اینکه با آدم ترسو و بیوفا رفاقت مکن دیگر اینکه پی کاری که در آن مهارت نداری مرو واگر میروی با کسی برو که در آن کار ماهر باشد



خورشید

تابش ـ نشاط ـ پدید ـ مطالعه کرد ـ آغاز

احمد میداند که تابش خورشید بدن انسانرا سالم و نیرومند میدارد و بدین سبب همیشه پس از شستشوی بدن چند دقیقه در برابر خورشید میایستد. یک روز که از تابش نور خورشید بنشاط آمده بود با خود فکر میکرد که اینهمه

روشنی و گرمی از کرهٔ باین کوچکی چگونه پدید میاید
ولیکن فکرش بجایی نمیرسید در همان حال با خود میگفت
چه خوب بود که میتوانستیم بکرهٔ خورشید مسافرت کنیم
وآنرا از نزدیك ببینیم .

روزی پدرش کتابی برای او خرید احمد با شوق تمام
کتاب را باز کرد وچند بار ورق زد ناگهان چشمش بصفحه‌یی
افتاد که چیز هایی از خورشید درآن نوشته شده بود از
خوشحالی فریادی برآورد وآن صفحه را از سر تا بآخر مطالعه
کرد و از جمله چنین خواند :

خورشید از زمین هزاران بار بزرگتر است لیکن فاصلهٔ
میان آن وزمین بقدری زیاد است که با همه این بزرگی چون
صفحهٔ گرد کوچکی دیده میشود فاصلهٔ خورشید هم از زمین خیلی
زیاد است مثلا اگر با هواپیمایی که در هر ساعت سیصد
کیلومتر راه می پیماید بجانب خورشید سفر کنیم بعد از
پنجاه و هفت سال بآن کره خواهیم رسید بنا بر این اگر

در آغاز مسافرت بیست سال داشته باشیم وقتی که بآنجا میرسیم پیرمردی هفتاد و هفت ساله خواهیم بود .

پرسش - خورشید از کجا روشنی میگیرد؟ — خورشید بزرگتر از زمین است، پس چرا کوچک بنظر میآید ؟ - خورشید چه قدر بزرگتر از زمین است ؟ — فاصلهٔ خورشید تا زمین را با هواپیما درچند مدت میتوان پیمود ؟ — آیا اشخاص هشتاد ساله دیده اند ؟ — این اشخاص چه‌طور بنظر میآیند ؟ - آیا خوب میتوانند راه بروند ؟

خورشید و ستارگان

خورشید و ماه و تمام ستارگانی که درآسمان می بینیم کره های بسیار بزرگند اما چون بسیار از ما دور هستند عده ئی ازآنها را کوچك و مانند نقطه های روشن می بینیم .

بعضی از ستارگان مانند خورشید از خود روشنی دارند وبعضی دیگر از ستارگان دیگر روشنی میگیرند .

روشنی زمین از خورشید است چند ستارهٔ دیگر هم مانند زهره و مریخ و مشتری و زحل از خورشید روشنی میگیرند .

پرسش

چرا ستارگان را کوچك می بینیم ؟ ـ فاصلهٔ خورشید تا زمین را با هواپیمایی که در ساعت ۳۰۰ کیلومتر بپیماید درچه مدت میتوان پیمود ؟ ـ زمین از کدام ستاره روشنی میگیرد ؟ ـ اسم بعضی از ستاره های دیگر را که از خورشید نور میگیرند بگویید ؟

شیر وموش

خفته - آشفته - متغیر - غاز (۱) - هراس - التماس (۲) - وحوش (وحشی) - مغفرت (۳) - لانه - حول وحوش (۴) - دام

۱

بود شیری ببیشه‌ئی خفته   موشکی کرد خوابش آشفته

آنقدر گوش شیر گاز گرفت   که رها کرد و گاه باز گرفت

تا که از خواب شیر شد بیدار   متغیر ز موش بد رفتار

دست برد و گرفت کلهٔ موش   شد گرفتار ، موش بازیگوش

خواست در زیر پنجه‌اش کندش   بهوا برده بر زمین زندش

گفت کای موش لوس بی‌عاری   با دم شیر میکنی بازی ؟

۲

موش بیچاره درهراس افتاد   گریه کرد و بالتماس افتاد

که تو شاه وحوشی و من موش   موش هیچ است پیش شه وحوش

تو بزرگی و من خطاکارم   از تو امید مغفرت دارم

---

(۱) در قدیم پولی بوده است برابر ربع شاهی - (۲) درخواست - (۳) آمرزش و گذشت - (۴) اطراف - دور و بر

۳

شیر از این نکته رحم حاصل کرد   پنجه وا کرد و موش را ول کرد

۴

اتّفاقاً سه چار روز دگر   شیر را آمد این بلا بر سر

از پی صید گرگ یک صیاد   در همان حول و حوش دام نهاد

دام صیّاد گیر شیر افتاد   عوض گرگ شیر گیر افتاد

۵

موش چون حال شیر را دریافت   از برای خلاص او بشتافت

بند ها را جوید با دندان   تا که در برد شیر از آنجا جان

۶

هر کسی نیک کرد یا بد کرد   بد بخود کرد و نیک با خود کرد

شیر چون موش را رهایی داد   خود رها شد ز پنجهٔ صیّاد

ایرج

۱- پرسش چگونه موش خواب شیر را آشفته ساخت؟ - شیر با او چه معامله کرد؟ - موش چرا در هراس افتاد؟ - و شیر چه گفت؟ - آیا شیر باو رحم کرد؟ - شیر چرا گرفتار دام شد؟ - کی او را نجات داد؟ - نتیجه این حکایت چیست؟

۲- این لغات را معنی کنید : شاه وحوش - صیاد - دام - شکاف

۳ - این حکایت را بزبان خود برای همکلاسان بگوئید و بعد بترتیب نمره شعر بنویسید

۴ـ املا ـ این کلمات را چند بار بنویسید واملای آنها را یاد بگیرید

غار ـ هراس ـ التماس ـ مغرب ـ حول وحوش (فرق املای حول بمعنی اطراف و هول بمعنی ترس)

۵ ـ تکلیف ـ ازروی این شعر ها چندبار بنویسید

موش بیچاره درهراس افتاد گربه کرد و بالتماس افتاد

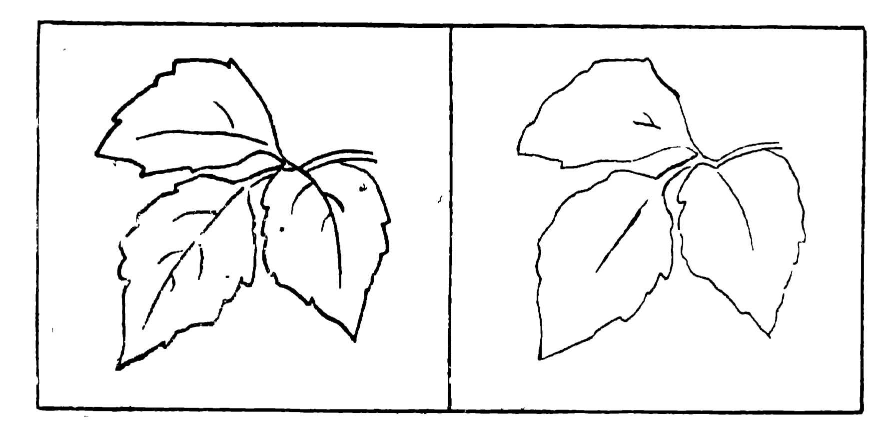
که توشاه وحوشی ومن موش موش هیچ است پیش شاه وحوش

توبزرگی ومن خطا کارم ازتوامید مغفرت دارم

از روی این سرمشق با قلم درشت یك صفحه بنویسید

هرکسی نیک کرد یا بد کرد بخود کرد و نیک با خود کرد

نقاشی ـ اول مانند شکل دست راست کمرنگ بکشید بعد مانند شکل دست چپ پر رنگ کنید



میکرب

افسرده ـ کوفتگی ـ زبان آور ـ خمیر مایه ـ نظر ـ مینماید

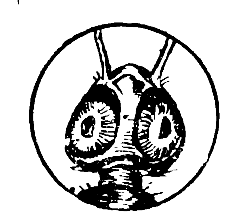
البته بعضی ازشما ها یك یا چند مرتبه ناخوش شده اید یادتان هست در وقت ناخوشی چه قدر افسرده و کم حوصله بودید در وقت ناخوشی گرمی بدن زیاد میشود گاهی سر درد میگیرد در بدن احساس خستگی و کوفتگی می کنید شخص ناخوش نمیتواند کار کند ببازی میل ندارد اشتهایش خوب نیست فقط میخواهد دراز بکشد و بخوابد آرزو میکند حالش خوب بشود تا بتواند کار کند بازی بکند غذا بخورد و همه جا برود .

سبب بعضی از ناخوشیها میکرب است میکرب موجود بسیار خرد وریزه یی است که با چشم دیده نمی شود کوچکی میکرب باندازه یی است که صد ها از آن در سر یك سوزن جای میگیرد .

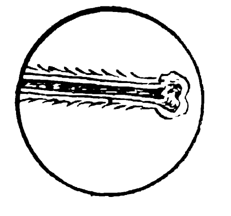
میکرب در همه جا ، در هوا ، در آب ، روی غذا ها ،

روی دست و لباس همه کس یافته میشود لیکن هرمیکربی زیان آور نیست[۱] میکرب را با اسبابی که نامش ریزبین است می توان دید .

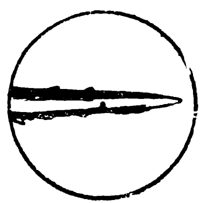
ریز بین ، موجودات خیلی کوچك وخورد را در نظر بزرك مینماید مثلا سر سوزن را اگر ما زیر آن قرار دهیم و بآن نگاه کنیم در نظر ما باندازهٔ یك سر مداد مینماید .



اگر با ریزبین سر یك مورچه نگاه کنیم این طور بنظر میاید



اگر با ریزبین یك مو نگاه کنیم این طور بنظر میاید



اگر با ریزبین یك سر سوزن نگاه کنیم این طور بنظر میاید

۱ ـ میکرب در آب

اجتناب ـ مایه ـ منشأ ـ خاص

البته شنیده اید که از آشامیدن آب ناپاك باید اجتناب

---

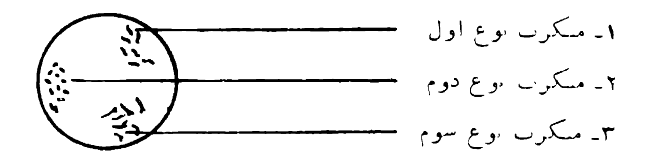
(۱) بعضی میکربها مفید است مانند میکرب سرکه و میکربی که خمیر را ترش میکند وازآن خمیر مایه درست می کنند وغیره .

کرد آیا می‌دانید چرا ؟ برای اینکه آب ناپاك دارای میکرب زیان آور و آشامیدنش مایهٔ ناخوشی است .

اگر یك قطره آب آلوده و ناپاك را روی شیشهٔ پاکی بگذارید و شیشه را زیر لولهٔ ریزبین قرار دهید واز بالای لوله نگاه کنید درآن دست کم سه نوع میکرب (مطابق شکل زیر) که هر کدام منشأ مرضی خاص است می‌بینید

یك قطره آب روی شیشه



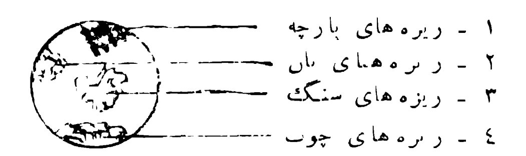


۲ ــ میکرب در گرد و خاك

در گرد و خاك هم میکرب بعضی ناخوشیها وجود دارد گرد و خاك در هرجا باشد مخلوطی است از ذرّه های کوچك چیزهای مختلف مثلا در گرد و خاك اطاق از ذرّات خاك و فرش و لباس و کاغذ و غذا و گچ و مانند آن می‌توان

دید اشخاصی که با کفش توی اطاق می‌آیند زمین یا فرش اطاق را خاك آلود می‌کنند خاك ته کفش پر از ذرّات چیز هایی است که در کوچه وجود دارد .

اگر یك ذرّه گرد و خاك را زیر ریز بین قرار دهید این چیز ها را در آن خواهید دید .

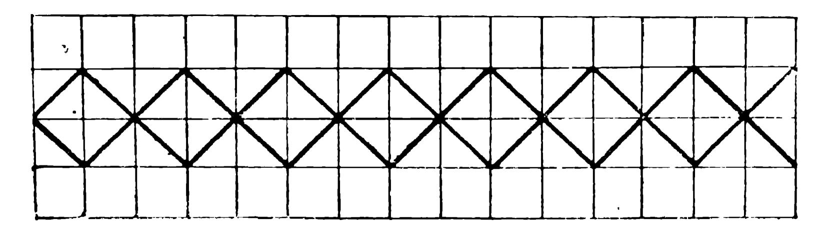


۱-پرسش - انسان در موقع ناخوشی چه حال دارد ؟ - سبب بعضی ناخوشیها چیست ؟- میکرب چیست ؟ - میکرب را بچه وسیله میتوان دید ؟ - آیا همه میکربها تولید ناخوشی میکنند ؟ - آب ناپاك را چرا نباید آشامید ؟ - آبی که در جوبها جاری است پاك است یانه ؟- چرا ؟

در گرد و خاك چیست ؟ - آیا خوبست که انسان با کفش وارد اطاق شود ؟- چرا ؟- وقت جاروب کردن چه باید کرد که گرد و غبار بلند نشود ؟

۲-انشا - چهار سطر اول درس را بزبان خود بنویسید باینگونه
من ناخوش بودم موقع ناخوشی خیلی غصه میخوردم

رسم - مطابق این شکل روی کاغذ شطرنجی بکشید

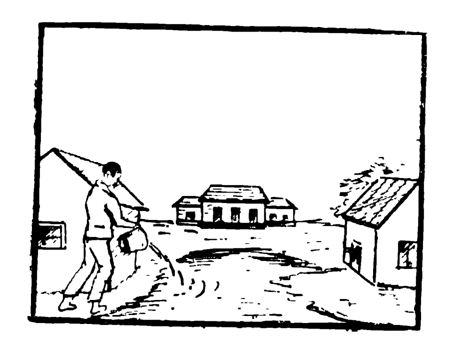


چگونه میکرب وارد بدن ما میشود

مبتلا ساختن - امراض (مرض) - بی درنگ - گذرگاه - انواع - دفع -
وسایط نقلیه - موذی (اذیت) - ممزوج میشود -
حقارت (حقیر) - پلیدی - مهلک (هلاکت)

سبب بعضی ناخوشیها مانند حصبه و سل و سرخك و سیاه سرفه میکرب است هر یك از این ناخوشیها میکرب مخصوصی دارد که اگر ببدن انسان سالم وارد بشود انسانرا بدان مرض مبتلا می سازد ما باید پیوسته مواظب باشیم که میکرب این امراض وارد بدن ما نشود و اگر وارد شد بی درنگ در پی چاره برآییم و میکرب را پیش ازآنکه زیان برساند دفع کنیم .

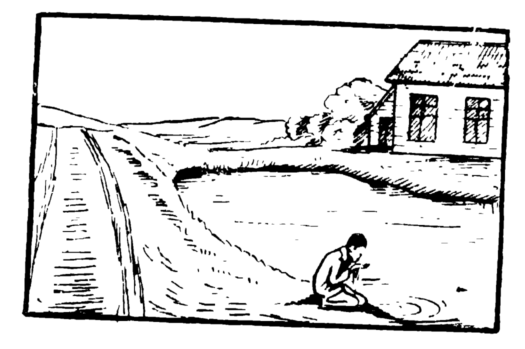
۱ ــ میکرب در آب



این تصویر نهری است که از کنار خیابان می گذرد خیابان گذرگاه مردمان و چهارپایان و وسایط نقلیه

است و بدین سبب پر از گرد و خاك و انواع کثافتها است در آن طرف نهر هم خانه یی است که ساکنانش خاکروبهٔ منزل را کنار نهر میریزند باد که می‌وزد مقداری از گرد و خاك و کثافتهای خیابان و خاکروبهٔ خانه را بر میدارد و توی نهر میریزد آب باران هم در وقت باریدن این کثافات را میشوید وداخل نهر می‌کند وآب نهر بامیکروبهای موذی که درخاکروبه و کثافت تولید میشود ممزوج میشود .

اگر ازآب این نهر بیاشامیم میکربهای موذی وارد بدن



ما میشوند و ممکن است ما را بیمار و ناتوان سازند پس از خوردن آبی که از کنار جاده ها و خیابانها می‌گذرد و مردم‌در آن رخت‌میشویند یا خاکروبه و کثافت در آن میریزند پرهیز کنید و اگر برای خوردن آبی جز آن نیابید نخست آنرا بجوشانید

تا میکربهایش کشته و نابود گردد و آنگاه بیاشامید .

۲ ــ میکرب در هوا و در غذا

هوا در نظر ما پاك و صاف مینماید لیکن همیشه این طور نیست در هوا غالباً مقداری گرد و غبار هست وگرد و غبار گاهی آلوده بمیکربهای مضر و موذی است اگر هوای آلوده بمیکرب را تنفس کنیم میکرب وارد بدن ما میشود وممکن است ما راناخوش کند پس باید تامی‌توانیم در هوای آزاد و خالی ازگرد و غبار زندگانی کنیم.

خوردنی را اگرسر باز درهوا بگذارند گرد وغبار روی آن می نشیند و آن را آلوده بمیکرب میکنند اینگونه خوردنی را اگر ناشسته و یا خام‌بخوریم میکرب آن داخل بدن ما می شود و ما را علیل و رنجور می سازد اما اگرآنرا با آب جوشناك بشوییم یا با آتش بپزیم میکرب آن کشته می‌شود و خوردنش ضرری ندارد .

۳ ــ میکرب بوسیله مگس

مگس باهمه کوچکی و حقارت جانوری بس‌موذی و خطرناك است این جانور روی چیزهای ناپاك و کثیف می نشیند و میکربی که در آنها است بپا های او می چسبد و با این حال داخل اطاقهای ما میشود و بر سر و روی و غذا های ما می نشیند و آنرا آلوده بمیکرب میسازد برای محفوظ ماندن ازشرّ این جانور باید :

۱ ـ نگذاریم داخل اطاقهای ما بشود و اگر داخل شد او را بیرون کنیم یا بکشیم .

۲ ـ میوه وشیرینی و دیگر چیز های خوردنی را سر باز نگذاریم تا مگس روی آنها ننشیند .

۳ ـ درخانه وکوچه و خیابانها کثافت نریزیم تا مگس درآنجا جمع نشود .

☆
☆ ☆

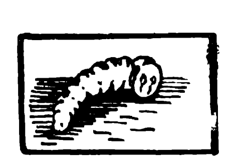
مگس چگونه پیدا میشود ؟ ــ مگس در جا های کثیف



زندگی میکند و در زباله و کود
و دیگر پلیدیها تخم می گذارد
یك مگس ماده در فصل تابستان
قریب پانصد تخم میگذارد و از یك جفت مگس نر و ماده
ممکن است درسال چند ملیون مگس تولد یابد .



مگس وقتی ازتخم بیرون میآید
شکل کرم کوچك سفیدی است
که در تابستان روی گوشت و دیگر خوردنیها



دیده میشود این کرم موذی و زشت زیر
زمین میرود و در آنجا رشد و نمو می کند
و در مدت ده روز مگسی تمام میشود واززیر زمین بیرون میاید
و مانند همجنسان خود در کثافت لانه می کند و میکرب
ناخوشیهای مهلك را باین طرف وآن طرف میبرد .

۱-پرسش - آب نهرها وجویها پاك است یانه ؟ - چرا ؟ - ازآب نهری که ازجاده و خیابان می گذرد میتوان آشامید ؟ آب آلوده را چه باید کرد که بی ضرر شود ؟

آیا درهوا هم میکرب هست ؟ - درخانه ها موقع جاروب کردن چه میکنند که گرد وغبار بلند نشود ؟

میکروب ازچه راه داخل غذاها میشود ؟ مگس چگونه میکروب رابااطراف میبرد ؟ - بقال چه باید بکند تا مگس و گرد و غبار هوا روی خوردنیهای او ننشیند ؟

مگس چگونه پیدا میشود ؟ - برای محفوظ ماندن از شرّ مگس چه باید کرد ؟ - در خانه ها کثافات را کجا میریزند ؟

۲ - گردش علمی - درضمن گردش درخیابانها و کوچه ها و بازارها ملاحظه کنید

۱ - در چه جاها مگس بسیار است و سبب آن چیست ؛

۲ - بقالها و عطار ها و قناد ها و قصابها مواد خوردنی را چگونه از گرد وغبار ومگس محفوظ میدارند؟-هرچه دیدید درضمن عبارات ساده بنویسید .

۳ - **علم الاشیاء** - مگسی را بگیرید و خوب تماشا کنید و بگوئید چند دست و پا دارد ؟ - در دست وپا وزیر شکم او چه می بینید ؟ - حالا بگوئید چطور میشود که مگس کثافت و میکرب را بجاهای دیگر منتقل میکند ؛ - مگس چند بال دارد ؟-بالهایش بکجا چسبیده است ؟

۴ - **انشا** - درخصوص آب جوی شرحی مرتب زیر بنویسند

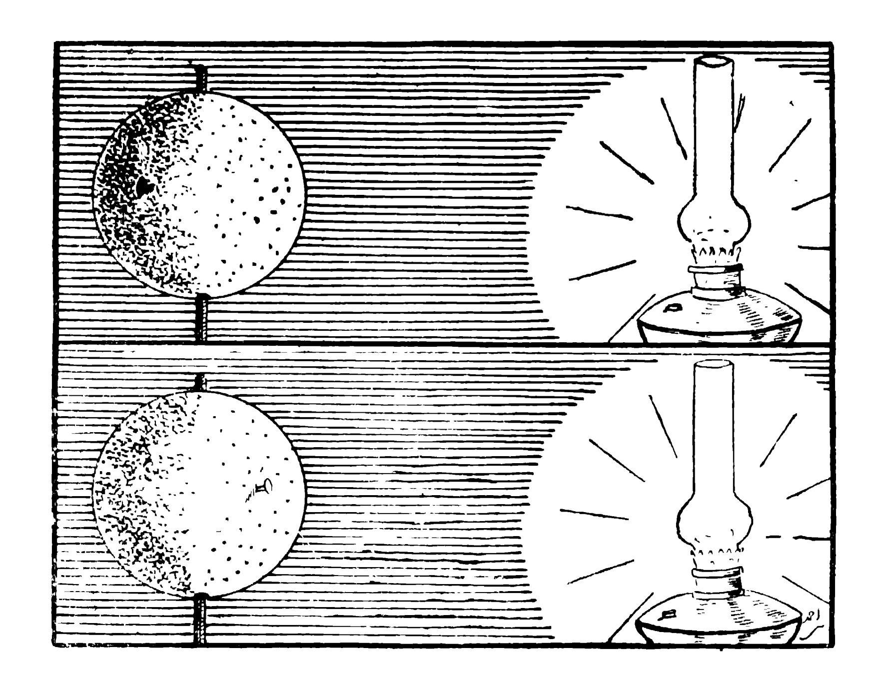
۱ - بگوئید آب جوی بچه مصرف میرسد ؟

۲ - مردم درآن رخت می شویند

۳ - مردم در آن زباله و کثافات دیگر میریزند

۴ - ضرر این کارها چیست ؟

۵ - نتیجه - اینکه آب جوی رانباید کثیف کرد



حرکت وضعی و انتقالی زمین

نارنجی را بر دارید و میله یی از وسط آن بگذرانید
و میخ کوچکی در پوست آن فرو ببرید و آنگاه نارنج را
در برابر چراغ بگیرید مشاهده خواهید کرد که یك نیم آن
روشن و نیمهٔ دیگرش تاریك است اگر نارنج را دور
میله بچرخانید میخ کوچکی که روی آن فرو برده اید

کم کم از روشنایی بیرون آمده داخل قسمت تاریك میشود
وپس از اندك زمان دو باره وارد روشنایی میشود حال زمین در
برابر خورشید چون حال نارنج در برابر چراغ است زمین
بدور خود میچرخد در حالی که نور خورشید برآن میتابد
و ما که روی زمین هستیم مانند میخ کوچکی که روی
نارنج قرار دارد پیوسته از روشنایی وارد تاریکی و از
تاریکی وارد روشنایی میشویم .

زمانی را که در روشنایی هستیم **روز** و مدتی را که
در تاریکی هستیم **شب** ومجموع روز و شب را **شبانه روز**
میگوییم مدت شبانه روز را بیست و چهار ساعت و هر
ساعت را بشصت دقیقه و هردقیقه را بشصت ثانیه تقسیم کرده اند .

حرکت زمین را بدور خود **حرکت وضعی** مینامند
و شب و روز از این حرکت پیدا میشود .

☆
☆ ☆

زمین درهمان حال که بدورخود میچرخد بدورخورشید هم
گردش میکند و این گردش را **حرکت انتقالی** می نامند

هر یك مرتبه گردش زمین بدور خورشید ۳٦٥ روز و چند ساعت طول میکشد و این مدت را یك سال خورشیدی یا شمسی مینامند از گردش زمین بدور خورشید چهار فصل بهار و تابستان و پاییز و زمستان پیدا میشود .

۱-پرسش - یك شبانه روز چند ساعت است ؟ - هر ساعت بچند دقیقه تقسیم شده است ؟-حرکت وضعی یعنی چه ؟ - از حرکت وضعی زمین چه نتیجه حاصل میشود ؟ - حرکت انتقالی زمین چگونه است ؟ - سال خورشیدی چند روز است ؟- سال شمسی چند ماه است ؟ - چند فصل است ؟ - سال ما ایرانیها اولش کدام روز و آخرش کدام روز است؟ - اکنون در کدام فصل هستیم ؟ - در کدام ماه ؟

۲ - تکلیف - ازروی این سرمشق چند بار بنویسید .

یک شب و روز را شبانه روز میگوییم شبانه روز بیست و چهار ساعت است



سرگرمی - شب با سایهٔ دست خود شکل طوطی را در روی دیوار درست کنید اگر انگشت خود را حرکت دهید نوك طوطی هم حرکت مینماید

برزگر و پسران وی

سر تا سر - برگرداندن - اثر - دریافتن - محصول - بها - عاید

برزگری مرگش نزدیك شد پسران را پیش خواند و بآنها گفت : در زمینی که برای شما می گذارم گنجی پنهان است من جای آن را نمیدانم لیکن شما بکوشید تا آنرا پیدا کنید پسران پس ازمرگ پدر زمین را سر تا سر بر گردانیدند و جایی را نکنده نگذاشتند ولی اثری از گنج نیافتند فصل پاییز رسید درآن زمین تخم پاشیدند و رفتند تابستان هنگام درو حاصل بسیار بر داشتند و آن وقت مقصود پدر را دریافتند که می خواسته است زمین را خوب شخم برنند تا محصول بسیار دهد واز بهای آن گنجی عاید ایشان شود .

۱ - **پرسش** - برزگر هنگامی که مرگش نزدیك شد بپسران خودچه وصیت کرد ؟ - آیاپسران بوصیت اوعمل کردند ؟ - از کار خودچه نتیجه گرفتند ؟ - مقصود پدر از اینکه گفت گنجی در زمین پنهان است چه بود ؟ -

۲ - **قصه گویی** - از خود قصه‌یی بگویید که مانند حکایت بالا فواید کار را نشان بدهد

۳ - عبارت های زیر را تکمیل کنید :

در زمینی که---------------------- میگذارم گنجی ---------------------- است

شما---------------------- تا آنرا پیدا کنید

پسران پس از مرگ پدر زمین را---------------------- برگرداندند

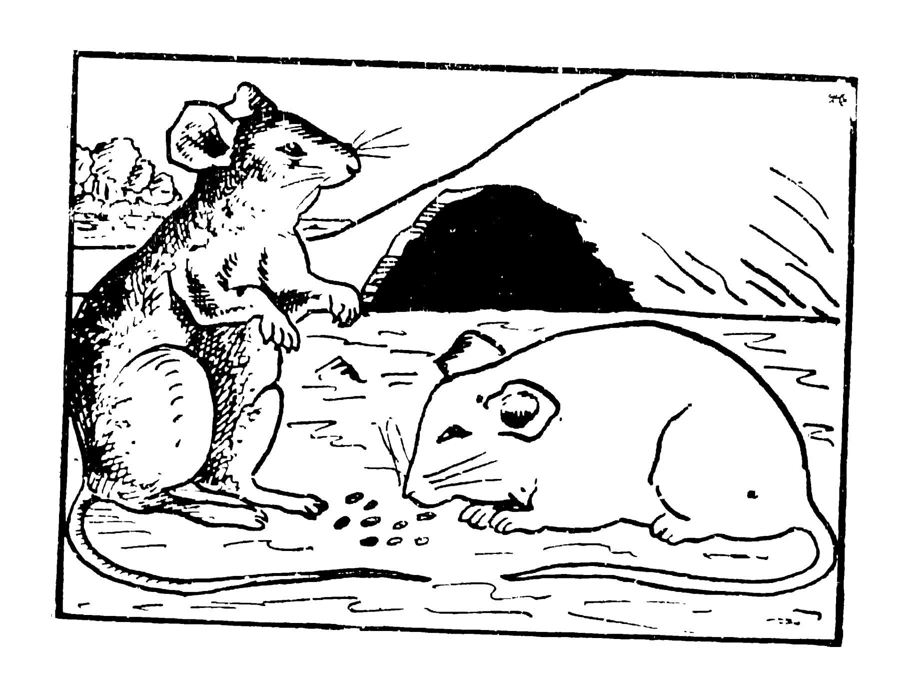
فصل پائیز رسید---- ---------------- تخم پاشیدند

آن وقت مقصود پدر را----------------------

٤- از روی سرمشقهای زیر چند بار بنویسید

پسران مقصود پدر را دریافتند که میخواسته است زمین را خوب شخم بزنند تا محصول بسیار دهد و از بهای آن گنجی عاید ایشان بشود

جای گنج را نمیدانم لیکن شما بکوشید تا جای آنرا پیدا کنید



موش شهری و موش ده نشین

صرف غذا - بدست میآورید - هولناک - عالی

دوموش با هم رفیق بودند یکی درده زندگی می کرد

و دیگری در شهر روزی موش شهری بدیدن موش ده نشین

رفت و دید که در گوشهٔ صحرایی خانهٔ بسیار کوچکی دارد

موش ده نشین بهترین غدای خود را که دانه و گندم بود برای

رفیقش آورد موش شهری پس از صرف غذا گفت دوست
عزیزم خانه شما خیلی کوچك است وخوراکنان چندان
خوشمزه نیست این ده و این صحرا و این خانهٔ کوچك را
رها کنید و با من بشهر بیایید در شهر یك خانهٔ بزرگ و
سنگی برای خودتان تهیه می‌کنید وهمیشه خوراکهای خوشمزه
و شیرینی و آجیلهای خوب بدست میاورید موش ده نشین
از شنیدن این سخنان دهانش بآب افتاد و همان روز با رفیقش
روانهٔ شهر شد وبخانه موش شهری رفت و دید عجب خانهٔ
خوب و غذا های چرب و شیرین دارد اما همینکه سر سفره
نشستند که غذا بخورند صدای هولناك و ترس آوری شنیدند
موش شهری برفیقش گفت بگریز بگریز که این صدای گربه
است و بقصد جان ما می‌آید هردو گریختند ودر گوشه‌یی
پنهان شدند وقتی که گربه رفت و از آن گوشه بیرون آمدند
موش ده نشین گفت دوست عزیزم این خانهٔ عالی‌واین خوراکهای
خوب بغصّه ودرد سرش نمی ارزد برای من همان کنج صحرا
و خانهٔ کوچك خوشتر است شخص اگر نادارباشد وآسوده

زندگی کند بهتر از این است که دارا باشد و همیشه در ترس و لرز

بسر ببرد .

۱ -- پرسش -- خانهٔ موش ده نشین کجا بود ؟ - موش ده نشین برای موش شهری چه غذایی آورد ؟ - موش شهری باو چه گفت ؟- بعد اورا در شهر بکجا دعوت کرد ؟ - وقتی موش شهری و موش ده نشین در شهر بر سفره نشستند چه بر سر آنها آمد ؟- چرا موش ده نشین گفت که زندگانی در شهر را دوست ندارد ؟

۲ - این کلمه ها و جمله ها را معنی کنید :

از شنیدن این سخنان دهانش بآب افتاد - گربه بقصد جان ما میآید - غصه و درد سرش نمی ارزد - در ترس و لرز بسر برد

۳ - پرسشهای فکری (فکر کنید و جواب دهید) - چرا غذای موش ده نشین فقط گندم و دانه بود ؟ - چرا غذای موش شهری چرب و شیرین بود ؟- گربه بیشتر در چه خانه هایی پیدا میشود ؟

اگر مهمانی بشما بگوید « غذای شما چندان خوشمزه نیست » خوشتان میآید یا نه ؟ چرا ؟

وقتی بجایی مهمانی میروند آیا بر غذاهای صاحب خانه ایراد میگیرند ؟ چرا ؟

۴ - از روی این سر مشقها چند بار بنویسید

موش ده نشین بهترین غذای خود را که دانه و گندم بود برای رفیقش آورد موش

شهری پس از صرف غذا گفت دوست عزیزم خانهٔ شما خیلی کوچک است

و خوراکتان چندان خوشمزه نیست

بگریزیم که این صدای گربه است و بقصد جان ما میآید

سرود

دهقان

گردد زمین از رنج دهقان آباد — دهقان نترسد از مه و برف و باد

در برف و در گرمای تابستانی — آماده سازد باغی و بستانی

با بیل خود خاشاک و خس بر دارد — بر کر دبستانها علف نگذارد

پاکیزه رویاند ببستان هر چیز — پاداش زحمت میبرد در پاییز
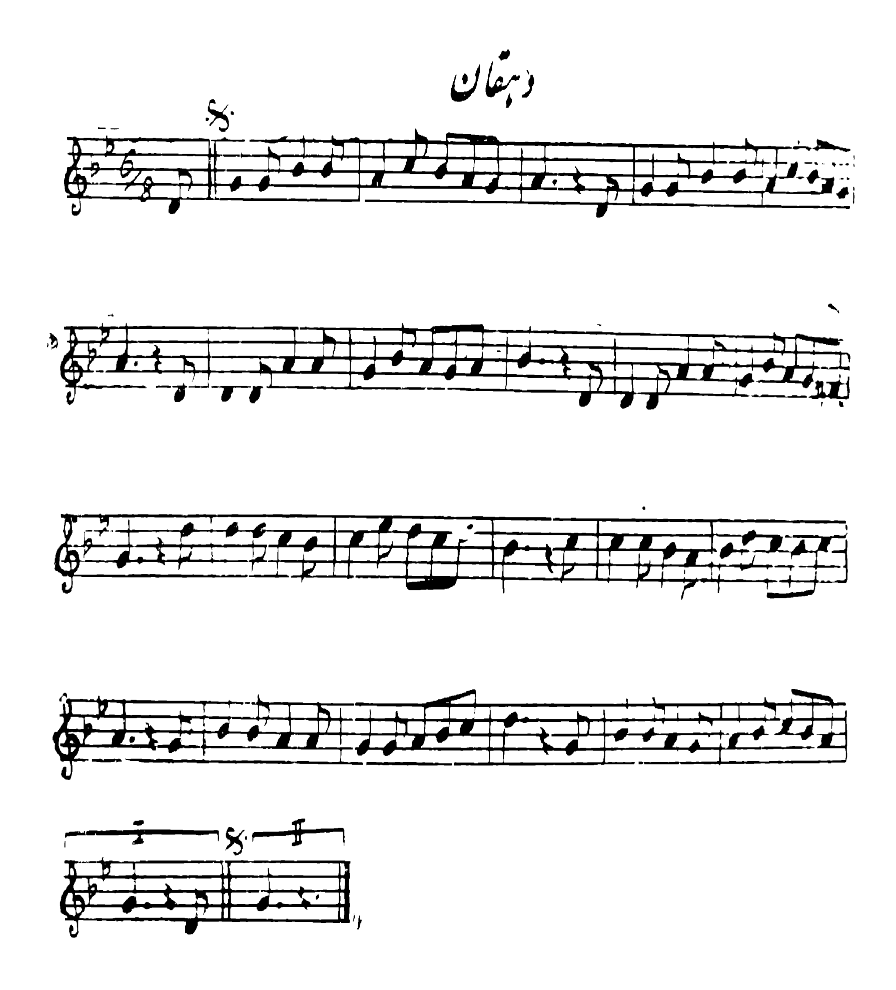
☆

☆ ☆

ای برزگر که بر زمین زنی شخم — وانگه بدست خود پراکنی تخم

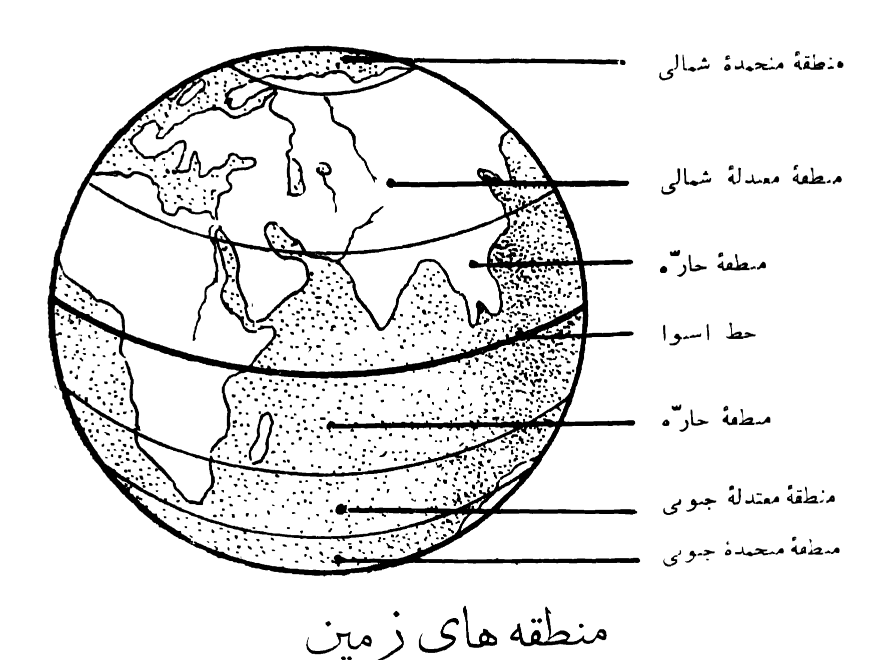
برف دی و بهمن نگاهش دارد — ابر بهاری بر سرش ببارد

تیر آید و درو کنی بکوبی — نانها همی پزی چه نان خوبی

چون نان خویش از زحمت تو جوییم — باید سپاس زحمت تو گوییم

(گل گلاب)


دهقان
I
II



منطقه های زمین

منطقه ـ منجمده ـ قطب ـ معتدله ـ حارّه ـ انواع ـ اقسام ـ تنومند

سطح زمین را نظر بگرمی وسردی هوا بپنج منطقه تقسیم کرده اند   نامهای پنج منطقه ازشمال بجنوب بدین قرار است:

١ — منطقهٔ منجمدهٔ شمالی که قطب شمال در آن واقع است   ٢ — منطقهٔ معتدلهٔ شمالی   ٣ — منطقهٔ حارّه   ٤ — منطقهٔ معتدلهٔ جنوبی   ٥ — منطقهٔ منجمدهٔ جنوبی که قطب جنوب درآن واقع است .



در دو منطقهٔ منجمده برف بسیار میبارد   هوا در تمام سال بسیار سرد   ورود ها و دریاچه ها در هفت ماه از سال یخ بسته است   درخت و گیاه دراین دو منطقه بسیار کم است واز حیوانات جزانواع مخصوصی از قبیل سگ وخرس و گوزن یافته نمیشود   مردمانی که درنزدیکی دوقطب زندگی میکنند خانه های خود را در برف و یخ میسازند ولباسشان از پوست خرس وسگ و گوزن و امثال آنست .



درمنطقهٔ حارّه هوا درتمام سال بسیار گرم وهمیشه تابستان است باران بسیار و پیاپی میبارد درختان وجانوران تنومند و قوی بار میآیند و مردم در سراسر سال جامه های نازك پنبه یی یا کتانی میپوشند .

در دو منطقهٔ معتدله هوا نه بسیار سرد و نه بسیار گرم است و انواع درخت و گیاه و همه قسم حیوانات اهلی و وحشی یافته میشود این دومنطقه برای زندگی انسان وحیوان



از سه منطقهٔ دیگر بهتر است .

نقاط بسیار گرم را گرمسیر و نقاط بسیار سرد را سردسیر

مینامند

پرسش - زمین را بچند منطقه تقسیم کرده‌اند ؟- نامهای پنج منطقه را بترتیب بگویید - منجمده یعنی چه ؟ - حاره یعنی چه ؟ - از اوضاع منطقهٔ منجمده آنچه میدانید بگویید ؟ - از اوضاع منطقهٔ حاره ؟ - از اوضاع منطقهٔ معتدله ؟ - نقاط بسیار سرد ونقاط بسیار گرم را چه مینامیم ؟- بروی نقشه یا کره ای نگاه کنید و بگویید ایران در کدام منطقه واقع است ؟ - پس آب و هوای ایران بنظر شما چگونه است ؟

نقاشی - یك کره بکشید و پنج منطقه را روی آن ترسیم کنید .

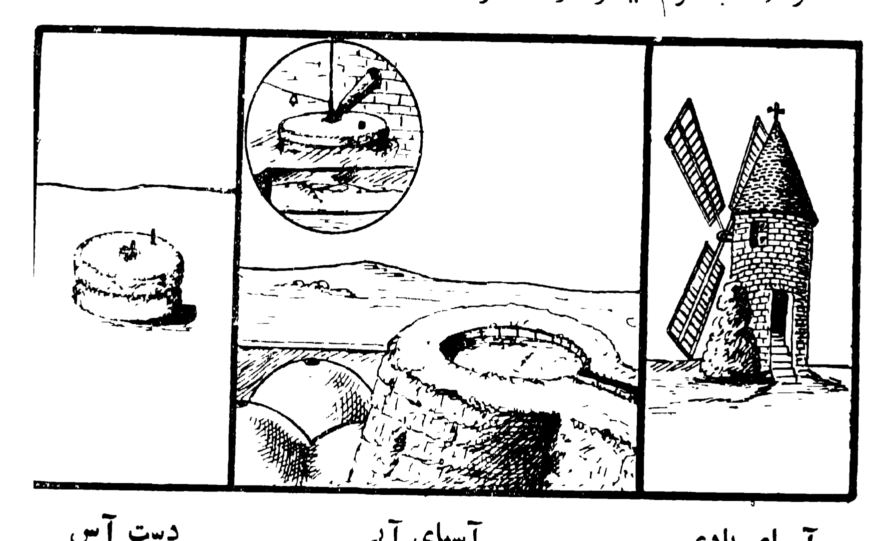
دانهٔ گندم ــ آسیا

دانهٔ گندم ــ دانهٔ گندم را اغلب دیده اید که دانه یی خرد و تقریباً باندازهٔ تخم سیب است شکلش دراز و در وسطش از یك طرف خط یا شکافی است که دانه را بدو قسمت میکند پوست دانهٔ گندم خرمایی رنگ یا زرد مایل بسرخی ومغزش سفید است و پوست طوری بمغز چسبیده که از یکدیگر نمیتوان بآسانی جدا کرد .

آرد ــ گندم را که خوب نرم کنند آرد میشود آردی که از آن نان میپزند از پوست و مغز گندم است و نان سفید و نان شیرینی را از مغز گندم میپزند برای جدا کردن پوست از مغز آرد مخلوط را غربال می کنند مغز گندم که بسیار نرم شده است ازسوراخهای غربال بیرون میرود وپوست که کمتر نرم شده است در غربال میماند وآنرا سبوس مینامند .

آسیا ــ گندم را با آسیا آرد می کنند آسیا دو سنگ

سخت و گرد است که بیك اندازه میتراشند و روی هم قرار
می دهند سنگ زیر بی حرکت است و سنگ بالا را میتوان
روی آن بگردش درآورد آرد شدن گندم با آسیا بدین ترتیب
است که سنگ بالا با دست یا بقوهٔ آب یا باد بگردش درمی آید
و گندم ازسوراخی که دروسط آن است بمیان دو سنگ میرود
ودر آنجا نرم میشود و از اطراف بیرون میریزد .



آسیای بادی آسیای آبی دست آس

اقسام آسیا ـ آسیای کوچك و خانگی را با دست می گردانند
و بدین سبب آنرا دست آس مینامند آسیای بزرگ بقوهٔ آب
یا باد گردانده میشود آسیای آبی را در نزدیکی رود خانه یا

نهر بزرگ آب میسازند وآنرا طوری قرار میدهند که آب ازبلندی روی پرّه های چرخ آسیامی ریزد وچرخ را بحرکت می‌آورد وچرخ هم سنگ آسیا را بگردش می‌آورد آسیای بادی را در جاهایی که باد بسیار میوزد میسازند در اینگونه آسیا پرّه های چرخ را باد حرکت می دهد درعصرما برای گرداندن آسیا قوّهٔ بخار و برق را هم بکار میبرند و آسیای بخار و برق درایران ودر بعضی کشورها معمول است .

در قدیم انسان گندم و جو را با دست آس آرد می کرد و بزحمت بسیار درچند ساعت مقدار کمی آرد بدست می‌آورد لیکن امروز کارآسیابان مراقبت آسیا ورسانیدن گندم و پر کردن کیسه ها ازآرد است ودرمدت کم گندم وجو بسیار را میتواند آرد کند .

۱- پرسش — دانهٔ گندم راخوب اول نگاه کنید وبعد وصف کنید که چه‌طور ساخته شده است؟- گندم را چه می کنند که آرد شود ؟- نان معمول را از چه قسم آرد میپزند ؟- نان سفید ونان شیرینی را چه‌طور ؟ - برای جدا کردن آرد از سبوس چه می کنند ؟ - سبوس چیست ؟

آیا چیز دیگری را دیده‌اید غربال کنند ؟ ـ آسیا دیده اید ؟ـ کجا ؟ـ چگونه کار میکند ؟ آسیا چند قسم است ؟ ـ اگر در خانهٔ خود دست آس دارید نگاه کنید چه‌طور کار میکند ؟ـ آسیا های بزرگ را چه‌حرکت میدهد ؟

۲ـ گردش علمی ـ ملاحظه وبازدید آسیای محلی درصورتی که‌موجودباشد

۳ـ انشاـ اگر آسیای آبی دیده اید جواب این سؤالهارا اول بگوییدو بعد بنویسید .

۱ ـ آسیای آبی کجا دیده‌اید ؟

۲ ـ چرا آنرا نزدیك رودخانه و یا نهر آب ساخته اند ؟

۳ ـ چگونه از قوهٔ آب استفاده کرده‌اند ؟

٤ ـ گندم را از کجا بسنگ آسیا میبرند ؟

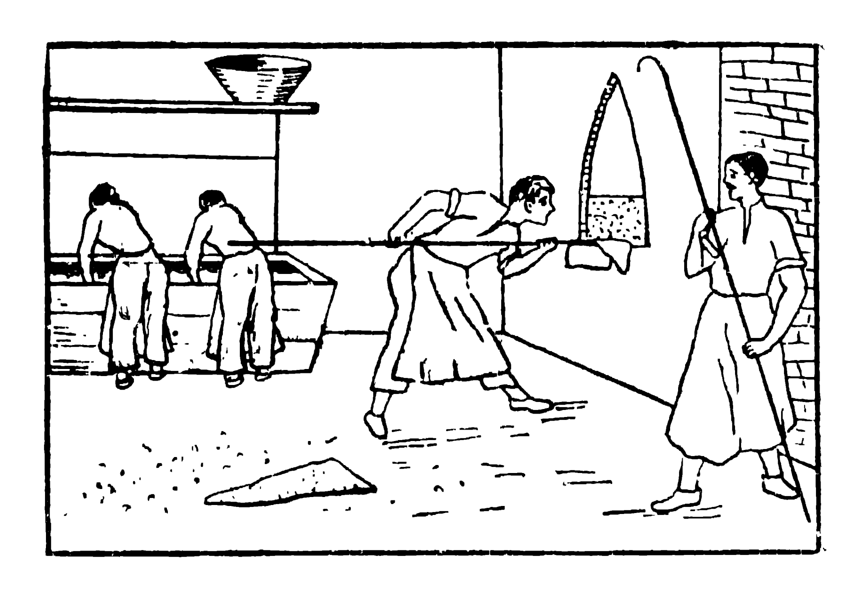
٥ ـ آرد از کدام طرف سنگها و چگونه بیرون میآید ؟

٦ ـ آسیابان آرد را چگونه جمع میکند و کجا میبرد ؟

۴ ـ تکلیف ـ از روی این سر مشقها چند بار بنویسید :

درقدیم انسان گندم وجو را با دست آس آرد میکرد و بزحمت بسیار درچند ساعت مقدار کمی آرد بدست می‌آورد لیکن امروز کار آسیابان مراقبت آسیا و رسانیدن گندم و پر کردن کیسه ها از آرد است و در مدّت کم گندم و جو بسیار را میتواند آرد کند .

پوست دانهٔ گندم خرمایی رنگ و مغزش سفید است



نان

خمیرمایه یا خمیر ترش - وارسی - ورآمده - برشته - نان فطیر

اسباب کار : آرد - نمك - خمیر ترش - کاسه - آب

نان پختن — ما نان گندم میخوریم نان گندم را نانوا از آرد گندم میپزد حالا میخواهیم مانند نانوا نان بپزیم قدری آرد گندم درکاسه یی میریزیم ورویش قدری آب و نمك میریزیم و با دست بهم میزنیم و مالش میدهیم تا خمیرسفتی شود نانوا ها بخمیرخود خمیر مایه میزنند ما هم باید همین کار بکنیم

خمیر مایه خمیری است که چندین روزمانده و ترش شده باشد و بدین سبب آنرا خمیر ترش هم میگویند اندکی خمیر ترش بر میداریم و برای اینکه فایده و اثر آنرا بدانیم خمیری را که در کاسه درست کرده بودیم دو قسمت می کنیم بیک قسمت خمیر ترش میزنیم و بیک قسمت نمیزنیم بعد از یك ساعت هردو را وارسی می کنیم و می بینیم خمیری که خمیر ترش با آن نزده ایم هیچ تغییر نکرده وآنکه خمیر ترش زده ایم باد کرده و تقریبا دو برابر شده و باصطلاح نانوا ها ورآمده برای امتحان هر دو قسمت را بشکل دو نان کوچك پهن می کنیم و روی بخاری میپزیم و می بینیم نانی که خمیرش مایه نداشته مثل سنگ سفت شده و آنکه خمیرش مایه داشته نان برشتهٔ خوب از کار درآمده و رویش قرمز و مغزش سفید و سوراخ سوراخ است و وقتی که میخوریم زیر دندان صدا می کند .

۳ - نانوا چگونه نان میپزد - نانواهم نان را همین‌طور بعمل می آورد جز اینکه او باید نان بسیار بپزد وهر روز دو سه خروار آرد خمیر کند برای این کار تغار های بزرگ دارد

خمیرگیر چند ساعت پیش از وقت نان پختن در این تغارها خمیر میکند و همینکه خمیر ورآمد آتش انداز تنور را آتش می کند و همینکه داغ شد شاطر بنای نان پختن می گذارد بدین ترتیب که از خمیرها تکه تکه برمیدارد و هر تکه یا چونه را روی پارویی که دسته بلند دارد پهن میکند و با همان پارو بتنور میبرد و روی ریگهای داغ میخواباند و آن در ظرف دو سه دقیقه نانی پخته و برشته می شود و نانگیر آنرا با سیخ بلندی که در دست دارد بیرون می‌آورد نانی را که بدین‌طریق پخته می شود نان سنگك مینامند نان سنگك اگر خوب برشته شود سبکترین و گواراترین نانها است نانرا بطریقه های دیگر نیز میپزند واز همه سنگین تر و دیرگوارتر نان فطیر است .

۱ پرسش- برای نان پختن چه چیزها لازم است؟- آرد را بچه طریق خمیر میکنند؟- خمیر ترش چیست و چه فایده دارد؟

کدام قسم نانوایی را دیده‌اید؟ - کارگرهای آنرا بچه‌اسم میخوانند (۱)

نان سنگك را چگونه میپزند؟- نان نعمان را چگونه؟ نان لواش‌راچگونه؟- طرز پختن یکی از اقسام نان راکه دیده اند برای همکلاسان خود بگویید بعد در ضمن عبارات ساده و کوتاه بنویسید .

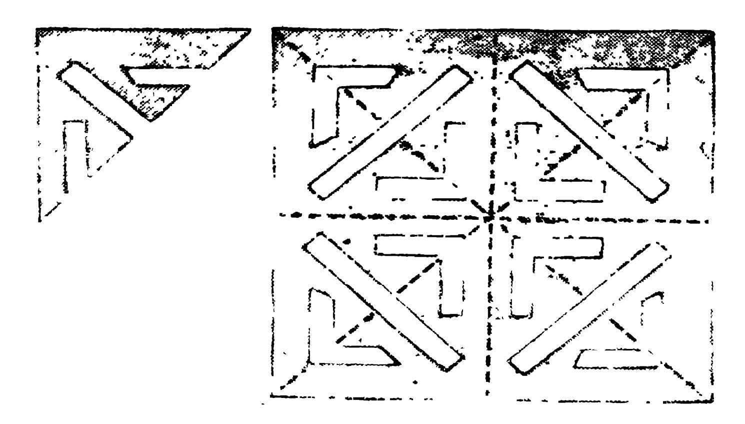
---

(۱) در تهران نام کارگران نانوایی سنککی بدین قرار است :
(پیشکار - خمیرگیر - شاطر - نانگیر - آتش انداز - ترازو دار - پادو)

در این درس کلماتی که مربوط بنان و نانوائی است پیدا کنید و بنویسید

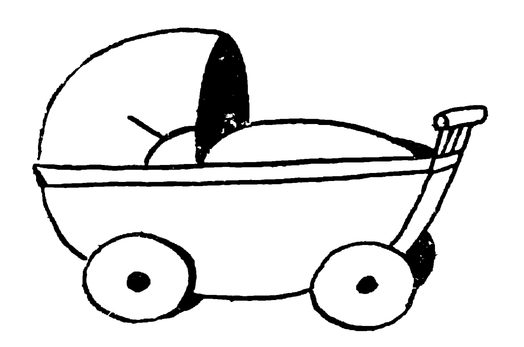
مثال: نان ، گندم ، آرد ، نمار . .

رسم و کاردستی



۱ ـ کاغذ مربعی را بر طبق نقطه چینهای شکل دست راست چهار تا کنید
۲ ـ مانند شکل دست چپ با قیچی ببرید و تا ها را باز کنید

نقاشی ـ از روی این شکل بکشید و رنگ آمیزی کنید



احترام نان

سرسیری ـ ملایمت (با کمال ملایمت) ـ اندرز ـ اثر ـ نعمت ـ نظر ـ می نگرم (نگریستن) ـ دستگیری

روزی ازسر سیری تکه نانی را دور انداختم پدرم فوراً رفت وآنرا برداشت و با کمال ملایمت بمن گفت :

ـ بچه جان هیچوقت نان را دور مینداز زیرا تهیهٔ نان برای ما که فقیریم بسی‌مشکل است وبفرض اینکه آسان باشد باز نباید دور انداخت نانی را که لازم نداریم بهتر اینست که بفقیر بدهیم اگر روزی خدای نکرده بتنگی گرفتار شوی وخود وکسانت نان نداشته باشید خواهی دید که یك لقمهٔ نان چقدر عزیز است .

این اندرز پدر در من اثر بسیار کرد واز آن روز ببعد نانرا دورنینداخته ام وآنرا نعمت خدا میدانم خرمنهای گندم را با نظر احترام می نگرم و در صحرا هیچوقت برای چیدن گل‌لاله ساقهای گندم را لگدکوب نمیکنم .

از نصیحت سادهٔ پدرم نسبت بفقرا نیز مهربان شده ام و هروقت بتوانم ازآنها دستگیری میکنم .

پرسش - پسر چه کرد و پدر چگونه او را پند داد ؟ - سخنان اورا اگر میتوانید عیناً تکرار کنید ؟ - پدر چرا باکمال ملایمت سخن گفت ؟ - اگر ناراضی و اوقاتش تلخ بود چگونه حرف میزد ؟ اندرز پدر در پسرچه تأثیر کرد ۱- نسبت بنان ؟ ۲- نسبت بفقرا ؟ .

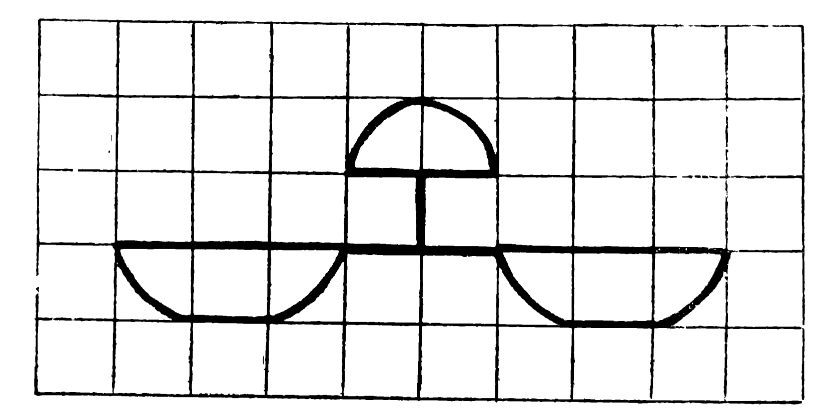
معنی این لغات را بگویید سرسیری - مشکل - سنگ - تنگی - ساق - دستگیری - و هر کدام را درعبارتی استعمال کنید .

مثال : این کلاه بسراو تنگ است .

تکلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید

اندرز پدر درمن اثر بسیار کرد و ازآن روز ببعد نان را دور نینداخته ام و آنرا نعمت خدا میدانم خرمنهای گندم را بانظر احترام می نگرم و در صحرا هیچوقت برای چیدن گل لاله ساقهای گندم را لگدکوب نمی کنم

نقاشی - مطابق این شکل روی کاغذ سطرنجی بکشید



خرده های نان را دور مریزید

صرفه جویی - بانو - مناسب

پدران ما دور ریختن وزیر دست و پا انداختن خرده نانرا گناه می دانستند وهر جا خرده یا تکه نانی افتاده می دیدند بر میداشتند و میبوسیدند ودر جای محفوظی می گذاشتند

نگاه داشتن ریزه های نان ازنظر صرفه جویی هم لازم است بانوی خانه دار میتواند خرده های نانرا که درسفره می ماند درظرف ومحل مناسبی جمع و خشك کند و وقتی که میخواهد گوشت برای کتلت سرخ کند کوبیدهٔ آنرا بجای کوبیدهٔ نان روغنی که گران است بکار برد دیگر اینکه همین خرده های نانرا می توان آرد کرد وازآن آرد با اندکی شیرینی یابدون شیرینی دو باره نان پخت خانمهای صرفه جو وخانه دار خرده نانهای کثیف را هم دور نمی ریزند وآنها را بجای دانه وارزن بمرغهای خانه می دهند .

۱ - **پرسش** - چرا خرده نان را نباید دور ریخت ؟ - با خرده های نان چه میتوان کرد ؟ - درخانه چه چیزهای دیگر را باید جمع کرد ومحفوظ داشت ؟ با خرده‌های صابون چه می کنید ؟ - با تکه های پارچه چه میکنید ؟- با تکه های پارچه چه میکنید ؟

۲ - عبارتهای زیر را تکمیل کنید :

پدران ما------------------خرده نان را گناه میدانستند -

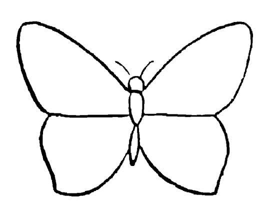
نگاه داشتن ------------------ ازنظر صرفه جویی هم لازمست -

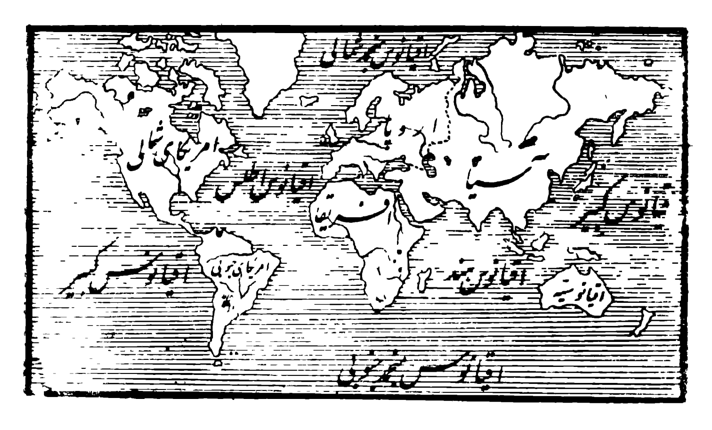
بانوی خانه دار کوبیدهٔ نان را بجای------------ که گران است بکار میبرد

تکلیف - از روی این سر مشق چند بار بنویسید

نان را دور نریزید ازیرا تهیهٔ نان مشکل است

نقاشی - از روی این شکل بکشید و رنگ آمیزی کنید





قاره[1] ها و اقیانوسها

ربع - مسکون - پهناور - عظیم - قطعات (قطعه)

درنقشهٔ بالا خشکی زمین با رنك سفید و آبهای آن با رنك سیاه نشان داده شده است سطح زمین را که چهار قسمت کنید یك چهارم آن از آب بیرون و خشکی است و سه چهارم دیگر آن در زیر آب و دریا است خشکی زمین را که مسکن مردمان است ربع مسکون مینامند ربع مسکون چنانکه در نقشه می بینید بچندین قطعه تقسیم و این قطعه ها بوسیله دریاهای پهناور از یکدیگر جدا شده است دریا های عظیم و پهناور

(۱) قاره بدون تشدید (راء) میباشد .

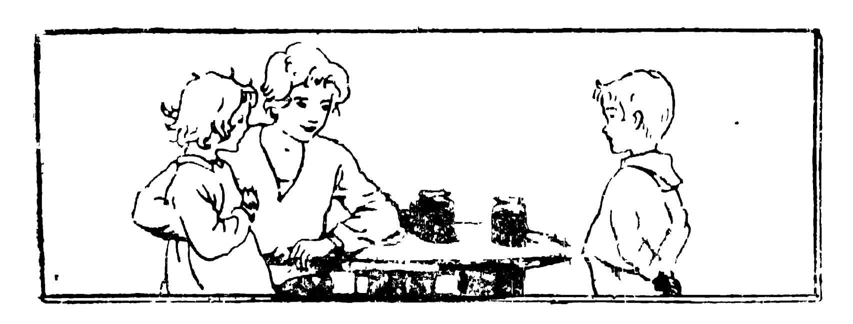
را **اقیانوس** و قطعات مهم ربع مسکون را **قاره** مینامند .

قاره های زمین پنج است : آسیا و اروپا و افریقا و اقیانوسیه و آمریکا و بزرگترین آنها قارهٔ آسیا است .

آبهای سطح کره را هم بپنج اقیانوس تقسیم کرده اند: اقیانوس کبیر یا اقیانوس ساکن ، اقیانوس اطلس ، اقیانوس هند ، اقیانوس منجمد شمالی ، اقیانوس منجمد جنوبی و بزرگترین آنها اقیانوس کبیر است که میان آسیا و آمریکا قرار دارد .

پرسش - چه مقدار از سطح زمین خشکی و چه مقدار آن دریا است ؟- خشکی زمین را چه مینامند و ربع مسکون یعنی چه ؟- قطعات خشکی را چه چیز از هم جدا کرده است ؟- دریا های عظیم و پهناور را چه مینامند ؟- قطعات خشکی را چه مینامند ؟- قاره های زمین چند و کدام است ؟- اقیانوسهای زمین چند و کدامست ؟- بزرگترین اقیانوسها کدام است ؟

با مراجعه بنقشه بگویید میان اروپا و امریکا کدام اقیانوس واقع است ؟- در جنوب آسیا کدام اقیانوس قرار دارد ؟ (بهمین طریق جای سایر اقیانوسها و خشکیها سؤال وار روی نقشه تعیین شود .)



خوراکهای زمستانی

توشه - گوشزد میکرد - نظیف - ذخیره - تره بار - خشکه بار

منوچهر و پروین در ده زندگی میکردند از فصل تابستان و پاییز خیلی خوششان میآمد زیرا در این دو فصل مادرشان توشهٔ زمستان تهیه میکرد وآنها از تماشای این کار و دیدن و شنیدن رنگ و بوی خوراکها حظّی داشتند.

روزی منوچهر بخواهر گفت من از مربّا خیلی خوشم میاید پروین گفت من میوهٔ خشك را بیشتر دوست میدارم منوچهر گفت مزهٔ رب هم بد نیست پروین گفت رنگ و مزهٔ رب گوجه فرنگی ازهمه بهتراست مادرشان هم هروقت از این خوراکها درست میکرد بآنها اجازه میداد که اندکی

بچشند امّا بآنها گوشزد میکرد که این غذاها برای زمستان است و بآنها دست نباید زد در تابستان برخی از میوه ها را از آلو و آلو بالو و قیسی و گلابی و هلو و زردالو و توت می‌خشکانند و از آنها برای زمستان مربا و ترشی درست می کنند و گاهی همچنانکه خشك شده است بجای میوهٔ تر می‌خورند .

منوچهر و پروین در تابستان دیده بودند که مادرشان چگونه این میوه ها را خشك‌می کند و گاهی‌هم باو کمك میکردند وروی میوه ها را با پارچهٔ نظیف و پاکیزه میپوشانیدند تا گردو خاك ومگس وزنبور روی‌آنها ننشینند مادرشان میوه ها را پس ازخشکیدن درجای خشکی میگذارد مربا و ترشی و رب را هم در زیر زمین که هوایش خنك بود جای میداد .

درزمستان منوچهر وقتی که قیسی‌خشك می‌خورد بخواهرش گفت قیسی درتابستان که تازه بود بوی خوشی داشت لیکن حالا آن بوی خوش را ندارد مادرشان گفت میوه وسبزی خوشبوی را که می خشکانند بوی آن کم می شود .

کسانی که در ده زندگی میکنند غذای زمستانی خود را

می توانند بآسانی ذخیره کنند لیکن اهل شهر بیشترشان وسیله و وقت تهیهٔ خوراک زمستانی ندارند در تابستان و سایر فصلها خوار بار خود را روزانه یا هفته بهفته از بازار می خرند .

۱ - پرسش - منوچهر و پروین چرا تابستان و پاییز را دوست میداشتند ؟- چه میوه ها را خشک میکنند ؟- از چه میوه ها مربا درست میکنند ؟- در خانهٔ شما از چه چیز ها ترشی درست میکنند ؟- اهل شهر خوار بار خود را چگونه تهیه میکنند ؟- چرا ؟

۲- گردش علمی - درضمن گردش درشهر ببینید در کدام دکانها خوار بار میفروشند ؟- در کدام دکانها تره بار ودر کدام خشکه بار میفروشند ؟- تحقیق کنید خشکه بار را ازچه میوه ها درست میکنند ؟

درطهران فروشندگان میوه برای جلب مشتری میگویند : عسل طالبی - تنگ طلا گرمک - نوری عسل زردآلو - صفرا بر است آلبالو - آب برف خورده گیلاس - گل سردارم خیار و غیره .

شما هم درمحل خود خوب گوش کنید وببینید فروشندگان میوه های خود را چگونه تعریف میکنند و تا بتوان دلیل آن تعریفها را هم پیدا کنید

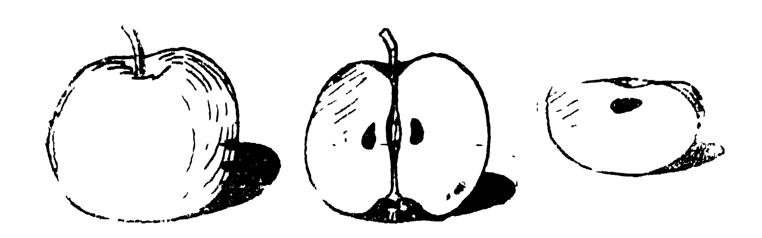
۳ - تکلیف - از روی این سرمشقها چند بار بنویسید

کسانی که در ده زندگی می کنند غذای زمستانی خود را می توانند بآسانی ذخیره کنند.

لیکن اهل شهر بیشترشان وسیله و وقت تهیه خوراک زمستانی ندارند و چون در تابستان

و دیگر فصلها خوار بار خود را روزانه یا هفته بهفته از بازار می خرند.

پروین گفت من میوهٔ خشک را بیشتر دوست دارم



طرز خشك کردن سیب

شما هم اگر بخواهید سیب خشک کنید اول باید این چیز ها را حاضر کنید : چند سیب خوب ـ چاقو برای پوست کندن سیب ـ چند تکه پارچهٔ نظیف ـ یك سوزن بزرگ که سوراخش هم درشت باشد و چند تکه نخ.

پس از آن بدستوری که در پایین داده شده است عمل کنید :

۱ — سیبها را خوب و با دقت پوست بکنید پس از پوست کندن دو نصف کنید هر نصف را هم دونصف کنید تخمدان و تخمهای آنها را بیرون بیاورید هر تکه سیب را باز بدو یا سه تکهٔ کوچك قسمت کنید .

۲ — تکه های سیب را با آب صاف و پاکیزه بشویید و با یك پارچهٔ نظیف خشک کنید .

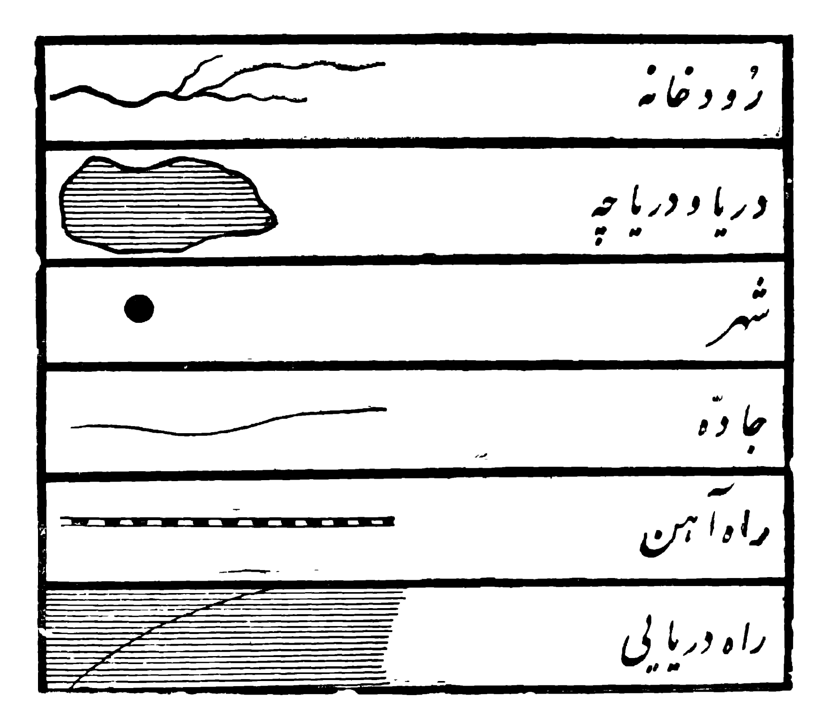
۳ — تکه های سیب را مانند دانهٔ تسبیح بنخ بکشید اما بقسمی که بیکدیگر نچسبد زیرا اگر بهم بچسبد می پوسد و نخ را درجایی که مرطوب نباشد ببندید یا دو سر آنرا گره بزنید ودراطاق خشکی آویزان کنید واگر درحیاط آویزان میکنید شبها توی اطاق بیاورید .

۴ — روی سیبها راهمیشه با پارچهٔ پاك نازك بپوشانید تا گرد و خاك و مگس روی آن ننشینند .

۵ — سیبها را پس از خشکیدن توی جعبه یا کیسه یی پاك بگذارید .

۱-پرسش - برای خشك کردن سیب چه کار ها باید کرد ؟- چرا هر دانه سیب را بچند تکهٔ کوچك باید تقسیم کرد ؟ - چرا باید آنها را شست ؟ - چرا بایدآنها را دور ازهم بنخ کشید ؟ - چرا باید رویآنها را با پارچهٔ تمیز پوشاند ؟

۲-کار- هر کدام از شما یك دانه سیب یا گلابی باوسایل لازم بیاورید و بطریقی که در بالا دستور داده شده است خشك کنید .



علامات جغرافیایی

ترسیم ـ مدور ـ تشخیص دادن ـ پیوسته ـ مراقب ـ استعمال

در نقشه های جغرافیایی دیواری دقت کنید رود خانه و دریاچه و جزیره و شبه جزیره هر کدام با خطها و رنگهای مخصوص نشان داده شده است رود خانه ها با خطوط پیچ در پیچ و دریا ها و دریاچه ها با رنگ آبی و خشکیها

با رنگهای دیگر ترسیم و نام هریك در جای خود نوشته شده است نقطه های سیاه مدّور علامت شهر ها و خطوط سیاهی که شهر ها را بهم وصل میکند نشانهٔ راهها و جاده ها است خطهای زنجیرمانند که میان بعضی ازشهرها کشیده شده علامت راه آهن است خطهای سیاه که در دریا ها رسم کرده اند علامت راههای دریایی است . خطوط نقطه چین هم علامت مرز ها است (---------- ---------- - -)

شناختن علامات نقشه بر شما دانش آموزان بسیار لازم است و باید دریا واقیانوس و رود خانه و دریاچه وجزیره و شهرها و راهها و دیگر چیزهای جغرافیایی را که درنقشه ها نشان داده میشود ار یکدیگر تشخیص بدهید برای این کار خوبست خودتان بنقشه کشی عادت کنید بدین ترتیب که از ساده ترین صورتها آغاز ودراولین نقشه فقط رودخانه ها و دریاچه ها را ترسیم و رنگ آمیزی کنید درنقشهٔ دوم بعضی از کوهها را اضافه کنیدوبآنهارنگ قهوه یی یاخرمایی روشن بزنید درنقشه های بعد شهرهاو راهها را بیفزایید درنقشه کشی پیوسته مراقب باشید

که جهات اصلی نقشه را فراموش نکنید پس از تمام شدن نقشه در گوشه سمت چپ آن نمونهٔ علامات نقشه را ترسیم کنید تا سایرین هم نقشهٔ شما رابفهمند نقشه را همیشه ساده و با دست بکشید و تا ممکن است از استعمال سناره وپرگار خودداری کنید.

کاردستی -

اگر یك ضلع چهارگوشه را بچهار قسمت برابر تقسیم کنید واز قسمت سوم دو ضلع بگوشهٔ مقابل وصل کنند یك مثلث بدست میآید که اضلاعش مساوی است
این عمل را بتوسط قیچی و کاغذ تمرین کنید

بدن انسان ــ سر

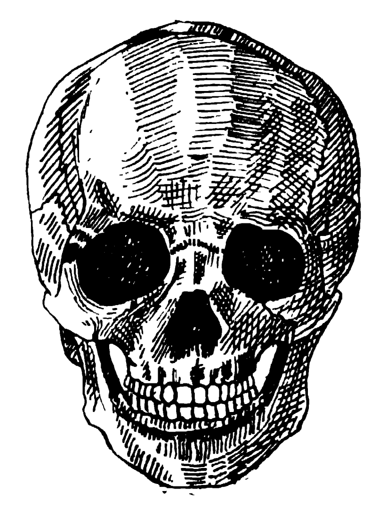
ممتاز - مشخص - مشتمل - رُستنگاه - مایع - تراوش-

بزاق یا ِگلیز

اسباب کار : استخوان کلهٔ گوسفند .

بدن انسان ازسه بخش ممتاز ومشخص تشکیل یافته است :

سر و تنه و دست و پا ها .



سر بوسیلهٔ گردن بتنه

چسبیده و مشتمل بر دو قسمت است

کاسهٔ سر یا(جمجمه)و صورت .

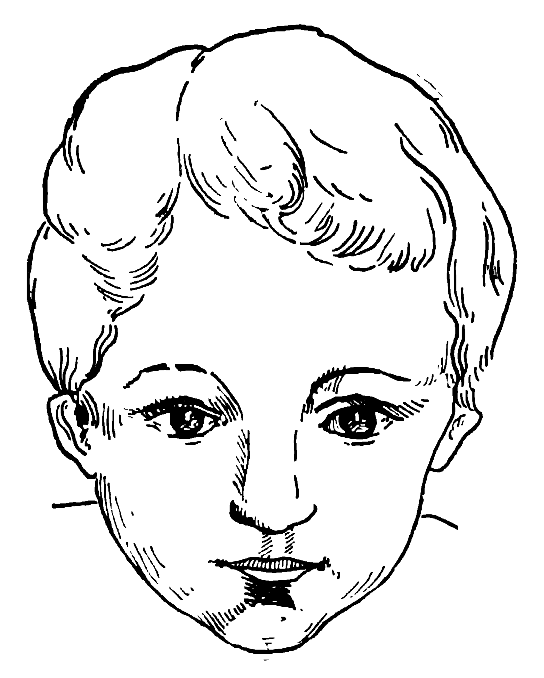
۱ - کاسهٔ سر -

کاسهٔ سر قسمت بالای سر را

که از استخوانهای بسیار محکم ساخته شده و درون آن مغز سر

قرار دارد   استخوانهای مزبور بوسیلهٔ دندانه های بیشمار

بهمدیگر وصل شده و جدا کردن آنها دشوار است

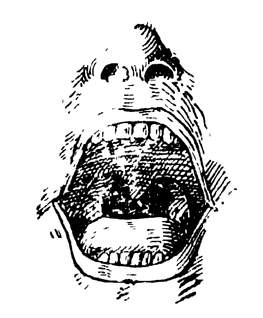


٢ ـ صورت ـ

صورت مشتمل بر
پیشانی وچشم و گوش
و بینی و دهان است
پیشانی از رُستنگاه
موی سر است تا
برآمدگی ابروان و
نقطهٔ مقابلش پس کله
یا پشت کله است **درزیر** پیشانی وابروان چشمها و بینی
ودهان ودر دو طرف سر
دو گوش قرار دارد .

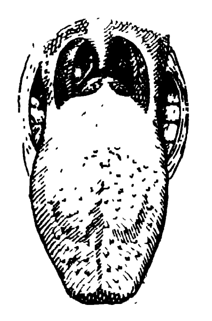
ما دو **فك** یا زنخ
داریم یکی فك بالا که محکم
باستخوانهای جمجمه چسبیده
است و حرکت نمی کند

دیگری فك پایین که باطراف حرکت می کند .



دهان در میان دو فك واقع شده و دندانها و زبان در درون آنست از دهان مایعی تراوش می کند که آنرا بزاق یا (گلیز) مینامند .

زبان عضوی گوشتین است که بهر طرف حرکت می کند و با آن سخن می گوییم



پرسش - کاسهٔ سر کدام است ؟ - مغز سر کجا قرار دارد ؟ - صورت مشتمل بر کدام اعضا است ؟ - چند فك داریم وفرق **دوفك** چیست ؟ - مایعی را که از دهان تراوش می کند چه مینامند ؟

استخوان کلهٔ گوسفند را نگاه کنید و **بگویید** . استخوانهای کاسهٔ سر و صورت چگونه بهم چسبیده **است** ؟ - جای مغز کجا و بچه شکل است ؟ جای چشمها چه **طور** است ؟ - **جای بینی** چه طور ؟

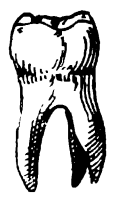
نقطهٔ مقابل یعنی چه ؟ - در حیاط دبستان **نقطهٔ** مقابل کلاس شما کجا است ؟ مشتمل یعنی چه ؟ - **گوشتین** یعنی چه ؟

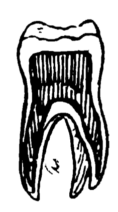
یك یا دو جمله بسازید که دو لغت اخیر در آن باشد .

دندان و حفظ آن

بن - محکم - استوار - قطع شدن - نمایان - برّاق (برق) - مسموم (سمّ) - ابتدا - درصدد برنمی‌آید - تباه - نامحسوس

اسباب کار : دندانهای مختلف گاو یا گوسفند





دربالای این صفحه دو تصویر مشاهده می کنید آنکه در طرف راست است تصویر دندان کرسی است که در بن فك جای دارد و آخرین دندانها است ریشهٔ این دندان راملاحظه کنید که دارای سه یا چهار پایه است دندانهای دیگرهم ریشه های یك پایه تا چهار پایه دارند و چنانکه درخت بریشهٔ خود بر پا است دندان هم بریشهٔ خود در استخوان آرواره فرو رفته

ودرجای خود محکم واستوار است   درطرف چپ تصویر همان
دندان است که ازپهنا بدو نصف قطع شده ومغزش نمایان است .

روی دندان   مادهٔ سفید رنگ برّاق بسیار سختی است
که مینا نامیده می‌شود   واندرون یا مغز آن از مادّه یی نرم ساخته
شده   ومینا که روی آنرا گرفته است آنرا از سرما و گرما و
میکربهای موذی حفظ می کند .

اگر دندانها را پس از غذا نشوییم ریزه های غذا لای
دندانهایمان میماند   ورفته رفته فاسد و گندیده میشود   ومینای
دندانها سوراخ می گردد   و از این سوراخ میکربهای موذی
داخل دندان میشوند   و مغز دندانرا فاسد و سیاه می کنند و
دندانرا در این حال کرم خورده مینامیم   مایعی که از دندان
فاسد میتراود زهرناك است   و وقتی که غذا میخوریم با غذا
مخلوط و وارد معده میشود   و بدن ما را مسموم میسازد .

فساد دندان در ابتدا اندك است   و چون دردی از آن
احساس نمی‌شود شخص خیال می کند که دندانش سالم است
ودرصدد علاج بر نمی‌آید   وهنگامی ازحال دندان آگاه میشود

که کرم خوردگی شدّت یافته و آنرا سیاه و تباه کرده باشد .

مینای دندان از ضرب خوردن و سرد و گرم شدن نیز میشکافد و سوراخ میشود .

پس اگر میخواهید دندانتان همیشه سالم باشد :

۱ -- پسته و بادام و دیگر چیز های سخت را با دندان نشکنید .

۲ -- از پشت سرهم خوردن غذاهای بسیار سرد و بسیار گرم بپرهیزید .

۳ - پس از هرغذا پشت وروی دندانها را مسواك بزنید ومسواك را از بالا بپایین واز پایین ببالا بکشید تا آنچه درلای و بُن دندانها است بیرون آید .

٤ -- سالی یك بار دندانهایتان را بپزشك دندان نشان دهید تا اگر کرم خوردگی اندك و نامحسوس داشته باشد بعلاج آن بپردازد .

۵ -- برای شستن دندان مسواك مخصوص

بخود داشته باشید و مسواك دیگری را هیچگاه بدهان نبرید .

بهترین وقت شستن و مسواك زدن دندانها پس از شام و هنگام خواب است زیرا در روز که بیداریم لب و زبان ما حرکت می کند وریزه های غذا را نمی گذارد در یك جای بماند وفاسد گردد اما شبها که در خواب هستیم لب وزبان ما حرکت نمی کند وریزه های غذا درلای وبن دندانها میماند و فاسد میشود .

۱ - پرسش - یك دندان کرسی گاو یاگوسفند را خوب ملاحظه کنید و آنچهرا می بینید بگویید ؟ - فایدهٔ ریشهٔ دندان **چیست** ؟ - آیا تمام دندانها یك قسم ریشه دارند ؟ - تفاوت مینا و مغز دندان چیست ؟ - فایدهٔ مینا چیست ؟ - مینای دندان بچند طریق فاسد و سوراخ میشود ؟ - فاسد شدن مینا چه ضرر دارد ؟ برای حفظ دندان چه باید کرد ؟ - برای مسواك زدن دندانها کدام وقت بهتر است ؟ چرا ؟ - بهترین طرز مسواك زدن کدام است ؟ چرا مسواك دیگری را بدهان نباید برد ؟

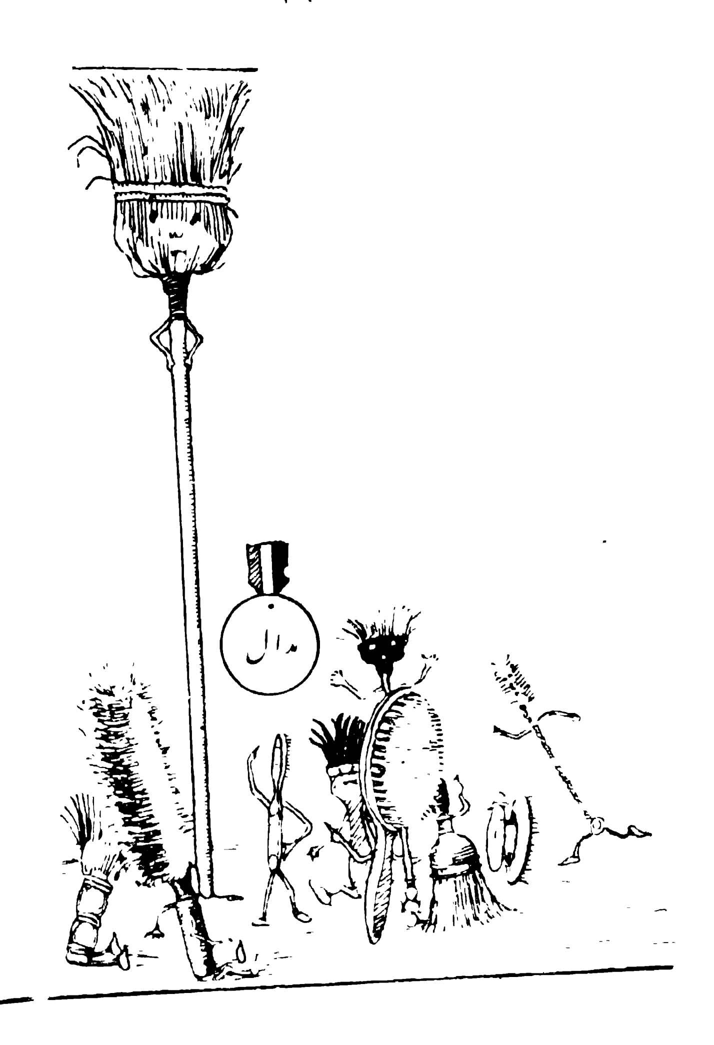
۲ - این لغات را معنی کنید و هر کدام را درجمله ساده یی استعمال کنید : استوار - براق (برق) - میتراود (تراوش) - مسموم تباه - بن دندان - نامحسوس

۳-تکلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید

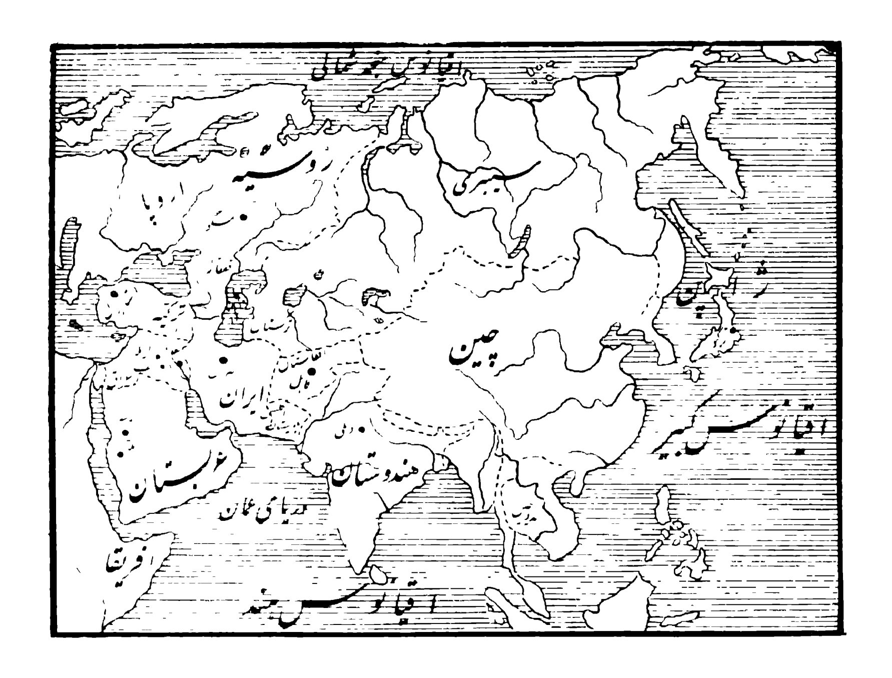
اگر میخواهید دندانتان همیشه سالم باشد :

۱ - پسته و بادام و دیگر چیزهای سخت را با دندان نشکنید .

۲ - از پشت سرهم خوردن غذاهای بسیار سرد و بسیار گرم بپرهیزید



از این وسایل تنظیف کدامیك مدال مسابقهٔ
نظافت را میبرد ؟



کشور ایران

سلسله ـ سو ـ انبوه ـ کان

ایران در منطقهٔ معتدلهٔ شمالی و در قارهٔ آسیا واقع شده است درشمال ایران دریای خزر ودرجنوب آن خلیج فارس و دریای عمان قرار دارد ایران درشمال با کشور روسیه ودر خاور باافغانستان و بلوچستان انگلیس ودر باختر باعراق و

ترکیه همسایه است.

در ایران سلسله کوههای بلند از هرسو کشیده شده و مشهورترین آنها کوه البرز در شمال و کوه الوند درمغرب است هوای ایران معتدل وخاك آن حاصلخیزاست در ایران جنگلهای انبوه و جلگه های وسیع و حاصلخیز و چراگاههای سبز وخرم وکانهای نفت و زغال سنگ و انواع فلزات فراوان است سبز و خرّمترین دشتهای ایران نواحی مازندران و گیلان و گرگان است که درسمت شمال درکنار دریای خزر واقع است در ایران گاو و گوسفند و اسب و شتر فراوان تربیت میشود و محل تربیت آنها دشتهای سبز و پرحاصل است مردمان ایران همگی زحمتکش وکارکنند وهرکس بقدر کوشش خود ازنعمتهای این سرزمین بهره میبرد این مردم همگی مطیع یك پادشاه و یك قانونند و هرکس در خاك ایران زندگی میکند تابع پادشاه و دولت و قانون ایران است.

داروی خشمناکی

فریدون کودکی سالم وخوشرو بود ولی یك عیب داشت که هر وقت چیز کوچکی خلاف میلش اتفاق می افتاد خشمگین میشد وداد وفریاد میکرد ولی بعد خودش میفهمید که بد کرده است و پشیمان میشد

روزی رفیق عزیزش هوشنگ باو گفت :

فریدون برای این ناخوشی دوایی تهیه کرده ام برایت می‌آورم .

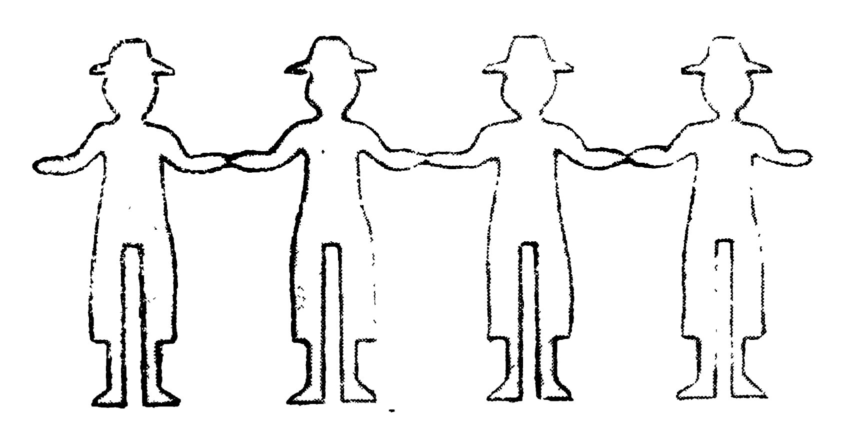
فریدون که از تند خویی خود ناراضی بود گفت اگر چنین کنی خیلی ممنون میشوم روز دیگر هوشنگ یك تنگ پر ازآب برایش آورد و گفت این تنگ را در طاقچهٔ اطاقت بگذار هر وقت خشمگین شدی از شربتی که درآنست یك استکان بخور فریدون همین کار را کرد و چون چند دفعه از آن شربت خورد رفته رفته تند خویی از سرش افتاد برای سپاسگزاری فریدون نزد رفیق خود

هوشنگ رفت و گفت اکنون که دوای تو ناخوشی مرا برطرف کرده است بگو بدانم چه شربتی در تنگ بود ؟ هوشنگ خندید و گفت جز آب خالص چیزی در آن نبود .

پرسش - فریدون چه طور بچه‌ایی بود ؟ - عیب او چه بود ؟ - هوشنگ چه دستوری باو داد ؟ - آیا فریدون بدستور او عمل کرد ؟ - نتیجه چه شد ؟ - داروئی که هوشنگ باو داد چه بود ؟ - پس بنظر شما چگونه با خوردن آب خالص اوقات تلخی فریدون برطرف شد ؟ -

---

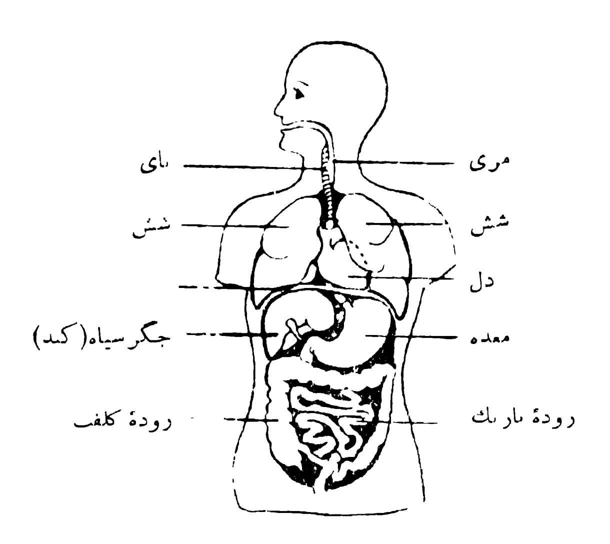
کاردستی :



۱- کاغذ را چهارتا کنید .

۲- روی لای اول شکل آدم بکشید .

۳- اطراف شکل را ببرید و باز کنید .

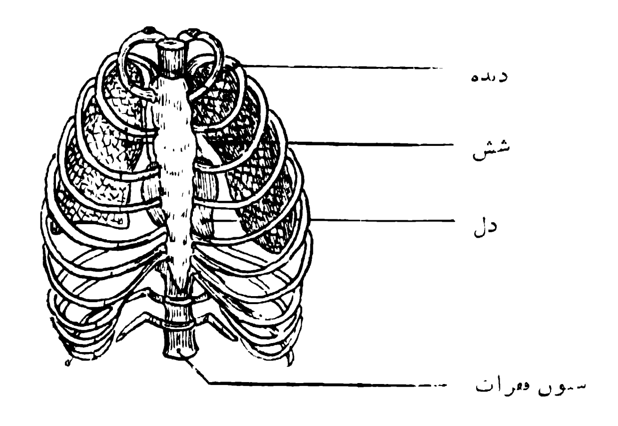


بدن انسان ــ تنه

گرداگرد - اتصال - گوشتپاره - مشک - جایگاه

تنه از دو قسمت تشکیل یافته است : سینه در بالا و شکم در پایین .

۱ - **سینه و ستون فقرات** - زیر پوست سینه استخوانهای دراز و خمیده مییابیم که گرداگرد سینه و پشت را گرفته است این استخوانها را دنده مینامند و هر انسانی ۱۲ جفت دنده دارد .



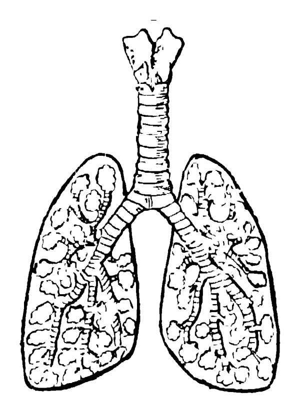
دنده ها ازعقب بتیرهٔ پشت یا ستون فقرات اتصال‌دارد

و مجموع آنها با تیرهٔ پشت قفسهٔ سینه را تشکیل میدهد در

درون سینه ششها و دل قرار دارد شش ودل ومعده مهمترین

اعضای بدن است .

۲ - ششها (یا ریتین) -



مقطع شش ها (برای اینکه داخل شش ها دیده شود)

دوشش در دو طرف قفسهٔ سینه

جای دارد شش مهمترین عضو

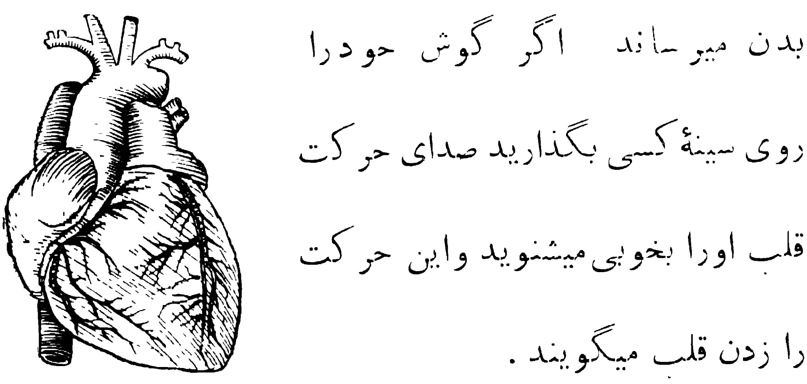
تنفس است و باید آنرا سالم

نگاه داریم تا کار تنفس بخوبی

وآسانی انجام یابد .

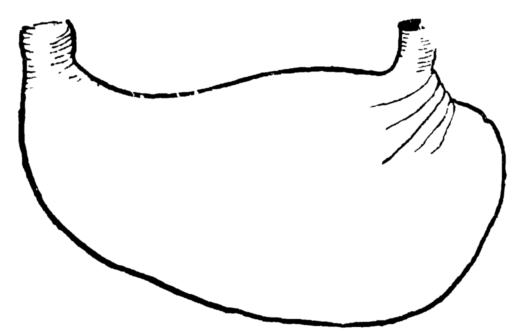
تنفس بدینگونه انجام مییابد که هوا از بینی وارد حلق و نای و از آنجا بتوسط لوله های کوچکتر داخل ششها میشود وششها پر باد وبزرگ میگردد و سینه‌بالا میآید موقع بیرون رفتن هوا ششها یا (ریه ها) خالی میشود و سینه بحال اول برمیگردد .

۳ **قلب (دل)** ـ قلب یا دل ماهیچه‌یا گوشتپاریی سفت و بشکل گلابی است قلب در اندرون سینه درطرف جپ درمیان دوشش جای دارد و پیوسته باز و بسته میشود و در هرحرکت خون را از راه رگها که بدان منصل است بتمام بدن میرساند اگر گوش خودرا روی سینهٔ کسی بگذارید صدای حرکت قلب اورا بخوبی میشنوید واین حرکت را زدن قلب میگویند .



٤ - **شکم** ـ شکم جایگاه معده و روده ها است معده کیسه‌یی مشك مانند است و دیواره های کلفت دارد

غذایی که میخوریم وارد معده میشود و در آنجا چند ساعت میماند و قدری نرم و آبکی میشود و آنگاه برودهٔ باریك میرود و در آنجا کاملا آبکی و روان میشود و داخل خون



میگردد و خون آنرا بتمام بدن میرساند.

۱- پرسش - تنه چند قسمت است ؟ - سینه کدام قسمت ازتنه است ؟-در سینه کدام عضوهای مهم قراردارد ؟ - ما چند شش داریم ؟ - قلب در کجا و بچه شکل است ؟ - قلب چگونه حرکت می کند ؟ - زدن قلب یعنی چه ؟ - شکم جایگاه کدام عضوها است ؟ - معده بچه شکل است ؟ - غذایی که میخوریم بکجاها میرود وچه میشود ؟ -

۲-مشاهده - جگرسفید (شش) گوسفند را خوب نگاه کنید ورنك ونرمی و دیگر حالات آنرا بگویید ؟

۳-تکلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید.

غذایی که میخوریم وارد معده میشود و در آنجا چند ساعت میماند و قدری نرم و آبکی میشود و آنگاه برودهٔ باریک میرود و در آنجا کاملاً آبکی و روان میشود و داخل خون میگردد و خون را بتمام بدن میرساند

نقاشی - شکل سادهٔ ششها ومعده را بکشید.

بدن انسان ـ پوست و عرق

منفذ ـ آمیزش ـ تنفر

فایدهٔ پوست ـ پوست پرده یی نازك و نرم است که تمام بدن ما راپوشانیده است و آنرا از آسیب هوا و میکربهای خارج حفظ می کند اگر پوست بدن نبود ماهیچه ها و دیگر اعضای درونی که باید نرم و تر باشد خشکیده و فاسد میشد همه جای پوست بجز کف دستها و پا ها موی دارد و سطح آن پر از منفذ های بسیار خرد است که عرق از آن خارج و هوا برای تنفس ازآن داخل می‌شود پوست درسر بند های بدن چین خورد گی دارد و فایده اش آسانی حرکات بدن است.

بدن همیشه در حال عرق کردن است و در تابستان بیش از سایر فصلها عرق می کند.

پوست بدن زود بزود چرکین میشود و باید زود بزود شسته شود چرك از آمیزش عرق بدن با گرد و خاك خارج موجود می آید چرك منفذ های پوست را میگیرد و راه

بیرون شدن عرق و داخل شدن هوا را می بندد و سبب بروز بیماریهای گوناگون میشود   اشخاصی که بدنرا چرکین میدارند لباسشان زود بزود جرب و چرکین میشود و گاهی هم عرق بدنشان بد بوی و مایهٔ تنفر دیگران میشود .

پس لازم است بدن را دست کم هفته یی یك بار و دست و روی را روزی دوسه بار با آب وصابون بشوییم .

۱-پرسش - فواید پوست بدن چیست ؟ - نشان بدهید که پوست بدن نرم و نازك است ؟ - آیا هیچکس را دیده اند که قسمتی از پوست بدنش کلفت وسفت شده باشد ؟ - علتش چه بوده است ؟ - آیا همه جای بدن موی دارد ؟ - موی سررا چه مینامند ؟ - موهای بالای دو چشم را چه طور ؟ - موی پلکها را چه طور ؟ - با خم کردن انگشتها وزانو وآرنج بگویید . فایده چین خوردگی‌های پوست چیست ؟ عرق درچه وقت از بدن خارج میشود ؟ - چرك ازچه پیدا می‌شود ؟ - چرکین‌ماندن بدن چه ضررها دارد ؟ - چرا بعضی‌اشخاص بدنشان بوی بد میدهد ؟ - آیا دیگران از معاشرت این اشخاص در زحمت نیستند ؟

۲ - انشا - شرحی در موضوع پاکیزگی به ترتیب زیر بنویسید

۱ - چرا بدن چرکین می‌شود ؟

۲ - ضررهای چرکین بودن

۳ - بدن را چگونه تمیز می دارند ؟

۴ - فواید پاکیزگی .

۵ - نتیجه یی که ازمطالب بالا میگیرند

۳- تکلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید .

پوست بدن زود بزود چرکین میشود باید زود شسته شود .

موی و حفظ آن

باستثنا - رُسته - نگهبان - فواید (فایده) - لطیف -
موی پرور

پوست بدن خود را اگر بدقت ملاحظه کنید می بینید که درهمه جای آن باستثنای کف پاها ودستها موهای نرم و کوتاه رُسته است موی نگهبان بدن است و از فوایدش اینکه بدن را ازسرما حفظ می کند موی از بدن مانند گیاه از زمین میروید وچنانکه گیاه ریشه دارد هردانه موی هم ریشه یی دارد ریشهٔ موی در پوست فرو رفته و در بُن هر ریشه کیسهٔ کوچکی است که چربی از آن تراوش می کند

این چربی از سوراخهای ریز پوست بیرون می آید و بخورد موی میرود وآنرا نرم ولطیف نگاه میدارد

تن خودرا اگر پاکیزه نداریم سوراخهای پوست ما را چرك می گیرد و چربی موی بخوبی از آن بیرون نمی آید و

موی بدن رفته رفته خشك میشود ومیریزد پس اگر میخواهیم موی ما سالم ماند باید تن خود را پاك و پاکیزه داریم و هفته یی یك یا دو دفعه سر تا پای خود رابا آب و صابون بشوییم .

درصابون زدن زیاده روی نباید بکنیم زیرا صابون چربی موی پرور را از میان میبرد و موی را خشکیده و فاسد میکند .

۱ - **پرسش** - مو درکدام قسمت از پوست بدن میروید ؟ - فایدهٔ موی چیست ؟ - موی چه مشابهتی بگیاه دارد ؟ - در بن هر ریشه موی چیست ؟ - چه باید بکنیم تا موی ما سالم نماند ؟ - چه چیز معمولا سبب خشك شدن موی سر میشود ؟ فایده موی سر چیست ؟ - برای پاکیزگی موی سرتان چه می کنید ؟ - سرتان را روزی چند بار شانه میزنید ؟ - چرا ؟ - آیا لازم است موی سر را با بعضی روغنها چرب کرد ؟ - علت چیست که پشت یخه و دور کلاه بعضی چرب و چرکین است ؟ - چه حیواناتی می شناسید که بدنشان از مو یا پشم پوشیده شده است ؟ - فایدهٔ مو یا پشم برای این حیوانات چیست ؟

۲ - هر یك از این کلمات را در دو جمله استعمال کنید : مو - ریشه - سالم مثال · برادر من سالم است .

۳ - **تکلیف** - از روی این سرمشقها چند بار بنویسید .

تن خود را اگر پاکیزه نداریم سوراخهای پوست ما را چرك میگیرد و چربی موی بخوبی از آن بیرون نمی آید و موی بدن رفته رفته خشك میشود و میریزد

اشخاصی که بدن را چرکین میدارند لباسشان زود بزود چرب و چرکین میشود

موی بدن را از سرما حفظ می کند

زخم و بریدگی پوست

تصرف - بفوریت (فوراً) - جرّاح

پوست روی تمام بدن راپوشانیده است و آنرا از تصرف هوا و ورود میکربهای خارج حفظ می کنند و هرجای آن بریده یازخم‌شود هوا ومیکربهای زیان‌آور بآن حمله میآورند پس هروقت در دست یا پای شما بریدگی‌پیدا شد بفوریت آنرا با آب گرم پاکیزه بشوئید و تنتورُید یاالکل برآن بمالید و رویش را با پارچهٔ پاکیزه ببندید .

زخم را اگر کوچك و بی‌اهمیت باشد خود شما یامادرتان میتوانید شست و شوی یا زخم بندی کنید و اگر بزرگ و مهم باشد چارهٔ آن کارپزشك وجرّاح است و باید بآنها رجوع کنید

جای زخم اگر باد کند و سرخ شود نشان اینست که میکرب داخل زخم شده و درآنجا خانه کرده است و باید زود پیش پزشك یا جرّاح بروید .

۱ - **پرسش** - چه عیبی دارد اگرقسمی از پوست بدن شما بریده یازخم شود ؟

چرا باید جای بریده را فورا با آب پاک شست ؟ - فایدهٔ مالیدن تنتور یدو یا الکل چیست ؟ - چرا بعد از تمیز کردن زخم باید روی آنرا بست ؟

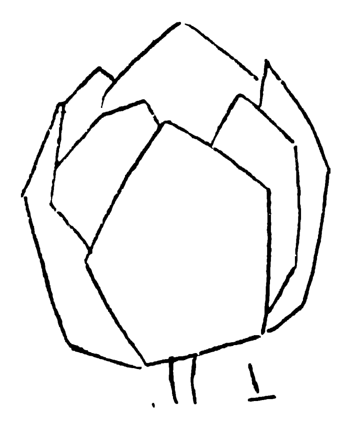
بعضی از مردم برای بندآمدن خون زخم خاک بر روی بریدگی میپاشند و یا بر روی آن تار عنکبوت میگذارند ، این کار خوبست یا نه ؟ -چرا؟

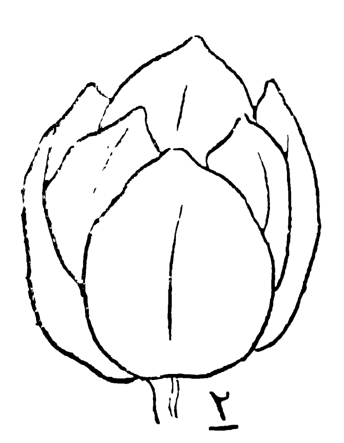
۲ - **تکلیف** - از روی این سرمشقها چند بار بنویسید :

جای زخم اگر باد کند و سرخ شود نشان این است که میکرب داخل زخم شده و در آنجا خانه کرده است و باید زود پیش پزشک یا جرّاح بروید

روی زخم را با پارچه پاکیزه ببندید

نقاشی - از روی این شکلها بکشید







تقسیمات کشور ایران

سطح ـ لقب ـ اداره ـ تنظیم ـ منظم

سطح زمین میان مردمان بقسمتهای بزرگ و کوچك تقسیم و هرقسمت بنام و لقبی موسوم شده است :

قسمتی را که مسکن یك ملت است **کشور یا مملکت** مینامند وهر ملت کشور خود را برای اینکه اداره و تنظیمش

آسان باشد بتقسیمات کوچکتری تقسیم کرده است

کشور ما ایرانیان **ایران** و تقسیماتش بترتیب زیر است :

۱ — **ده** ــ ده یا دهکده آبادی کوچکی‌است که چند خانوار در آن زندگی میکنند ویك کدخدا بکار های ایشان رسیدگی میکند .

۲ — **دهستان** ــ دهستان چندین ده یا دهکده نزدیك بهم است که یك دهدار آنرا اداره میکند .

۳ — **بخش** ــ بخش چندین‌دهستان نزدیك بهم است که یك بخشدار آنرا منظم میدارد .

٤ — **شهرستان** ــ شهرستان یك شهر یا چندبخش است که یك فرماندار آنرا اداره میکند .

٥ — **استان** ــ استان قسمت بزرگی از کشور است مشتمل برچندین شهرستان که یك استاندار آنرا اداره میکند .

ایران دارای ده استان و بنا بدانچه گفته شد هر استان مشتمل برچندین شهرستان و هرشهرستان مشتمل بر یك شهر یا چندین بخش وهر بخش مشتمل برچندین دهستان وهر

دهستان مرکب از چندین ده یا دهکده است .

پرسش – زمین‌را مردمان درمیان خود چگونه تقسیم کرده اند ؟ ـ مملکت یا کشور بچگونه قسمتی گفته‌میشود ؟ ـ تقسیمات کشورما ایران چیست ؟ ـ ده یادهکده کدام‌است ؟ ـ دهستان کدام‌است ؟ ـ بخش کدام است ؟ ـ شهرستان کدام ؟ ـ استان کدام ؟ ـ ایران دارای چند استان است ؟ ـ جای هریك‌از استانها را ازروی نقشه معین کنید (بدین ترتیب استان ۲ در شمال ایران واقع است وغیره)

ده یا شهرشما چه نام دارد ؟ ـ دراطراف‌آن چه دهکده ها واقع است ؟ ـ ده شما جزو کدام بخش است ؟ ـ شما از مردم‌کدام شهرستانید ؟ ـ شهر شما جزو کدام استان است ؟

نقاشی - از روی این شکل بکشید
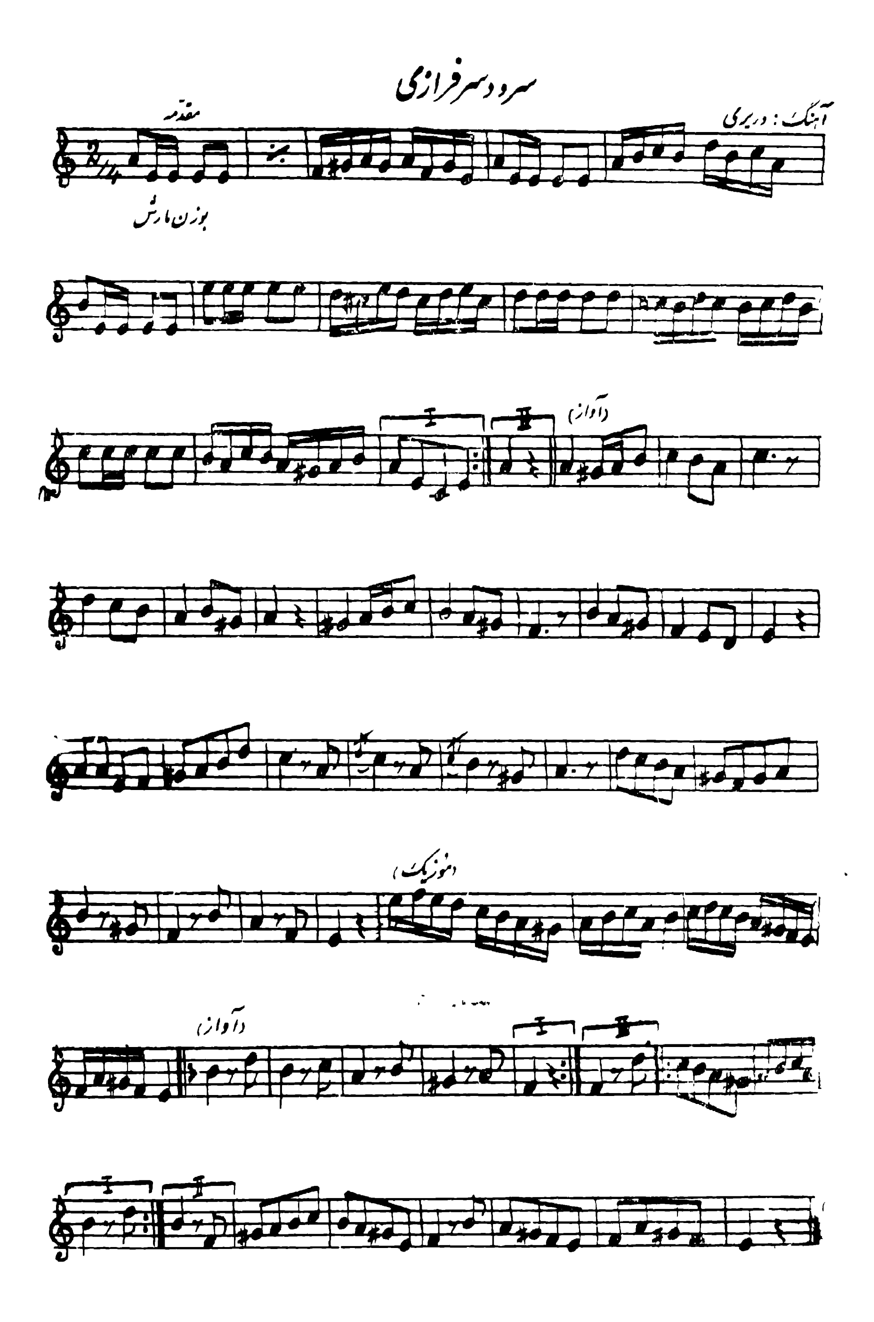


سرود

سرفرازی

کشور جم را ز دانش بوستان باید نمود
سر بسر خاك وطن را گلستان باید نمود
بیرق علم و صناعت را همی باید فراشت
دفتر فضل و تمدن را همی باید نگاشت

علم از همه سو جمال بنمود
در های رفیع فیض بگشود
ای زادهٔ سعدی و نظامی
بشنو سخن پدر تمامی

غافل منشین نه وقت بازیست وقت هنراست و سرفرازیست


سرود سرفرازی
آهنگ : دریری
مقدمه
بوزن مارش
(آواز)
(موزیک)
(آواز)

باغ در پاییز

گرفته (۱) ـ اثر ـ سراسر ـ بانك ـ خش خش ـ منظره ـ غم انگیز (۲) موذی (اذیت) ـ اواخر

دیروز عصر با پدرم بباغی که در ییلاق داریم رفتم نمیدانید چه قدر باغ گرفته بنظرم آمد باغی که در تابستان پر از گل و میوه بود یك دانه گل ومیوه در آن دیده نمیشد برگهای درختان زرد شده و بزمین ریخته بود از پرندگانی که برای ما آواز میخواندند اثری نبود و در سراسر باغ صدایی جز بانگ کلاغ شنیده نمیشد زمین باغ را برگهای زرد خشکیده پوشانیده بود وهرکجاقدم میگذاشتیم برگهای زیر پایمان خش خش میکرد شاخهای لخت و بی برگ درختان از باران شب پیش هنوز خیس بود بپدر گفتم باغ عجب منظرهٔ غم انگیزی پیدا کرده است پدر در جوابم گفت مگر نمیدانی که فصل پاییز است در این فصل هوا رو بسردی

(۱) **گرفته** ـ چند معنی دارد دراین درس معنی آن غم انگیز است .

(۲) **منظرهٔ غم انگیز** ـ شکل وهیأتی که دیدنش انسان را غمگین میکند .

میگذارد و بادهای سرد و موذی از همه جانب میوزد گل و برگ نباتات و درختان از سرمای این فصل زرد و خشك میشود باد و باران این فصل برگهای خشکیدهٔ درختانرا میریزاند و لانه و آشیانهٔ مرغان را خراب میکند در اواخر این فصل است که درختها بخواب میروند و تا آخر زمستان همین طور در خواب میمانند.

۱ - **پرسش** - باغ چرا گرفته بنظر می آمد ؟ - زمین باغ را چه چیز پوشانیده بود ؟ - آیا از پرندگان اثری بود ؟ - در آخر پاییز لانهٔ مرغها چه میشود ؟ - درختها کی بخواب میروند ؟ - تا چه وقت درخواب هستند ؟ - درختها بخواب میروند یعنی چه ؟

۲ - **علم الاشیاء** - گفتگو در بارهٔ پاییز (آغاز و پایان پاییز از روی تقویم - بلندی وکوتاهی شبها وروزها نسبت بسایرفصول - گرمی و سردی هوا - وضع درختان وحیوانات - میوه‌ها ومحصولات زراعتی) بوسیلهٔ سؤالات از این قبیل

چهار فصل سال کدامند ؟ - از روی تقویم آغاز و پایان هرفصلی را معین کنید - پاییز چند ماه طول میکشد ؟ - روز های پاییز و روز های بهار از حیث بلندی باهم چه تفاوت دارند ؟ - آیا روز های پاییز مثل روز های تابستان گرم است ؟ - پس چه طور است ؟ - در پاییز در مزرعه ها و در باغها چه چیز مشاهده میکنید ؟ - آیا برگهای همه درختان در پاییز میریزد -

انشاء - ۱ - آیا فصل پاییز را دوست دارید ؟ چرا ؟

۲ - کیفیات پاییز را شرح دهید (راجع بهر يك ازعنوانهای زیر يك یا دوعبارت ساده بنویسید).

مدت روزوشب - گرمی وسردی هوا - کارهایی که انسان در این فصل انجام میدهد

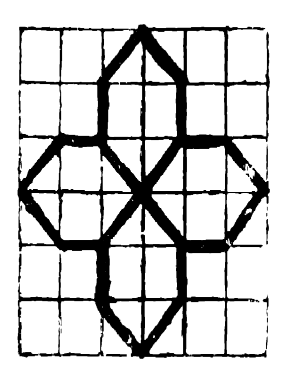
مثال . فصل پاییز سه ماه است آغاز آن اول مهر ماه و پایان آن آخر آذر ماه میباشد .

روز ها در پاییز - - - - - - .

۳ - هر یك ازلغات : (اثر - بانگ - هم انگیز - موذی - گرفته) را در عبارتی استعمال کنید .

مثال : چرا امروز صورت تو گرفته است ؟

رسم : - شکل زیر را روی کاغذ شطرنجی رسم کنید :



اندیشه های درویش

حجره - اندیشید (اندیشه) - بها - بارمیگیرند - دیری نمیگذرد -
رمه - میگسترانم (گستردن) - سوداگر - می گذارم (گماشتن)

مردی درویش سبوبی روغن درحجره داشت شبی با خود اندیشید که چون صبح شود روغن را بشهر میبرم و میفروشم و ببهای آن میشی میخرم آن میش در سال دو بره میآورد بره ها بار میگیرند و میزایند زاده ها نیز همچنان بچه میآورند دیری نمیگذرد که صاحب رمهٔ بزرگ میشوم وار محصول آن فلان مزرعه را خریداری میکنم و درآن درختان بسیار میکارم و قصری بلند میسازم درآن قصر فرشهای گرانبها می گسترانم سپس دختر فلان سوداگر رابزنی میگیرم و بخدمت او کنیزان و غلامان بسیار می گمارم وهروقت یکی ازآنها نافرمانی کند با این عصا او را می زنم .

دراین وقت عصایی را که در دست داشت بلند کرد و فرودآورد عصا برسبوآمد وسبوشکست وروغن برزمین ریخت .

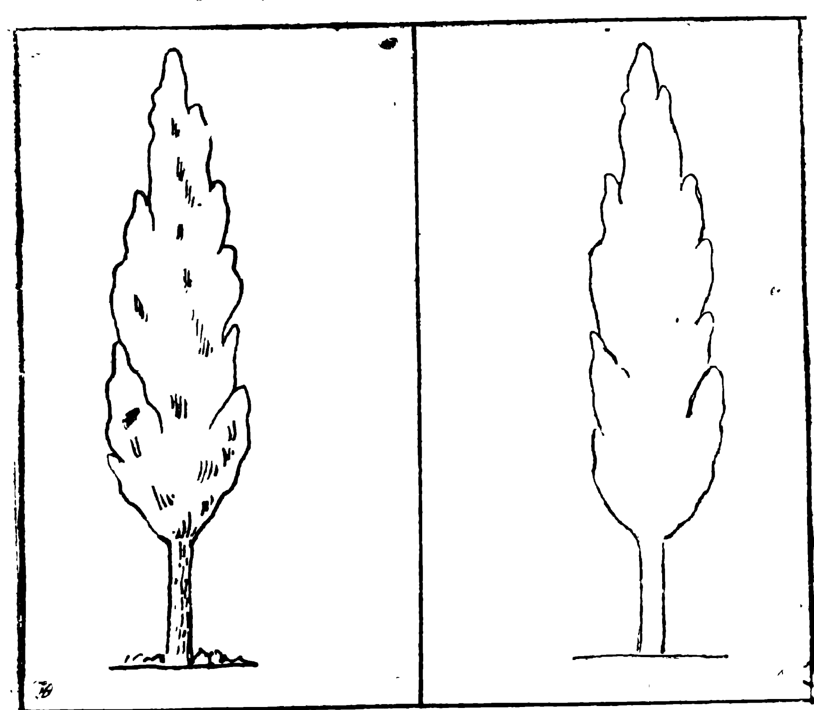
۱ - **پرسش** - سبوی مرد درویش کجا بود ؟ - درویش با خود چه اندیشید ؟ - آخر چه کرد و چه برسر سبوی روغن آمد ؟ - این مرد درویش بگمان شما چگونه آدمی بود ؟ - چرا ؟

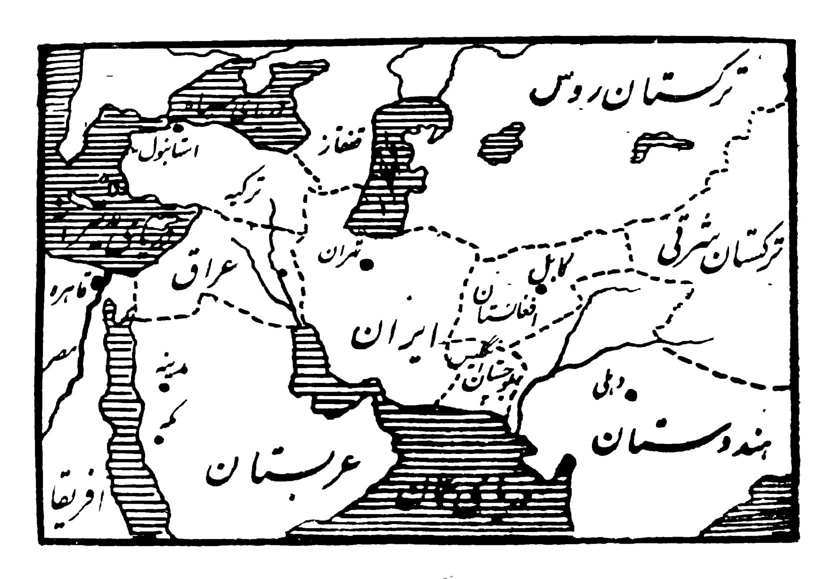
۲ - این لغات وجملات را روی تخته سیاه بنویسید و معنی کنید زاده ها - فرشهای گرانبها - میگسترانم - بی گمارم - عصا برسبو آمد .

۳ - خودتان را مرد درویش حساب کنید وآنچه دراین حکایت گفته وکرده است شما هم بگوئید وبنویسید بدین طریق من سبوی روغن در حجره داشتم شبی با خود اندیشیدم که ... .

٤ - در حکایت بالا بجای « مردی درویش » کلمهٔ « شما » بگذارید و حکایت رابگوئید شما سبوی روغن درحجره داشتید شبی با خوداندیشیدید که . .

نقاشی - از روی این شکلها بکشید و رنگ آمیزی کنید





همسایگان ایران

ایران با پنج کشور همسایه و همخاك است .

همسایگان ایران از سمت خاور افغانستان وبلوجستان انگلیس و از سمت باختر کشور های عراق و ترکیه و از سمت شمال کشور روسیه است .

افغانستان و عراق و ترکیه از ایران کوچکتر ولی روسیه کشوری پهناور و چندین برابر خاك ایران است .

افغانستانـ پایتخت افغانستان شهر کابل است مردم

افغانستان مسلمانند و بزبان فارسی سخن میگویند .

عراق ـ پایتخت عراق شهر بغداد است که در کنار رود دجله واقع شده است کربلا و نجف از شهر های عراق میباشد مرقد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درنجف و مرقد حضرت امام حسین علیه السلام در کربلا است بیشتر مردم عراق مسلمانند و بزبان عربی سخن میگویند

ترکیه ـ ترکیه در باختر ایران واقع شده و بزرگترین شهر آن استامبول است که بیش از هفتصد هزار سکنه دارد استامبول در ساحل دریا واقع شده و شهری زیبا است .

پایتخت ترکیه شهر آنکارا است مردم ترکیه مسلمانند و زبانشان ترکی است .

پرسش ـ کشورهای همسایهٔ ایران کدامند ؟
پایتخت افغانستان کدام شهر است ؟ ـ پایتخت ترکیه ؟ ـ پایتخت عراق ؟ ـ مردم افغانستان بچه زبان سخن میگویند ؟ ـ مردم عراق بچه زبان ؟ ـ افغانستان در کدام سمت ایران است ؟ ـ عراق و ترکیه در کدام سمت ؟ ـ بلوچستان انگلیس در کدام سمت ایران ؟ ـ نجف و کربلا از شهرهای کدام کشور است ؟ ـ در نجف مرقد کدام امام واقع است ؟ ـ و در کربلا مرقد کدام امام ؟

ابر و باران و برف و مه و شبنم

میماند - معلّق - جلوه - شکوفه - جوانه

ابر - سماور که میجوشد بخاری از آن بلند میشود و بهوا میرود این بخار که بابری سیاه و کم رنگ میماند همان آب سماور است که بحرارت آتش گرم شده و بدین شکل در آمده است اگر آب سماور را مدتی بجوشانند تمامش بخار و سماور خالی و خشك میشود .

حرارت خورشید هم آبرا بخار میکند ظرف آبی را درجایی که آفتاب میتابد بگذارید و ببینید پس از چندی آب آن تمام و ظرف خشك میشود آب حوض خانه هاو دریاچه هاو دریاها هم هر روز مقداری بتابش آفتاب و گرمی هوا بخار میشود بخاری که از این آبها برمیخیزد همچنان بهوا میرود تا بجایی میرسد که هوا سرد است و در آنجا دوباره بدل بذرات آب میشود و ذرات آب بسبب سبکی درهوا معلّق میماند و گردش میکند و ما که از پایین نگاه میکنیم آنرا

بشکل ابر می بینیم .

باران و برف ـ بشقاب سردی را جلوی بخار سماور بگیرید و ببینید که بخار چون بآن میرسد بشکل قطره های بسیار کوچك آب در می‌آید از این تجربه می‌فهمید که بخار آب اگر سرد شود بشکل آب بر میگردد .

باران و برف هم بهمین ترتیب بوجود میآید بدینگونه که باد ابرها را حرکت میدهد و باین سمت و آن سمت میبرد و گاهی آنها را بهوای خیلی سرد میرساند در این وقت ابر که همان ذرات آب است بدل بقطره‌های درشت میشود وچون وزنش سنگین میشود بشکل باران بزمین میآید و اگر سردی هوا خیلی شدید باشد قطره های درشت آن یخ می بندد و بصورت برف یا تگرگ برزمین میبارد .

مه ـ ابر بارانی اغلب در بالای هوا قرار می گیرد و گاهی تا ده هزار متر بالا میرود اما گاهی هم ابر در سطح زمین میماند و بالا نمیرود در این صورت آنرا مه مینامیم .

شبنم ـ در فصل بهار گاهی هوای شب خنك میشود

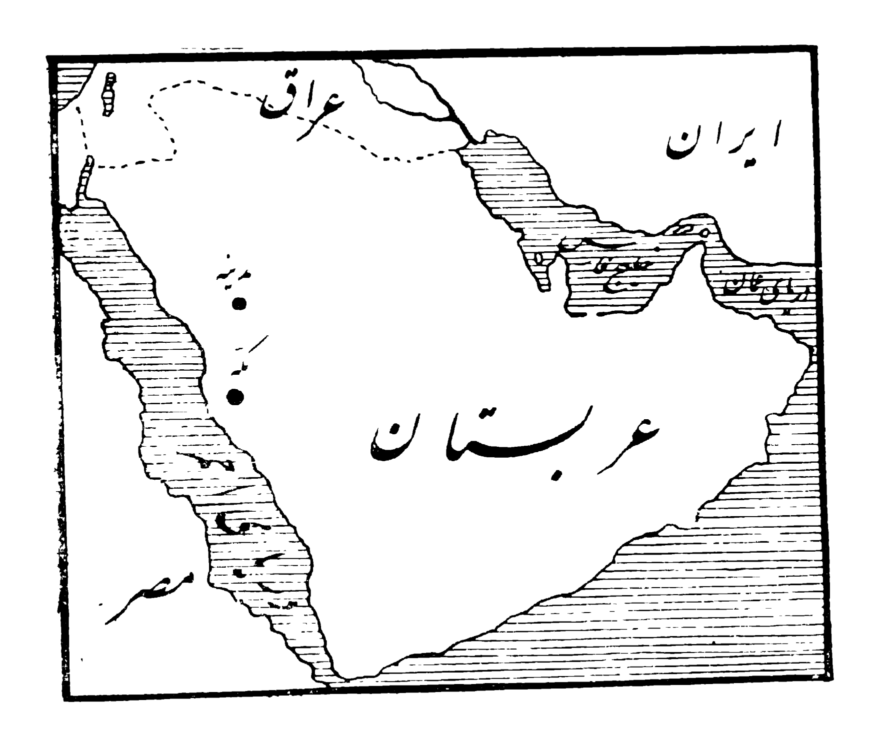
در اینگونه شبها بخار آبی که در هوا است بسبب سرما بدل بذرات آب میشود و بزمین می نشیند و در روی گلها و علفها و برگهای درختان جلوه و درخشندگی مخصوص دارد این ذرات آبرا که وقت صبح بخوبی دیده میشود شبنم مینامند شبنم پس از طلوع آفتاب رفته رفته بخار میشود و اثری از آن نمیماند شبنم اگر هوا خیلی سرد باشد یخ می‌بندد و بغنچه و شکوفه و جوانهٔ گیاهها آسیب میرساند

۱ - **پرسش** - اگرآب را گرم کنید بچه تبدیل میشود ؟ - بخارآب درچه صورت بشکل آب درمیآید ؟ - آیا میتوان بخارآب را دید ؟ - ابر ازچه بوجود می‌آید ؟ - ابر درکجا درست میشود ؟ - ابر چگونه باران می شود ؟ - در چه حالت بصورت برف وتگرگ درمی‌آید ؟ - مه چه چیزاست وچگونه پیدا میشود ؟
در این درس کلمهٔ « مینامند » چند دفعه استعمال شده در هر جا چه معنی دارد ؟

۲ - تجربه ومشاهده :
(۱) تجربهٔ (بشقاب سرد درجلو بخارآب جوش) را درکلاس و یا درخانه تکرار کنید .
(۲) آب سنگین تر است یا بخارآب ؟ - ازکجا میفهمید ؟

۳ - تکلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید

درفصل بهار گاهی هوای شب خنک میشود در اینگونه شبها بخار آبی که درهوا است بسبب سرما بدل بذرات آب میشود و برزمین و گلها و علفها می نشیند این ذرات آب را که وقت صبح بخوبی دیده میشود شبنم مینامند



عربستان

ظهور ـ رحلت ـ جهان ـ مقدّس ـ کتاب آسمانی

عربستان شبه جزیره یی است در باختر آسیا و بیشترش بیابان بی‌آب وعلف و صحرا های خشك وسوزان است در صحراها آب کمیاب است وهرجا چاه‌آبی یافته شود گروهی از اعراب در اطراف آن مسکن میکنند و تا آب در چاه باقی

باشد درآنجا میمانند .

دو شهر بزرگ عربستان مکّه و مدینه است مکّه محل تولد و ظهور پیغمبر مسلمانان حضرت محمد (ص) و مدینه محل رحلت ایشان است مکه و مدینه دو شهر مقدّس اسلامی و زیارتگاه عموم مسلمانان جهان است و بر هر مسلمان واجب است که یکبار در عمر خود (بشرط توانایی مسافرت) بزیارت مکه برود .

در عربستان خرما و قهوه و جو و ذرّت بدست میآید شتر را برای بارکشی و مسافرت نگهداری و تربیت میکنند و از شیر و پشم و پوست آن فایده میبرند .

مردم عربستان بزبان عربی سخن میگویند و قرآن کتاب مقدّس و آسمانی مسلمانان بزبان عربی است .

پرسش - عربستان درکدام طرف آسیا قرار دارد ؟ - کدام شهرمقدس درعربستان واقع شده است ؟ - بچه جهت مکه و مدینه دو شهر مقدس اسلامی محسوب میشود ؟ - زیارت کدام شهر بر هرمسلمان واجب است ؟ - از عربستان چه نوع محصول بدست میآید ؟ - مردم عربستان از شتر چه فایده میبرند ؟ - بچه زبان سخن میگویند ؟ - کتاب مقدس و آسمانی مسلمانان نامش چیست و بچه زبان است ؟

ظهور اسلام ــ حضرت محمد (ص)

متولد ـ مبعوث (بعثت[۱]) ـ دعوت کرد ـ مهاجرت (هجرت[۲]) ـ ایمان ـ طیّبه[۳] ـ مدفون (دفن)

پیغمبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی‌الله علیه و آله در مکه از شهر های عربستان متوّلد گردید و در چهل سالگی بپیغمبری مبعوث شد ومدت سیزده سال مردم را بخدای یگانه دعوت کرد.

در پایان سیزدهمین سال بعثت بواسطهٔ آزاری که بعضی ازمردم بحضرتش روامیداشتند از مکه بمدینه مهاجرت فرمود درآنجا بیشترمردم بآن حضرت ایمان آوردند.

رسول خدا (ص) در سال یازدهم هجرت یعنی در شصت و سه سالگی رحلت فرمود و در مدینهٔ طیّبه مدفون گردید.

پرسش ـ بنقشهٔ عربستان مراجعه کنید و جای مکه و مدینه را پیدا کنید. پیغمبر اسلام در کجا متولدگردیده است؟ ـ درچه وقت بپیغمبری مبعوث شد؟ ـ چند سال در مکه مردم‌را بخدای یگانه دعوت کرد؟ ـ سبب مهاجرت آن حضرت بمدینه چه بود؟ ـ پیغمبر (ص) چند سال زندگی کرد؟ ـ مدفن آن حضرت کجااست؟

---

(۱) بعثت : برانگیخته شدن ، فرستاده شدن.

(۲) هجرت : سفر کردن ، دور شدن.

(۳) طیّب و طیبه : پاك و پاکیزه.

خود را از سرما حفظ کنید

منوچهر و پروین هیچوقت باران و برف و سرما را بهانهٔ نرفتن بدبستان قرار نمی دادند و وقتی که برف و باران می بارید برای اینکه لباسشان خیس نشود پالتو بارانی خود را می‌پوشیدند و گاهی هم باچتر بدبستان می رفتند در فصل پاییز و زمستان هم مراقب خود بودند که سرما نخورند . و وقت رفتن بدبستان لباس پشمی خود را می پوشیدند لیکن یك روز بسبب اندك غفلتی سرمای سختی خوردند و چند روز ناخوش شدند.

در آخر های پاییز یك روز هوا آفتابی لیکن سرد بود منوچهر و پروین بخیال اینکه هوا خوب است بی پالتو بمدرسه رفتند در مدرسه سردشان شد بطوری که وقت تفریح از سرما میلرزیدند و بازی هم گرمشان نمی کرد.

بچه های دیگر بآنها گفتند چرا پالتو نپوشیده اید مگر نمی دانستید که هوا سرد است منوچهر گفت در خانه هوا بنظرمان خوب آمد اما وقتی که بیرون آمدیم دیدیم خیلی سرد

است خواستیم بخانه برگردیم و پالتو بپوشیم اما ترسیدیم که دیر شود و سروقت بمدرسه نرسیم وهمین‌طور بی‌پالتو آمدیم بچه‌ها گفتند حتماً سرما خورده اید برای اینکه هم سرفه می‌کنید و هم میلرزید.

ظهر که منوچهر وپروین بخانه رفتند هردو سرما خورده بودند وچند روز برختخواب خوابیدند وازمدرسه باز ماندند همکلاسان آنها ار شنیدن خبر ناخوشی آنها دلتنگ شدند و دسته جمع نامهٔ احوالپرسی بآنها نوشتند.

۱ - پرسش - منوچهر وپروین در وقت برف وباران وسرما چه‌ی کردند؟ - یك روز چه غفلتی کردند؟ - در مدرسه با بچه ها چه گفتگو کردند؟ - نتیجهٔ سرما خوردنشان چه شد و بچه ها چه کردند؟

در موقع باریدن برف یا باران چگونه خودرا حفظ میکنید؟ - از سرما چگونه خودرا محفوظ میدارید؟

۲ - این لغات را چند بار بنویسید و هرکدام را در یك جمله استعمال کنید بهانه - مراقب - غفلت - تصریح - حتما - دسته جمع - دلتنگ (فرق آن با دل‌تنگ؟) احوالپرسی (سرهم نوشته شود)

۳ - تکلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید:

باران وبرف وسرما را بهانهٔ نرفتن بدبستان قرار ندهید

۱۵ آذرماه ۱۳۲۲

نامهٔ شاگردان بمنوچهر و پروین

دوستان عزیز

دیروز بعدازظهر که بمدرسه آمدیم و بکلاس رفتیم شما را در کلاس ندیدیم علت را

جستجو کردیم دانستیم که چون دیروز در هوای سرد بی پالتو بمدرسه آمده بودید ناخوش

شده اید امیدواریم بزودی بهتر شوید و بمدرسه بیایید اما بعد از این ملتفت باشید

که در هوای سرد بی لباس گرم از خانه بیرون نیایید دیروز هم اگر بخانه برگشته و

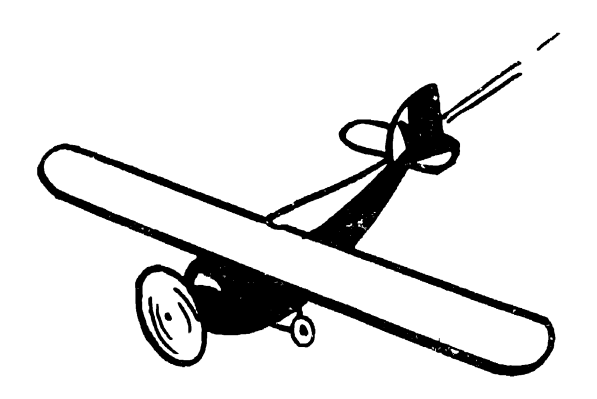
پالتو پوشیده و چند دقیقه دیرتر بمدرسه رسیده بودید بهتر از این بود که سرما بخورید

و چند روز از درس باز مانید

دوستان و همکلاسان شما

پرسش - تاریخ این نامه کجا نوشته شده است ؟ - درابتدای نامه منوچهر وپروین را همکلاسان بچه عنوان خطاب کرده اند ؟ - چرا نامه را مختصروکوتاه نوشته اند ؟ - نامه یی که بمریض می نویسند کوتاه باشد بهتراست یا دراز ؟ - چرا ؟ - درآخرنامه خود را بچه عنوان یادکرده اند ؟ - چرا « دوستان وهمکلاسان شما » نوشته اند و دوست و همکلاس شما ننوشته اند ؟ - آیا خوب کاری کرده اند که بهمکلاسان بیمارخود نامهٔ احوالپرسی نوشته اند ؟ - چرا ؟ - آیا هیچوقت بهمکلاس خود که ناخوش شده است نامهٔ احوالپرسی نوشته اید ؟ - آیا نوشتن تاریخ در بالای نامه لازم است یا نه ؟- چرا ؟ - ازروی نامهٔ بالا بنویسید ؟ - نوشتن تاریخ را فراموش نکنید

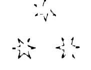
نقاشی - از روی این شکل بکشید



حرارت سنج

نصب - مخزن - ضعف - معتدل - موافق

پس از دو روز که منوچهر و پروین در رختخواب خوابیده بودند و حالشان قدری بهتر شده بود مادرشان باطاق آنها رفت و گفت : اطفال عزیزم دیدید که بسبب اندك غفلتی سرمای سختی خوردید و وناخوش شدید اما من کاری بشما یاد میدهم که هر روز پیش از بیرون رفتن از خانه سردی و گرمی هوا را بشناسید امروز یك حرارت سنج برای شما خریده ام آنرا در حیاط روی دیوار بیآویزید و هرروز صبح پیش از بیرون رفتن از منزل بآن نگاه کنید از روی آن ملتفت خواهید شد که هوا سرد است یا گرم و چه لباسی باید پوشید .



حرارت سنج برای تعیین گرمی وسردی هوا است .

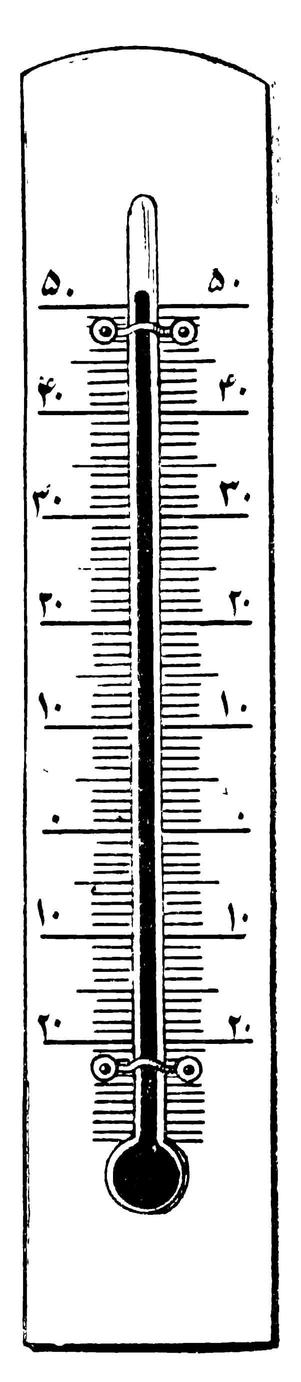
حرارت سنج (شکل صفحه ۱۱۱) چنانکه می بینید

بدرجه‌هاقسمت شده و عدد درجه ها پهلوی آنها رسم شده‌است
این علامت (°) که‌بحلقهٔ بسیار کوچکی میماند نشان درجه است
و آنرا همیشه بالای عدد در طرف راست رسم می کنند مثلا
شصت و هشت درجه را بدینگونه (°٦٨) و سی و دو درجه را
بدینگونه (°٣٢) می نویسند و این رقم (°٠) صفر درجه یا
درجهٔ صفر حوانده می شود .

در ته لواهٔ حرارت سنج مخزن کوچکی است که مایعی
درخشنده و براق در آن حای داده اند این مایع درخشنده
جیوه است که بتأثیر سردی و گرمی هوا پایین و بالا میرود
و برابر هر درحه که بایستد همان درجهٔ حرارت هوا است در
زمستان موقع یخ بندان حیوه دربرابر صفر می‌ایستد و هرقدر
سرما سخت‌تر شود جیوه از درجهٔ صفر پایین‌تر میرود .

بعد از زمستان که هوا رو بگرمی میگذارد جیوه هم
بنای بالا رفتن میگذارد و هرچه هوا گرمترشود بالاتر میرود.

حرارت سنج



هوا خیلی گرم است در آفتاب کمتر بروید.

هوا گرم است: لباسهای نازك و خنك بپوشید.

هوا معتدل است: درجه گرمای اطاق و کلاس باید در حدود ۱۸ تا ۲۰ درجه باشد.

هوا خنك است: لباسی که نسبتهً گرم باشد بپوشید.

آب یخ می بندد. لباس گرم بپوشید کلاه برسر گذارید دستکش و مچ پیچ داشته باشید.

هوا خیلی سرد است. مراقب بینی و گوشهای خود باشید گرمترین لباسهایی را که دارید بپوشید.

در زمین نقاطی یافته می شود که هوایش همیشه گرم و تابستان است در این نقاط جیوهٔ حرارت سنج همیشه در درجات بالا قرار دارد مردمان اینگونه نقاط اغلب بی لباس بسر میبرند و بعضی هم لباس بسیار نازك پنبه یی یا کتانی می پوشند.

نقاطی هم در زمین یافته می شود که هوای آن بسیار سرد و همیشه زمستان است مردمان این نقاط در تمام سال جامه های پشمی کلفت و پوست جانوران می پوشند.

پزشکان از روی حرارت سنج حال بیمار را معین می کنند حرارت سنج را در دهان بیمار می گذارند و پس از چند دقیقه بیرون می‌آورند و جیوه را نگاه می کنند که برابر کدام درجه است اگر بالاتر از ۳۷° باشد[۱] ملتفت می‌شوند که بیمار تب دارد و اگر پایین‌تر از آن باشد دلیل ضعف بیمار است.

گرماسنج برای ما دو فایده دارد یکی اینکه از روی آن هوای اطاق نشیمن خودرا معلوم میداریم که آیا معتدل وموافق

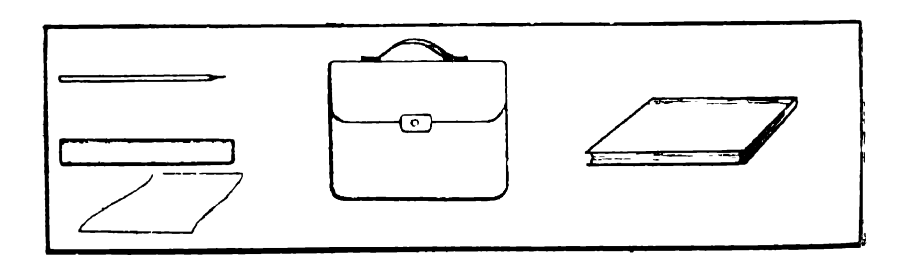
---

(۱) حرارت بدن شخص سالم همیشه ۳۷ درجه است.

مزاج ما هست یا نه دیگر اینکه فصلهای سال و موقع تغییر لباس را از روی آن ملتفت می شویم و هر وقت آمدن سرما را نشان دهد بفکر تهیهٔ لباس زمستانی می افتیم .

پرسش - علامت درجه کدامست؟ - در چه موقع جیوهٔ حرارت‌سنج درمقابل صفر است ؟ - در موقعی که هوا خیلی گرم است چه نوع لباس میپوشند ؟ - درموقعی که هوا خیلی سرد است چه نوع ؟ - آیا بعضی روزهای زمستان لباس خود را کم می‌کنید ؟ - چرا ؟ - حرارت سنجی‌را که در اطاق دبستان آویخته است اغلب نگاه کنیدو بگوئید چرا بیشتر اوقات جیوه دریك نقطه ایستاده است ؟ - کسی که حرارت بدنش ۳۸° باشد چه حال دارد ؟ - اگر ۳۶° باشد چه طور ؟

نقاشی - از روی این شکلها را ساده بکشید :



معاینه و معالجهٔ پزشک

ابتلا ـ حسادت میورزید ـ کمال مواظبت ـ پوزخند

هوشنگ بسبب سرما خوردگی و ابتلای بزکام درمنزل، مانده بود تا استراحت کند برادرش پرویز از این پیش آمد غمگین و دلگیر بود لیکن کمی هم در ته دل نسبت باو حسادت میورزید زیرا پدر ومادر را می دید که از او کمال مواظبت را بجا میاورند برایش جوشاندهٔ شیرین و آشهای لذیذ و خوراکهای گرم تهیه میکنند از همه بالاتر اجازهٔ مدرسه رفتن باو نمیدهند بلکه او را در رختخواب نرم و گرم خوابانده هرساعت بنوعی نوازش میکنند .

پرویز که این وضع را می دید دلش میخواست که او هم ناخوش بشود یك روز صبح موقعی که مادرش او را ازخواب بیدارمیکرد با آه وناله گفت آخ پهلویم ! آخ پهلویم ! سرم هم درد میکند یقین است که من هم زکام شده ام .

مادر که از ناخوشی هوشنگ خلاص نشده بود از بیماری

پرویز بی نهایت مضطرب و نگران شد و فوراً کسی را پی پزشک فرستاد نیم ساعت بعد پزشک آمد و یکراست باطاق پرویز رفت اول نبض او را گرفت زبانش را دید بعد او را نشانید و گوشش را روی سینه و شانه ها و پشت او گذارد و گوش داد بعد باو دستور داد که آهسته نفس بکشد و بلند سرفه بکند پس از این امتحانها اجازه داد که دوباره بخوابد آنگاه روی بمادرش نمود و گفت :

« پسر شما ببیماری تنبلی و دروغ مبتلا شده و لازم است بشدت معالجه شود امروز باو هیچ غذا ندهید فقط چند فنجان جوشاندهٔ بی شیرینی باو بخورانید فردا صبح هم چند مثقال مسهل باو بدهید پس فردا هم بدون هیچ نگرانی او را بدبستان بفرستید »

بعد درموقع رفتن رو بپرویز کرد و با پوزخند مخصوص گفت :

« بچهٔ من دل داشته باش ، نترس بیماری تو چندان سخت نیست یقین داشته باش که از این مرض نخواهی‌مرد » .

۱- **پرسش** - هوشنگ چرا درمنزل مانده بود ؟ - ازاو چگونه مواظبت میکردند ؟ - پرویز چرا نسبت باو حسادت میورزید ؟ - پرویز چرا میل داشت ناخوش بشود ؟ - پزشك درمعاینهٔ او چه‌کارکرد ؟ - بعد چه دستور داد ؟ - بخود او چه گفت ؟ - درموقع رفتن چرا پوزخند زد ؟

۲- نام بیماریهایی را که میدانید بگویید ؟ - زکام چه مرضی است ؟ - داروهایی را که می‌شناسید نام ببرید

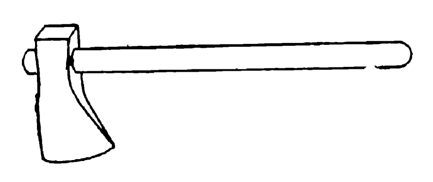
۳- این لغات وجملات را معنی کنید :

استراحت - مسهل - نگرانی - پرویز از این پیش آمد غمگین بود - لازم است بشدت معالجه شود - دل داشته باش .

۴ - **تکلیف** - از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

مادر از بیماری پرویز بی نهایت مضطرب و نگران شد

نقاشی - از روی این شکل بکشید .



۲۰ آذر ماه ۱۳۲۲

نامهٔ پروین و منوچهر بهمکلاسان خود

همکلاسان عزیز

نامهٔ محبّت آمیز شما رسید و از اینکه در این موقع ناخوشی از ما یاد کرده اید بیش از اندازه ممنون شدیم البتّه همچنان که سفارش کرده اید از این پس همیشه مراقبت خواهیم کرد که در لباس پوشیدن و محافظت خود بیشتر دقّت کنیم

خوشبختانه حال پروین و من هر دو امروز رو بهبود است و امیدوارم تا دو روز دیگر در دبستان دوستان عزیز خود را ببینیم

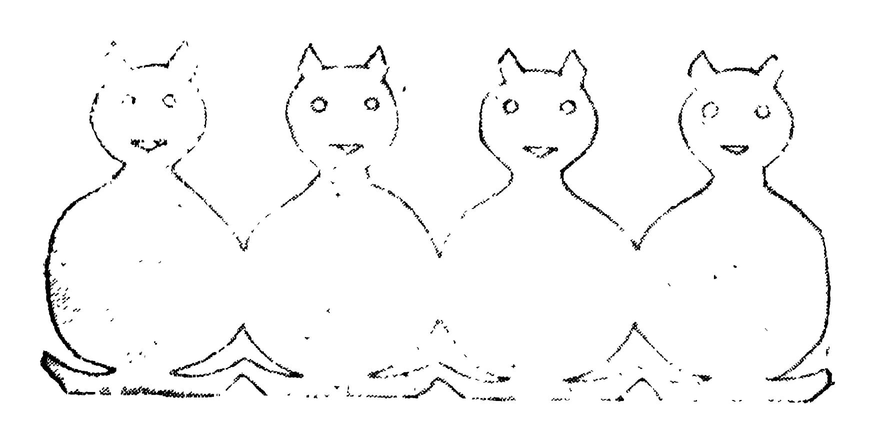
دوستان شما

پروین و منوچهر

۱ - پرسش - تاریخ نامهٔ همکلاسان منوچهر و پروین چیست ؟ - تاریخ جواب نامه چیست ؟ - چند روز فاصله دارد ؟ - چرا پروین و منوچهر کمی دیر جواب داده‌اند ؟ - اگر ناخوش نبودند زودتر جواب میدادند ؟ - چرا جواب نامه را زود باید بدهیم ؟ - تاریخ نامه را کجا نوشته اند ؟ - نامه را چگونه شروع کرده اند ؟ - عبارت آخر نامه چیست ؟ - امضای خودرا کجا نوشته اند ؟

۴ ـ تکلیف ـ یك دفعه ازروی این نامه بنویسید و خوب دقت کنید که تاریخ و عنوان و عبارت آخر نامه فراموش نشود . بجای اسم پروین و منوچهر اسم خودتان را بنویسید .

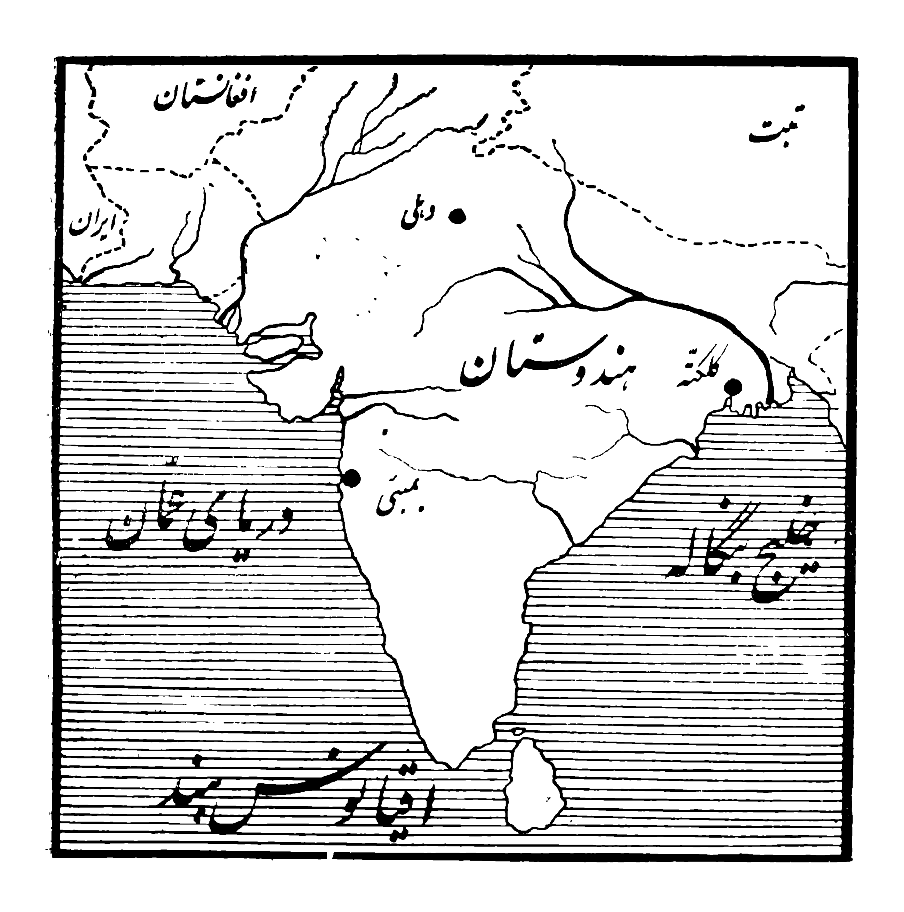
کار دستی :



۱ ـ یك صفحه کاغذ را چهارتا کنید .

۲ ـ در روی تای اول شکل گربه را با مداد کمرنگ بکشید

۳ ـ اطراف شکل را ببرید و باز کنید .



هندوستان

هندوستان در جنوب آسیا واقعست این کشور

رود های پرآب و زمینهای حاصلخیز و جنگلهای وسیع دارد

هوای هندوستان گرم است و باران فراوان در آنجا میبارد

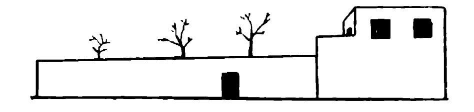
هندوستان دارای سیصد میلیون سکنه و مشتمل بر شهرهای بزرگ و پر جمعیت از قبیل کلکته و بمبئی و دهلی است.

مهمترین محصول هندوستان برنج و گندم و پنبه و ادویه و نیشکر وچای است .

سلطان محمود غزنوی و نادر شاه افشار از پادشاهان ایران هندوستان را فتح کردند هندوستان اکنون در دست دولت انگلیس است و بیشتر محصول این کشور را انگلیسها میخرند .

پرسش - هندوستان در کدام سمت آسیا واقع است ؟ - در کنار کدام اقیانوس قرار گرفته است ؟ - هوای هندوستان چگونه است ؟ - شهرهای بزرگ هندوستان کدام است ؟ - هندوستان در دست کدام دولت است ؟ - مهمترین محصول هندوستان چیست ؟

نقاشی : از روی این شکل بکشید و رنگ‌آمیزی کنید



خلفا

خلیفه[۱] ـ خلافت ـ شوریدن ـ مقرّ ـ قریب

بعد از رحلت پیغمبر (ص) ابوبکر خلیفه و جانشین آن حضرت شد ابوبکر دو سال و چند ماه خلافت کرد و در زمان او جنگ عربها با ایرانیان و رومیان شروع شد برخی از طوایف عرب پس از رحلت پیغمبر (ص) از اسلام بر گشتند و کار مهم ابوبکر سر کوبی این طوایف و بر گرداندن آنها باسلام بود .

پس از ابوبکر عمربن خطاب خلافت یافت و در زمان او عربها ایران و شام و مصر را متصرف شدند عمر پس از ده‌سال خلافت بدست فیروز نامی از اسیران ایرانی کشته شد .

بعد از عمر عثمان خلیفه شد و چون دوازده سال از خلافتش گذشت گروهی از مسلمانان بر او شوریدند و اورا بقتل رسانیدند

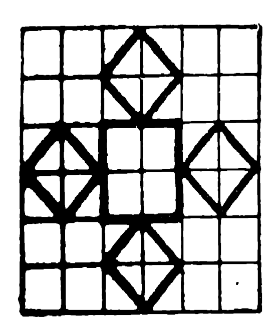
---

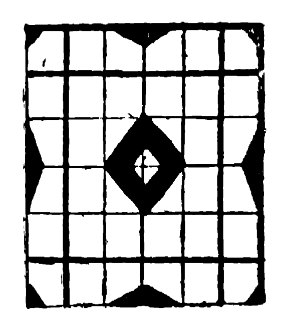
(۱) خلیفه : جانشین .

مقرّ خلافت ابوبکر و عمر و عثمان مدینهٔ طیّبه و مدت خلافتشان قریب بیست و پنج سال بوده است.

پرسش - بعد از رحلت پیغمبر (ص) که خلیفه شد؟ - ابوبکر چه مدت خلافت کرد و کار مهم او چه بوده‌است؟ - در زمان وی چه امر مهمی واقع شد؟ - بعد از ابوبکر خلافت بکه رسید؟ - در زمان عمر چه امر مهمی واقع شد؟ - در روی نقشه‌جغرافیاایران وشام ومصر را پیدا کنید. - عمر بدست که کشته شد؟ - بعد از عمر که خلیفه شد؟ - عثمان چگونه کشته شد؟ - مقر خلافت ابوبکر و عمر و عثمان کجا بود؟ - و مدت خلافتشان چند سال بوده است؟

رسم - مطابق این شکلها روی کاغذ شطرنجی بکشید





جامه

اسباب کار : نمونهٔ پارچه های نخی و پشمی و ابریشمی و کتانی و یك قطعه کرباس

انسان لباس را برای حفظ بدن از تأثیر هوا و گرما و سرما میپوشد .

۱ - **جامهٔ زیر و جامهٔ رو.** جامه یی را که بپوست بدن می‌چسبد از قبیل پیراهن و زیر پیراهن و زیرشلواری جامهٔ زیر و سایر جامه ها را از قبیل کت و شلوار و جلیقه و پالتو جامهٔ روی مینامند

جامهٔ زیرین چون عرق بدنرا میگیرد زود چرکین و بدبو میشود و آنرا باید زود بزود عوض کرد برخلاف جامه های رو که زود عوض کردن آنها لزوم ندارد و کافی است که آنها را پاك و پاکیزه دارند وهر روز گرد گیری کنند بیشتر مردم جامه های رو را هنگام تغییر هوا

عوض می کنند و در هر فصل سال لباسی درخور آن فصل می پوشند .

۲ — **لباس زمستانی** - در زمستان برای محفوظ ماندن از سرما جوراب پشمی و کت و شلوار کلفت و پالتوی پشمی می پوشیم و برخی که از سرما ترس بسیار دارند در زیر کت وشلوار پیراهن وزیر شلوار پشمی یا کرکی می پوشند و بعضی در بیرون آمدن ازمنزل شال گردن می بندند این قبیل اشخاص زود سرما می خورند و بهتر این است که لباس بسیار نپوشیم و خود را قدری بسرما عادت دهیم .

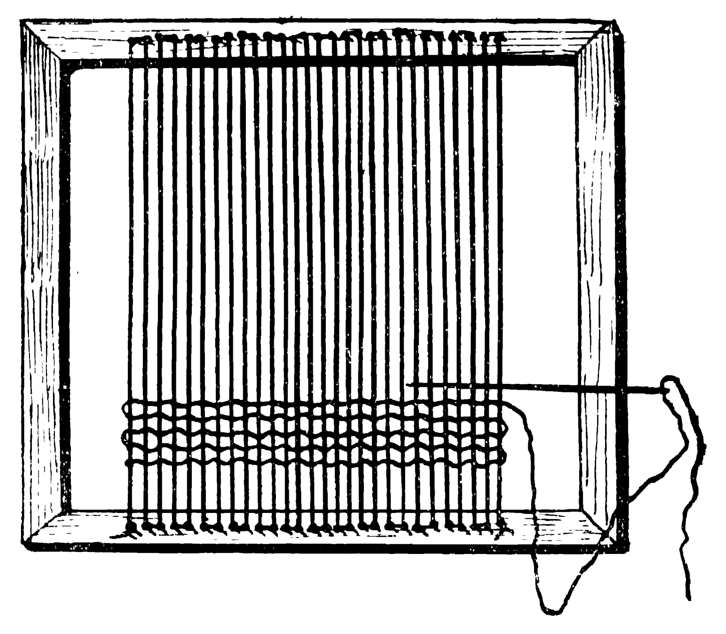
۳ — **لباس تابستانی** - مناسب فصل تابستان لباسهای سبك و نازك است دراین فصل بجای جوراب پشمی جوراب نخی که از پنبه است می پوشیم پالتو و پیراهن پشمی را کنار می گذاریم و کت و شلوار را از پارچه نازك پنبه یی یا کتانی انتخاب میکنیم .

پارچه - پارچه را ازپشم و پنبه و کتان و ابریشم میبافند اگر میخواهید طرز بافتن پارچه را بدانید یك تکه کرباس را بدقت ملاحظه کنید خواهید دید که از نخهای

بسیار که زیر و روی هم قرار گرفته اند درست شده است .

پارچه های دیگرهم مانند همین تکه کرباس بافته میشود و تفاوتش اینست که نخهای آنها باریکتر و بهم نزدیکتر است .

پارچه بافتن - بافتن پارچه کاری آسان است و ما هم میتوانیم ببافیم برای این کار چهار چوبی را می گیریم ودر دو طرف مقابل آن میخهای کوچك برابر هم فرو میبریم ومیان آنها نخ می کشیم و این نخها تارنامیده میشود بعد سوزنی را



نخ می کشیم و آنرا از لا بلای نخهای اول بیرون می کنیم

بطوریکه نخ یک‌مرتبه از زیر و یک‌مرتبه از روی تارها بگذرد و این نخ را پود مینامند پود کشیدن در میان تار ها را مکرر می کنیم تا ببالای چهارچوب برسد و در این وقت پارچه تمام است استادان پارچه باف هم پارچه‌های خودرا بهمین ترتیب میبافند جزاینکه دستگاه بافندگی آنها کاملتر و کارش آسانتر و تند تر است .

۱ ــ **پرسش** ـ فایدهٔ لباس چیست ؟ ـ چرا باید لباسهای زیر را زود بزود عوض کرد ؟ ـ فرق لباس زمستانی و لباس تابستانی چیست ؟ ـ چرا کسانی که در زمستان لباس بسیار میپوشند زود سرما میخورند ؟ ـ پارچه را چه طور میبافند ؟ ـ در پارچه تار کدامست و پود کدام ؟

لباس روی شما اسمش چیست ـ ؟ وچه رنگ است ؟ ـ چرا این رنگ را انتخاب کرده اید ؟ ـ در زیر آن چه پوشیده اید و از چه پارچه است ؟ ـ از لباسهای زیر چه در بر دارید ؟ ـ و هر کدام از چه پارچه است ؟

۲ ـ لباس روی خود را بدقت ملاحظه کنید و قسمتهای مختلف آنرا نام ببرید (دامن ـ آستین .) .

۳ـ انشا ـ بچه یی را تصور کنید که از لباس خود همیشه و در همه‌جا (در خانه ودر دبستان و در کوچه ووقت‌خواب) مواظبت میکند و قصهٔ او را بنویسید .

۲ ــ **گردش علمی** ـ ملاحظه و بازدید کارخانه های پارچه بافی محل

۳ ــ **کاردستی** ـ پارچه بافی برطبق دستوری که دردرس داده‌شده‌است .

مواد بافتنی

اسباب کار : نخ ابریشم - نخ پشم - نخ پنبه - نخ کتان - نخ شاهدانه - دوك نخ ریسی - پنبه - غوزه پنبه - پنبه دانه - پارچهٔ ابریشمی - پارچهٔ کتانی - گونی - چلوار - کرباس .

نخ — نخی را با انگشت باز می کنیم و می بینیم که از رشته های باریک تشکیل یافته است این رشته های باریک را اگر بهم بتابیم دو باره نخ می‌شود ده نشینان نخ را با دوك میریسند .



نخ از رشتهٔ باریك بعضی گیاهها هم ساخته می شود مشهور ترین این گیاهها کتان و شاهدانه و پنبه است .

کتان و شاهدانه ـ



ساق شاهدانه

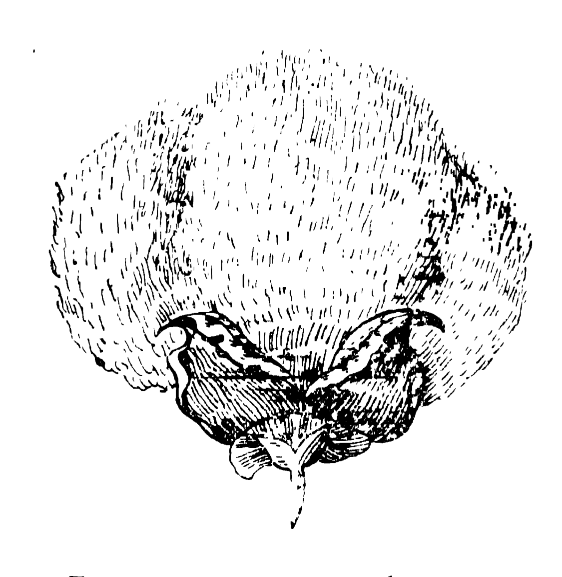
کتان یا بزرك در شمال ایران و شاهدانه در همه جای ایران کاشته می شود ساق کتان تا یك متر و نیم و ساق شاهدانه تا یك متر بلند می شود.

ساقهای کتان و شاهدانه را پس از چیدن چند روزی در آب میگدارند تا پوست روی آن بپوسد بعد پوستهای پوسیده را ار رشته هایی که در درون آن است جدا می کنند و رشته ها را می تابند تا نخ شود از نخ کتان پارچه های کتانی و از نخ شاهدانه گونی و مانند آن می بافند.



ساق کتان

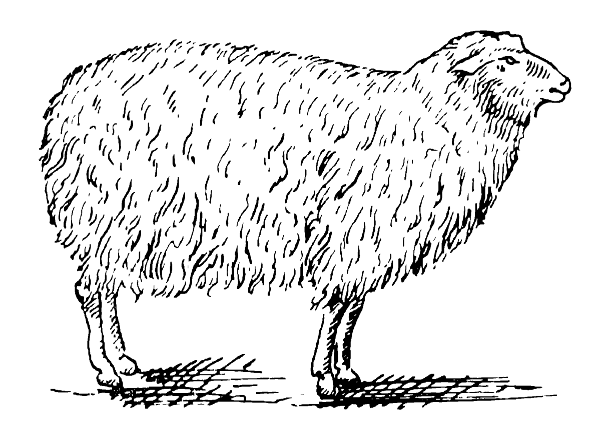
پنبه ـ پنبه هم دارای رشته های نازك و باریك است



این رشته ها را با هم
می تابند ونخ پنبه یی
بدست می آورند
پنبه درهمه جای ایران
بخصوص در زمینهای
گرم و نمناك بعمل
می آید میوهٔ پنبه
تا نرسیده است شبیه بانجیر و ببزرگی تخم مرغ است و آنرا
غوزه مینامند غوزه وقتی که رسید از چند طرف میشکافد
و رشته های سفید پنبه که گرد چند پنبه دانه پیچیده است
نمایان می شود.

از پنبه پارچه های گوناگون مانند کرباس و چلوار و
ململ و انواع چیت و پارچه های لباسی میبافند.

٤ — **پشم** — بیشتر پارچه های پشمی از پشم گوسفند
است پشم گوسفند از رشته های بسیار باریك درهم و برهم
تشکیل یافته است پشم گوسفند را نخست میشویند تا چربی



آن برطرف شود و بعد از آن شانه میزنند تا رشته هایش از هم باز شود سپس رشته ها را بهم می تابند و نخ پشمی بدست می آورند از نخ پشمی انواع پارچه های پشمین از قبیل ماهوت و فاستونی و پتو بافته می شود.

۵ — **ابریشم** -- ابریشم از کرم ابریشم بدست میآید نخ ابریشم نازك و براق است و از آن پارچه های لطیف و قشنگ بافته می شود.

۱- پرسش - نخ را از چه و چگونه میتابند؟ - ماده بافتنی یعنی چه؟ - شاهدانه را در کجا میکارند؟ - کتان در کجا بعمل میآید؟ - پنبه در کجا کاشته میشود؟ - رشته های کتان در کجای ساق کتان است؟ - رشته های شاهدانه در کجا؟ -

رشته های پنبه در کجا ؟ـ آیا پشم ناشسته برای رشتن خوبست ؟ـ چند پارچه پشمی اسم ببرید ؟ـ چند پارچه پنبه یی ؟ ـ چند پارچهٔ ابریشمی ؟

۲ـ لغات ـ رشتن ـ ریسیدن ـ نخریسی ـ ریسندگی ـ رشته را معنی کنید و هر کدام را در یك جمله استعمال کنید

۳ـ گردش علمی ـ ملاحظه و تماشای کارخانه های نخریسی (درصورت موجود بودن در محل)

۴ ـ انشا ـ طرز نخریسی با دوك را بنویسید

۵ ـ طرز شناختن پشم و پنبه :

الف ـ نخ پنبه یی را اگر از میان دو انگشت بیرون بکشید بآسانی و بی عیب خارج می شود اما نخ پشمی رشش رشش میشود و بیرون می آید

ب ـ پارچه پنبه یی زبر و پارچه پشمی نرم است

ج ـ فرقهای دیگر آنها را (اگر دارند) خودتان پیدا کنید .

رسم ـ از روی چهارچوب کارگاه پارچه‌بافی(صفحه ۱۲۵) با ستاره بکشید.

نقاشی ـ شکل سادهٔ گوسفند و بز را بکشید .

گرم کردن اطاق

هیزم ـ زغال ـ زغال‌سنگ

در زمستان مردم می‌کوشند که اطاقشان خوب گرم باشد واز آسیب سرما در امان باشند .

فصل زمستان موقعی‌که در اطاق گرم هستیم نباید پالتو یا لباس بسیار گرم پوشیده باشیم زیرا بدن ما خیلی گرم میشود وممکن است در بیرون رفتن ازاطاق سرما بخوریم در زمستان برای محفوظ ماندن از سرما در اطاقهای خود بخاری یا کرسی می‌گذاریم بخاری را بیشتر مردم با زغال سنگ یا چوب گرم می‌کنند بعضی‌هم بخاری نفتی دارند و نفت می سوزانند کرسی را با زغال یا خاکه زغال گرم می کنند .

☆ ☆
☆

چیزهایی که برای سوختن بخاری بکار میبریم بزحمت بسیار بدست می‌آید :

۱ — **هیزم** - برای تهیهٔ هیزم باید کارگران مدتها مشغول بریدن و شکستن و خرد کردن درخت باشند پس ازآن هیزم را بوسیله جارپایان و یا ارابه و اتومبیل بارکش بشهر حمل کنند.

۲ — **زغال چوب** - زغال را از چوب درختان



میسازند بدینگونه که گودالی میکنند و کنده های هیزم و شاخهای درخت را درآن میچینند و روی آن را باخاشاك میپوشانند ودر بالا و پایین گودال دو روزنه قرارمیدهند تاهوا بمقدار کم داخل آن بشود آنگاه مقداری زغال افروخته از

روزنهٔ بالا درگودال میریزند هوا از روزنهٔ پایین داخل و از روزنهٔ بالا خارج میشود و آتش رفته رفته بهمه شاخه ها میرسد و چون هوا برای تمام سوختن کافی نیست چوبها دود می کند تا نیم سوز و زغال شود پس از آنکه دود تمام شد روزنه ها را میبندند و میگذارند تا زغال سرد شود سپس آنرا بیرون میاورند و بمصرف میرسانند .

۳ -- **زغال سنگ** - برای بدست آوردن زغال سنگ عده یی عمله و کارگر صبح تا شام باید کار کنند واز دل کوه و زیر خاك آنرا بیرون بیاورند و بعد با ارابه و اتومبیلهای بارکش بشهرها و کارخانه ها بفرستند .

۱ - پرسش - برای محفوظ بودن ازسرما درزمستان چه میکنند؟ - درفصل زمستان وقتی که با لباس بسیارگرم داخل اطاق گرم میشوید چه خواهید کرد و در وقت بیرون رفتن چه میکنید ؟ - اطاق را در زمستان بچند طریق گرم میکنند ؟ زغال سنگ از کجا بدست میاید ؟ - هیزم از کجا وچگونه ؟

۲ - انشا - (۱) - کارهای یك هیزمشکن را در چند عبارت ساده بنویسید .
(۲) - برای گرم کردن بخاری چه کارها باید کرد ؟

۳ - علم الاشیاء - یك تکه زغال سنگ را با یك تکه زغال چوب مقایسه کنید و بگویید چه فرقها وچه شباهتها با هم دارند ؟

۴ - تکلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید .

در زمستان مردم میکوشند که از آسیب سرما در امان باشند

بنی امیه

شهادت - بیعت(١) - سلسله - خلفا (خلیفه) - خاندان

مسموم

پس ازشهادت علی علیه‌السلام مردم با امام‌حسن (ع) که پسر بزرگ آن حضرت بود بیعت کردند امام‌حسن (ع) برای سرکوبی معاویه بالشکری روی بشام نهاد لیکن لشکریان بنای نا فرمانی گذاردند و ارگرد آن حصرت پراکنده شدند امام حسن ع چون کار را بدینگونه دید بامعاویه صلح کرد و خلافت را باو واگدارد .

پیش از معاویه خلیفه را مردم معین میکردند معاویه این نرتیب را بهم زد و حلافت را بطور ارت درخانوادهٔ خود قرار داد و سلسلهٔ بنی امیه را تأسیس کرد .

خلفای بنی امیه ظالم و بد کردار بودند و با خاندان پیغمبر(ص) دشمنی داشتند ودرحق آنها و پیروانشان ازهیچگونه ستم و آزار خودداری نمینمودند چنانکه معاویه امام حسن (ع)

---

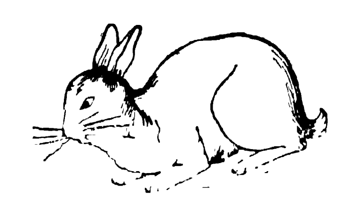
(١) - دست اطاعت و فرمابرداری دادن

را مسموم ساخت و پسرش یزید امام حسین (ع) را شهید کرد
با ایرانیان نیز دشمنی داشتند و پیوسته بآنها آزار میرسانیدند

در زمان بنی امیه کشور اسلامی وسعت بسیار یافت و
مسلمانان در آسیا و اروپا و افریقا شهرها و مملکتهای تازه
فتح کردند .

پرسش - پس از شهادت علی (ع) مردم چه کردند ؟- امام حسن (ع) چرا با معاویه صلح کرد ؟- معاویه در ترتیب خلافت چه تغییری داد ؟- غالب خلفای بنی امیه چگونه بودند ؟- و با کدام خانواده دشمنی داشتند ؟- با ایرانیان چگونه رفتار میکردند ؟

نقاشی - از روی این شکل بکشید



بدن انسان

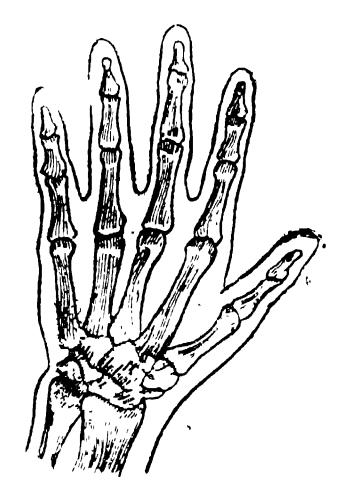
دست و پای

اگر بدن انسان را بدرخت تشبیه کنیم دست و پا ها بمنزلهٔ شاخه های درخت خواهد بود زیرا همان طور که شاخه‌های درخت بتنهٔ درخت چسبیده است دست و پای انسان هم بتنهٔ انسان متصل است .

دست ـ دست بشانه چسبیده واز شانه تا سرانگشتان را دست مینامیم دست دارای سه‌قسمت است وهرقسمت اسمی جداگانه دارد از شانه تا آرنج را بازو و از آرنج تا بند دست را ارش و از بند دست تا سر انگشتان را پنجه مینامند بازو یك استخوان و ارش دو استخوان دارد لیکن پنجه دارای استخوانهای کوچك بسیار است درون پنجه را کف دست و بیرونش راپشت دست میخوانند.

دست

انگشتان دست ـ هر دست دارای پنج انگشت است و هر انگشت نامی خاص دارد مثلا انگشت کوتاه و



کلفت را شست وانگشت پهلوی آنرا انگشت شهادت مینامند انگشتان دست باز وبسته میشود و وقتی که چیزیرا با دست میگیریم شست در یك طرف و باقی انگشتان در طرف دیگر آن چیز قرار میگیرد و اگر این خاصیت نبود نمیتوانستیم چیزی را با دست بگیریم .

پا ـ پا مانند دست از سه قسمت مختلف تشکیل یافته و هرقسمت نامی دارد از بیخ کش تا سر رانو ران‌وار سر رانو تا بند پا را ساق وا زبند پا تا سر انگشتان را پنجهٔ پا مینامیم درون پنجه ها که بزمین میچسبد کف پا و طرف مقابلش پشت پا است استخوانها وماهیچه های پا بزرگتر ازاستخوانها و ماهیچه های دست است .

استخوان ران
زانو
استخوانهای ساق
بند پا
استخوانهای پنجه

پا

انگشتان پا ــ هر پا مانند دست پنج انگشت دارد انگشتان پا باز وبسته نمی‌شود و بدین‌سبب چیزها را با پنجهٔ پا نمیتوانیم بگیریم .

پرسش ـ دستتان را نشان دهید ـ سه قسمت مختلف آنرا هم نشان دهید ـ هر یك از بازو و ارش و پنجه چند استخوان دارد ؟ ـ کار انگشتان دست چیست ؟ سه قسمت مختلف پا کدام است ؟ ـ پا چند انگشت دارد و تفاوتش با انگشتان دست چیست ؟ ـ چرا نمی‌توانیم چیزها را با پا بگیریم ؟ ـ با پنجهٔ دست چه کارها میتوان کرد ؟ ـ پنجهٔ دست را در چه حال مشت می‌گویند ؟ ـ با ناخن دست چه کارها میتوان کرد ؟

دستور خط نویسی

لوازم مشق -- عبارتست از قلم و مرکب خوب که هرقدر بهتر نتیجه زود تر حاصل خواهد شد .

صفات قلم — قلمی سرخ و سفید با سختی متوسط که پیچ نداشته و کج نباشد باید اختیار نمود .

صفات مرکب — برق مرکب باید کم باشد و با جریان و ثابت بوده رطوبت در وی چندان اثر نکند .

تراش قلم -- حد اعتدال میدان قلم آنست که تقریباً بقدر محیط قلم بوده هرگاه کلفتی قلم را با نحی معین کنند میبایست میدان قلم همان اندازه بوده باشد و فاق (شکاف) قلم بهتر آنست که پس از برداشتن گوشت آن روی قطزن بزور انگشت ابهام بار شود و چون باندازهٔ لزوم تراشیده شد آنگاه روی قطزن با تیغهٔ بزرگ قلمتراش قطع شود و شکاف باوسط میدان باید باشد .

دستور خط نویسی

(نقل واقتباس ازرسم المشق مرحوم حسین عماد الکتاب)

لوازم مشق — عبارتست از قلم و مرکب خوب که هرقدر بهتر باشد نتیجه زودتر حاصل خواهد شد .

صفات قلم — برای نوشتن قلمی باید انتخاب نمود که سرخ و سفید و کمی سخت باشد و پیچ هم نداشته باشد .

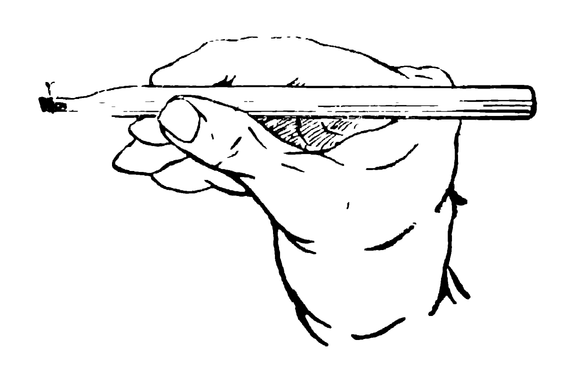
صفات مرکب — مرکب باید کم برق ونسبتهً رقیق و رنگ آن ثابت باشد رطوبت هم دروی چندان اثر نکند .

تراش قلم — حد اعتدال میدان قلم آنست که تقریباً بقدر محیط قلم بوده هرگاه کلفتی قلم را با نخی معین کنند باید میدان قلم همان اندازه بوده باشد .

پس از برداشتن مقداری از گوشت قلم بهتر آنست که فاق قلم روی قطزن بزور انگشت ابهام باز شود وچون باندازهٔ لزوم تراشیده شد آنگاه روی قطزن با تیغهٔ بزرگ قلمتراش قطع شود و شکاف تا وسط میدان قلم امتداد یابد

گرفتن صفحه -- در حین نوشتن باید مواظب بود که وسط صفحهٔ کاغذ مقابل صورت باشد تا کلمات راست باشد و بجای خود بنشیند تجربه شده است هرطفلی که از ابتدا کاغذ را مقابل صورت نگیرد یا گردن را در وقت نوشتن کج نگاهدارد مدّتها دچار رنج و زحمت بوده خود ومعلم علت عدم پیشرفت را نفهمیده اند

طریقهٔ قلم گرفتن -- میبایست انگشت سبّابه را سوار برانگشت ابهام و هر دو را متّکی بانگشت وُسطی نمود بطریقی که در زیر رسم شده است .



--- ---

بدن انسان

استخوانها و ماهیچه ها و بند ها

آغاز ـ ولادت ـ مفصل (فصل) ـ احساس ـ فرود آمدن

اسباب کار : استخوان سر گوسفند و دست گوسفند با ماهیچه ـ استخوان درار با مغز آن ـ دو استخوان که بوسیلهٔ بند بهم متصل باشد .

بدن ما ار استخوانهای بسیار که گوشت رویش را گرفته باشد ترکیب یافته .

۱ ـ **استخوان** ـ استخوان جسمی سخت است که از ماده یی آهکی ساخته شده و بدن بدان برپا است .

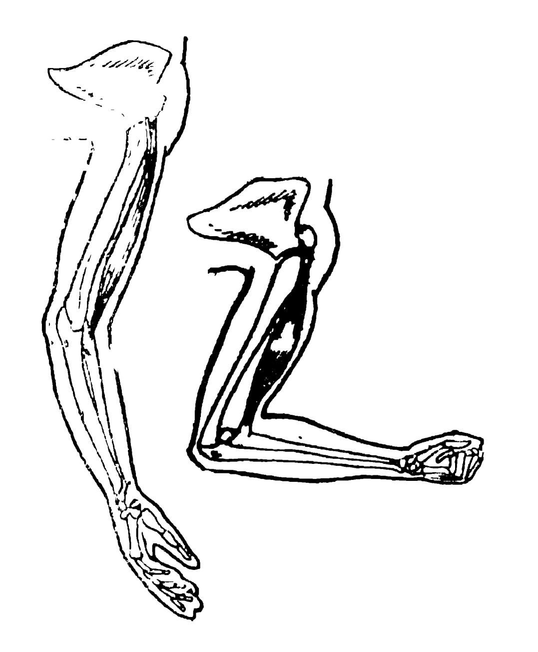
مجموع استخوانهای بدن را **استخوان بندی** مینامند و استخوان بندی نگهدارندهٔ گوشت و پوست و رگ و پیهای بدن است   استخوان انسان در آغاز ولادت بسیار نرم است وهرچه‌انسان‌بزرگتر میشوداستخوانهایش هم سخت‌تر و درشت‌تر میشود تا بیست و پنج سالگی که بآخرین درجهٔ سختی ودرشتی

میرسد و بدین جهت است که استخوان بچه اگر بشکند زودتر از استخوان شخص بزرگ جوش میخورد .

استخوانهای دراز (مانند استخوان بازو و ران) تو خالی و درون آنها مادهٔ سفید رنگ چرب و نرمی است که مغز استخوان نامیده میشود .

۲ ـ **بند** ـ بند یا مفصل محل اتصال دو استخوان است که روی هم تاه میشوند چون بند های انگشتان وسر رانوها

۳ ـ **گوشت** ـ ماهیچه یا گوشت قسمت نرمی است که روی اسنخوانها قرار گرفته مهمترین خاصیت ماهیچه هابهم جمع شدن و ار هم باز شدن است برای مشاهدهٔ این خاصیت بازوی چپ را با



دست راست بگیرید و دست چپ را تا سرشانه بالا ببرید و پایین آورید ماهیچه بازوی چپ را خوب احساس خواهید کرد که دربالا رفتن دست بهم جمع و هنگام فرود آمدنش ازهم بازمیشود

ورزش و حرکت ماهیچه های بدنرا درشت و نیرومند میسازد و ورزشکاران بنیروی ماهیچه های پرزور جسمهای سنگین را بآسانی اززمین بر میدارند و بلند میکنند .

۱- پرسش- استخوان چیست؟ - فایدهٔ آن کدام است ؟- مجموع استخوانهای بدنرا چه مینامند ؟-فایده استخوان بندی چیست ؟- استخوان انسان در آغاز ولادت چه حال دارد وچگونه تغییرمییابد ؟- چرا استخوان شکستهٔ طفل زودتر از استخوان شکستهٔ اشخاص بزرگ خوش میخورد ؟ - چرا هنگام نشستن و راه رفتن باید بدن خود راخوب نگاه دارید ؟

بند یا مفصل کجا است ؟ بندهای بدن خودرا پیدا کنید ؟ - فایدهٔ بند چیست ؟- عملا آنرا نشان بدهید ؟ - ماهیچه چیست ؟ - مهمترین خاصیت ماهیچه کدام است ؟ - برای مشاهدهٔ جمع شدن و باز شدن ماهیچه ها چه تجربه بکار میتوان برد ؟ - ورزش وحرکت در ماهیچه‌های بدن چه تأثیر دارد ؟ - چرا بازوهای آهنگران و اره کشان ماهیچه های درشت دارند ؟ - ماهیچهٔ ساق حمالان و پیاده روان چرا درشت و قوی است ؟ -

۲ . تکلیف - از روی این سرمشق چندبار بنویسید

هر روز مرتب درهوای آزاد ورزش کنید

بنی عبّاس

دسترنج - روگردان - حمایت - بنی هاشم (۱) -
مقهور (۲) - مساعدت

بنی امیه بمردم ظلم بی اندازه میکردند و حاصل دسترنجشانرا بیهانه های گوناگون میربودند بدین سبب بیشتر مردم مخصوصاً ایرانیان از آنها رنجیده و روگردان شدند تا اینکه ابومسلم خراسانی بحمایت بنی هاشم برخاست و بیاری دلیران خراسان بنی امیه را مقهور ساخت و ابوالعباس را بخلافت نشانید .

ابوالعباس از اولاد عباس عمّ پیغمبر بود و بدین سبب وی و جانشینان وی را خلفای عباسی خوانند .

خلفای عباسی سی و هفت تن بودند و مقرّ خلافتشان شهر بغداد بود .

بنی عباس بمساعدت ایرانیان روی کار آمده بودند وبدین

---

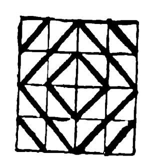
(۱) بنی‌هاشم = کسانی که نسبشان بهاشم جد پیغمبر (ص) می پیوندد .
(۲) مقهور = مغلوب

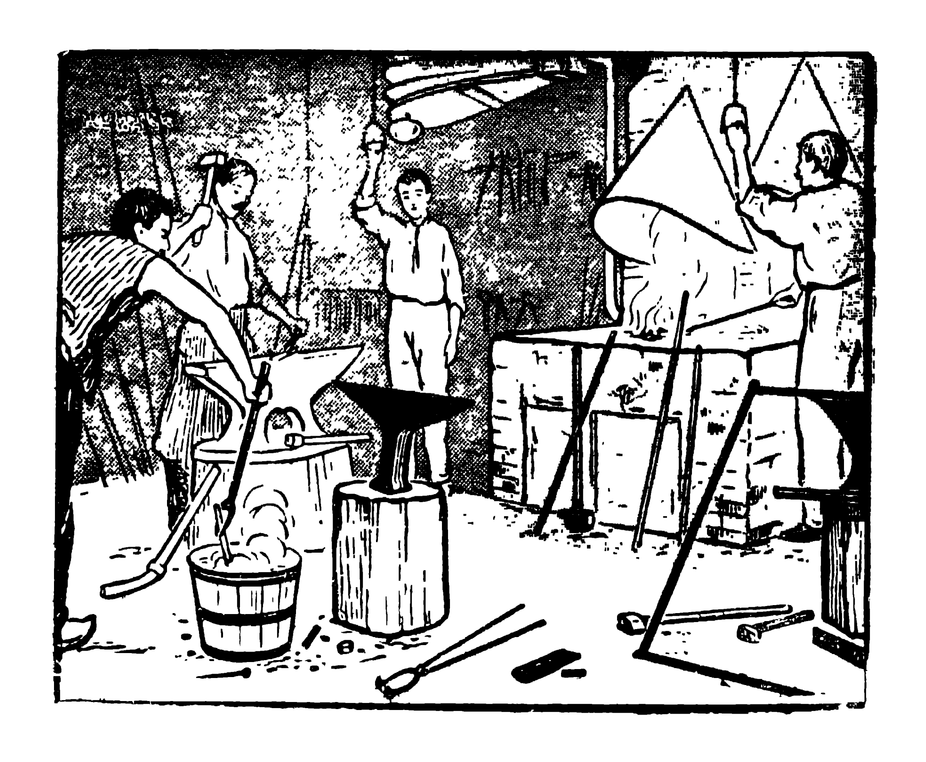
جهت ایرانیان را عزیز و محترم میداشتند و آنها را بکار های بزرگ میگماشتند .

معروفترین خلفای عباسی هارون و پس از وی پسرش مأمون بود آخرین خلیفهٔ عباسی بدست هلاکوخان مغول کشته شد .

پرسش : سبب رنجیدگی ایرانیان از بنی امیه چه بود؟ - که بود که بحمایت بنی هاشم برخاست و بنی امیه را مقهور کرد ؟ - نخستین خلیفهٔ عباسی که بود ؟ - بنی عباس باایرانیان چگونه رفتار میکردند؟ - معروفترین خلفای عباسی کیست ؟ - آخرین خلیفه عباسی بدست که کشته شد ؟

رسم - مطابق این رسم روی کاغذ شطرنجی بکشید :





آهنگر

مشتعل (شعله) ـ گداخته ـ مانده ـ لوازم

پسر عزیزم بمن گفتی که آهنگری را دوست میداری و وقتی که بزرگ شدی آهنگر میشوی حالا هم البته میل داری بدانی که آهنگری چه طور کاری است من هم بقدر ممکن برایت شرح میدهم .

آهنگر هرروز صبح زود بدکان خود میرود بمحض ورود پیش بند چرمی را بگردن میآویزد و آستینها را بالا میزند بعد در کوره آتش روشن میکند و دم میدمد تا خوب مشتعل شود وقتی که آتش خوب گرفت یك میلهٔ آهنی برمیدارد و در کوره میان آتش فرو میبرد و دم میدمد تا آهن گداخته و سرخ شود بعد میله را با گاز انبر محکم میگیرد و بیرون می آورد و روی سندان میگذارد و با دست دیگر چکش سنگینی را برمیدارد و پیدرپی چکش را بلند می کند و بروی آهن گداخته پایین میآورد تا میلهٔ آهن بقدری که لازم است نازك یا خم شود باز آهن را بکوره میبرد و پس از سرخ شدن چکش کاری می کند.

باین ترتیب آهنگر دو تکه آهن را بهم میچسباند نعل اسب و میخ و بیل و کلنگ میسازد نوك کلنگ و گاو آهن تیز می کند و آهن را برای اینکه محکمتر شود همان طور که سرخ و گداخته است در آب سرد فرو میبرد.

مختصر اینکه از صبح تا شام سر و کارش با این

فلز سخت است و آنرا بهرشکل میخواهد در می‌آورد و برای کارگران شهری و روستایی اسباب و ابزار کار میسازد وشب که بخانه میرود بتن خسته و مانده اما بدل خوشحال و از خود راضی است که کار کرده برای دیگران لوازم زندگی و اسباب کار ساخته است .

۱ ـ پرسش : کارهایی را که آهنگر در کارخانه می کند بیان کنید ـ آهنگر چه چیزها میسازد ؟ ـ فایدهٔ دم آهنگری چیست ؟ ـ شما اگر بخواهید آتش زود روشن‌شود چه می کنید ؟ـ گداخته یعنی چه ؟ ـ آهنگر برای چه آهن‌را اول در کوره میگذارد؟ ـبرای چه بر آهن گداخته چکش میزند ؟ ـ چرا شب خوشحال و راضی بخانه میرود ؟

۲ ـ گردش‌علمی ـ باز دید یك‌دکان آهنگری و تماشای کارهای کارگران و مشاهدهٔ اسباب آهنگری (دم و کوره وسندان و دودکش وغیره) وداستن فایدهٔ هریك ـ نام پیشه ورانی که با آهن کار می کنند وهم‌چنین نام پیشهٔ آنهارا پیدا کنید (مانند آهنگر ـ آهنگری ـ حلبی ساز ـ حلبی سازی . . . .)

۳ ـ انشا ـ ۱ ـ پس از ملاحظهٔ کار های قفل ساز (یا پیشه‌ور دیگری) کارهای اورا شرح دهید .

۲ ـ چه پیشه یی را دوست دارید ؟ ـ وقتی بزرگ شدید چه پیشه یی را میل دارید انتخاب کنید ؟

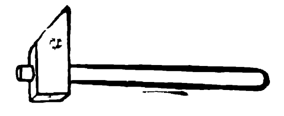
۴ - تکلیف - از روی این سرمشقها چند بار بنویسید .

آهنگر بتن خسته و مانده امّا بدل خوشحال و از خود راضی است

آهنگر شب که بخانه میرود بتن خسته و مانده امّا بدل خوشحال و از خود راضی است
که کار کرده و برای دیگران لوازم زندگی و اسباب کار ساخته است

نقاشی ۱ - شکل سندان و گاز انبر را از حفظ بکشید .

۲ - از روی این شکل بکشید .



۳ - از وسایل کار آهنگران هر کدام را میتوانید بکشید .

کاردستی - با سیم نازک آتش چرخان و بعضی چیز های دیگر که میتوانید بسازید

یعقوب لیث (از صفاریان)

سلاطین (سلطان) سر برتافت - مستقل[۱]
گماشته - اجل - قرن

مملکت ایران بیش از دویست سال در تصرف خلفا و سلاطین اموی و عباسی بود و نخستین کسی که سر از فرمان خلیفه برتافت و حکومتی مستقل در ایران تشکیل داد یعقوب لیث بود.

یعقوب از اهل سیستان و جوانمردی بس دلیر و باهمت بود اول سیستان را گرفت و آنگاه کرمان و خراسان وفارس و حوزستان را متصرف گردید و گماشتگان خلیفهٔ عباسی را از آن ولایات بیرون راند.

یعقوب میخواست ببغداد رود و خلیفه را هم مطیع خود سازد لیکن اجل اورا مهلت نداد.

یعقوب کشوری را که بیش از دو قرن در تصرف

---

(۱) مستقل — بسرخود، بخود برپای.

بیگانگان بود آزادی بخشید از اینروی یکی از بزرگان دنیا و شایستهٔ آنست که نامش را ببزرگی و احترام یاد کنیم.

پرسش — یعقوب لیث که بود؟ - چه کرد؟ - اقدامات یعقوب چه بود؟ - یعقوب چه کار مهمی انجام داد؟ - چرا از بزرگان دنیا محسوب میشود؟

از روی نقشهٔ ایران سیستان و سایر جاهایی که در درس نام برده شده پیدا کنید.

حواس پنجگانه

چشم گوسفند را که از کله‌اش بیرون می‌آورند اغلب دیده و مشاهده کرده‌اید که گرد و شبیه بگلولهٔ کوچکی است.

چشم ما هم بهمین شکل است لیکن ما جز قسمت جلو آنرا نمی بینیم و باقیش در کاسهٔ چشم جای دارد چشم میتواند ببالا و پایین و راست و چپ حرکت کند چشم عضوی بسیار ظریف است و بدین سبب آفریدگار حکیم استخوان پیشانی را سپر و ابروها را سایه‌بان و پلکها ومژه‌ها را روپوش قرار داده است تا او را از برخوردن بچیزهای سخت

و آسیب یافتن از تابش خورشید و گرد و غبار هوا محفوظ دارند

چشم عضو دیدن است و با آن رنگ و شکل چیز ها را در مییابیم و از هم تشخیص میدهیم .

برای دریافتن و شناختن چیزهای جهان چهار عضو دیگر هم داریم و آن گوش و زبان و بینی و پوست بدن است .

با گوش آواز ها را میشنویم با زبان آنچه را بخواهیم میچشیم و مزه‌اش را می فهمیم با بینی چیز ها را می بوییم و بوی خوب یا بد آنها را احساس می کنیم .

با پوست بدن اجسام را لمس میکنیم و درشتی و نرمی و سردی و گرمی آنها را ملتفت می شویم .

دیدن و شنیدن و چشیدن و بوییدن و لمس کردن پنج احساس مختلف است که پنج حس ظاهر نامیده میشود و چشم و گوش و زبان و بینی و پوست بدن اعضای این پنج حسند .

۱ - **پرسش** - چشم چه شکل است ؟ - حای چشم را چه‌میامند ؟ - چرا آن کاسهٔ چشم میگویند ؟ - چشم چگونه عضوی است ؟ - چشم برای ما چه کارمیکند ؟ برای دریافتن چیز های جهان چند عضو دیگر داریم ؟ - با هریك چه می کنیم ؟ پنج حس ظاهر ما کدام و اعضای آن کدام است ؟

۲- پرسش فکری - اگر در اطاق تاریکی باشید و کسی در را باز کند از چه راه ملتفت می شوید ؟ - اگر گوشتان بسته باشد باز هم ملتفت می شوید ؟ از اجزای چشم آنچه را میشناسید نام ببرید بدین قرار : پلك مژه ، . . . ؟- فایدهٔ ابرو و پلك و مژه چیست ؟

۳- تکلیف - از روی این سر مشق چند بار بنویسید :

چشم و گوش و زبان و بینی و پوست بدن اعضای پنج حسند

زبان حال کور

لامسه - باصره - سامعه

چشمهایم در جنگ کور شده و اکنون پیش پای خودرا نمیتوانم ببینم و کارهای مزرعه را پسرم بجای من انجام می دهد بی عصا کش بجاهای دور نمیتوانم بروم روز ها بناچار درخانه میمانم و هروقت دلم تنگ میشود دم درخانه روی سکو می نشینم و بصدای آمد وشد و گفتگوی مردم گوش می دهم اگر میخواهید

حال مرا بدانید چشمهایتان را ببندید وملاحظه کنید که چگونه دنیا را تیره و تاریك می بینید برای من که کورم دنیا همیشه باین حال است .

خیال نکنید که چون کور شده ام دیگر چیزی را نمی فهمم اگر چشم ندارم نیروی شنیدن ونیروی لمس کردن دارم و بمدد این دو قوه خیلی چیز ها را در مییابم لامسه ام بسبب نبودن باصره قویتر از پیش شده و بنیروی آن قیمت و نوع هرسکه را ار وزن و حجمش می‌فهمم و طلوع وغروب خورشید را از تغییر گرمی هوا ملتفت می‌شوم .

خدا را شکر که گوشم سالم است وازشنیدن اخبارمحروم نیستم و خیلی چیزها را بنیروی سامعه تشخیص می دهم مثلا اشخاص را ار آوارشان می شناسم از صدای زنگ الاغها و گاوها ملتفت می‌شوم که ازصحرا بر می گردند یا بصحرا میروند گوشم صدا های آهسته را که اغلب مردم نمی‌شنوند می شنود حتی اگر حشرهٔ کوچکی روی علف خشگ راه برود صدای پایش را بخوبی می‌شنوم .

با وجود کوری از عهدهٔ برخی کارها از قبیل آب از چاه کشیدن و آتش روشن کردن و پختن آبگوشت و دوشیدن ماده گاو ها بر می‌آیم و میتوانم گاو و الاغها را بجایگاهشان که تا اینجا پنجاه قدم فاصله دارد رهنمایی کنم این کار را بحساب قدم شمار با کمال خوبی و آسانی انجام می دهم.

ازنعمت ولذت خواندن هم بی بهره نیستم زیرا پسرهای با سواد دارم و هر وقت مایل باشم یکی از پسرانم برایم کتاب یا روزنامه میخواند و من گوش می دهم و از مطالب واخبارآن آگاه می شوم.

۱ - **پرسش** - فایدهٔ لامسه چیست ؟ - کورها از آنچه دراطرافشان واقع میشود بچه وسیله آگاه میشوند ؟ - کوری که در حکایت ذکر شد بچه طریق گاو و الاغها را بجایگاهشان میبرد ؟ - بچه طریق بدیگران فایده میرساند ؟ - آیا کسانی که از دست یا پا یا گوش عاجزند میتوانند مانند همین کور کار بکنند و نان بدست‌آورند ؟ - کدام حس کور ها در نتیجهٔ نبودن حس باصره نیرومند می شود ؟

۲ - معنی این لغات چیست : عصاکش - مدد - دریافتن - مطالب - اخبار.

۳ - **انشا** - شخصی ازدست یا پا عاجزاست بنویسید :

چگونه وقت خودرا میگذراند ؟ - از چه‌راه نان خودرا بدست می‌آورد ؟ - دیگران باو چه کمکها می کنند ؟

آرزوی دختر نابینا

زنی دختری نابینا داشت هر روز دست او را میگرفت
و بگردش میبرد و دلش را بسخنان شیرین خوش میداشت .
روزی دختر را بر کنار جویی زیر درختی نشاند و خود
پی کاری رفت دختر همینکه تنها ماند آهی کشید و گفت :
خدایا شنیده ام تو خورشیدی آفریده یی که هر صبح
جهان را از وحشت تاریکی نجات میدهد !
شنیده ام که درآسمان تو ماه و ستارگانی است که از
تاریکی شب میکاهد و دلها را خوش میسازد !
شنیده ام که از خاك گلهای رنگارنگ بیرون میآوری
که زیبایی آنها از بویشان هزار مرتبه بیشتر است !
شنیده ام که روی زمین تو بلندی و پستی وجویهای آب
روانست که از دیدن آنها دل آدمی شاد میگردد !
خدایا ! رنج کوری و ندیدن اینهمه خوبیها برمن آسان

میبود اگر دیدگان مرا یك لحظه باز میکردی که چهرهٔ مادرم را ببینم !

۱ ـ **پرسش** ـ مادر دختر نابینای خودرا چگونه دلخوش میداشت ؟ـ دختر چه چیزها شنیده بود ؟ ـ بزرگترین آرزوی او چه بود ؟

۲ ـ لغات ذیل را معنی کنید وهر کدام را در دوجمله بکار برید : وحشت ـ کاستن (میکاهد) ـ رنگارنگ ـ زیبایی ـ شاد ـ لحظه ـ چهره .

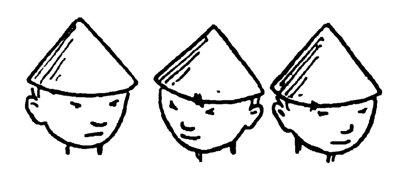
۳ ـ این حکایت را بزبان خود برای همشاگردان بگویید (راست بایستید ـ بهشاگردان نگاه کنید ـ شمرده حرف بزنید) .

٤ ـ حکایت را با خط خوب و خوانا یك بار بنویسید .

٥ ـ ازروی سرمشق زیرچند بار بنویسید و بگویید مربوط بکدام درس است :

با وجود کوری از عهدهٔ برخی کارها از قبیل آب از چاه کشیدن و آتش روشن کردن و پختن آبگوشت و دوشیدن ماده گاوها برمیآیم و می توانم گاو و الاغها را بجایگاهشان که تا اینجا پنجاه قدم فاصله دارد راهنمائی کنم این کار را بحساب قدم شمار با کمال خوبی و آسانی انجام می دهم

نقاشی ـ از روی این شکلها بکشید :



صورت حساب

مهمانخانه ـ مستخدم

هوشنگ کودکی ده ساله و زیرك و با هوش بود یك روز باپدر و مادرش بمهمانخانه رفت بعداز خوردن غذا دید مستخدم کاغذی بپدرش داد و مقداری پول گرفت و رفت از مادرش پرسید این کاغذ چیست ؟ وی جواب داد : صورت حساب غذایی است که خورده ایم .

چند روزی گذشت و هوشنگ در فکر آن بود که خودش هم درمقابل زحماتی که در منزل میکشد صورت حسابی درست کند کاغذی برداشت وچنین نوشت :

مزد پنج مرتبه آب آوردن ------------------ ۳ ریال

مزد دومرتبه ازدکان هیزم خریدن ------------------ ۲ ریال

مزد انجام کار های دیگر ------------------ ۷ ریال

مزد اینکه برای مادرم پسر خوبی باشم ------------------ ۳ ریال

جمع ۱۵ ریال

این صورت حساب را هنگامیکه مادرش از اطاق بیرون رفت در بشقاب غذای او قرار داد و ساکت نشست مادرش همینکه وارد شد و خواست درظرف غذا بریزد متوجه کاغذ شد آنرا برداشت و خواند .

روز بعد هنگامیکه هوشنگ وارد اطاق شد روی میز پانزده ریال و صورت‌حسابش را مشاهده کرد و باکمال خرسندی دست دراز کرد که بردارد ولی چشمش بکاغذ دیگری در بشقاب خود افتاد که روی آن نوشته بود :

برای ده سال زحمت بچه‌داری .... هیچ

برای ده سال تهیهٔ غذا ولباس .... هیچ

برای خرج آموزشگاه .... هیچ

برای اینکه یك مادرمهربان باشم .... هیچ

جمع هیچ

هوشنگ این صورت حساب را باکمال دقت خواند ودر فکر فرو رفت بعد دستمال خودرا از جیب بیرون آورد

اشگهایش را پاك كرد و بطرف اطاق مادر دوید و خود را
درآغوش او انداخت و گفت :

مادر جان مرا ببخشید این پول را بر دارید زیرا من
بقدری بشما بدهکارم که تا آخر عمرهم نمی‌توانم بپردازم .

امیر اسماعیل

نجبا (نجیب) - نسب - امرا (امیر) - فرمانروا - فرمانروایی - ابتدا - دست نشانده - قلمرو - ترویج - شعرا (شاعر)

سامانیان خانواده یی از نجبای ایران بودند که نسبشان
بسامان نام می‌پیوست و سامان یکی از بزرگزادگان ایران
بوده است .

معروفترین امرای سامانی امیر اسماعیل است که
فرمانروایی عادل و نکوکار و بجوانمردی و دلاوری و بردباری
معروف بود .

سامانیان در ابتدا دست نشانده و مطیع خلفای عباسی

بودند لیکن همینکه اقتدار یافتند سر از فرمان آنها پیچیدند و قلمرو فرمانروایی خود را آزاد و مستقل ساختند .

سامانیان در ترویج زبان فارسی میکوشیدند و شعرا و نویسندگان را بر شعر گفتن و کتاب نوشتن باین زبان تشویق میکردند .

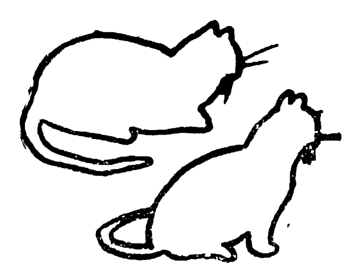
رودکی که نخستین شاعرمهم فارسی درعصر اسلامی است در زمان این سلسله میزیسته است .

۱- **پرسش** - مانند درسهای پیش

۲ - **تکلیف** - از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

یکی از پادشاهان معروف ایران امیراسمعیل سامانی است

کاردستی و نقاشی - این شکلها را بکشید و دورشان را ببرید





چین و ژاپن

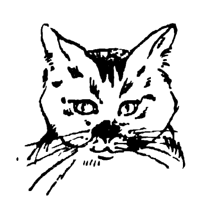
دریانوردی - بازرگانی - دلبستگی

چین یکی از کشور های پهناور آسیا است و مردمش زرد پوستند خاك چین بسیار حاصلخیز و رود های پر آب در آن جاری است زراعت عمدهٔ چین گندم و برنج و چای

و تریاك و نیشکر است مردم چین در صنعت ابریشم مهارت مخصوص دارند چین بیش از چهار صد میلیون جمعیت دارد بندر شانگهای و بندر کانتون از شهر های بسیار بزرگ آن کشور و دومرکز عمدهٔ تجارت است .

کشور ژاپن از چندین جزیره تشکیل یافته و در خاور آسیا واقع است مردم ژاپن نیز زرد پوستند و بدریانوردی و بازرگانی دلبستگی بسیار دارند پایتخت ژاپن توکیو است که با دهکده های اطراف بیش از شش میلیون جمعیت دارد درژاپن چای و ابریشم و برنج و پنبه بدست میاید ودربعضی جا ها گندم و جو نیز کاشته میشود از رودخانه ها ودریاها ماهی بسیار صید میکنند خوراك غالب مردمان چین و ژاپن برنج و ماهی است .

پرسش ـ شهرهای بزرگ چین کدامند ؟ ـ ژاپن در کدام سمت آسیا واقع است ؟ ـ کدام محصول بیشتر در چین و ژاپن بدست میآید ؟ ـ خوراك غالب مردم چین و ژاپن چیست ؟ ـ رودهای چین را از روی نقشه نشان بدهید



گربه

۱ ـ **زندگی گربه** ـ گربه حیوانی اهلی است یعنی بانسان انس دارد ودرخانه های مردم بسر میبرد وموشهای خانه را میگیرد و میخورد گربه پرندگان کوچك وماهیهای حوض را هم میگیرد طرز شکار گربه اینست که بی صدا و آرام حرکت می کند و در محلی که گمان موش میرود بکمین می نشیند و موش را که دید آهسته آهسته باو نزدیك میشود و خود را ناگهان بیك جست روی او می اندازد و بیك ضرب پنجه و دندان کارش را تمام می کند .

۲ ـ **بدن گربه** ـ بدن گربه پشم دارد پشم بیشتر گربه ها کوتاه است لیکن بعضی‌هم‌پشم‌بلند دارند گربه‌یی را که پشمهای بلند دارد بُراق مینامند .

۳ - **پنجهٔ گربه** - دست و پای گربه قوی و دارای ماهیچه های نیرومند است درسر هر یك از دست و پاهای او پنج انگشت



کوتاه است و سر هرانگشت یك ناخن تیز و کج دیده میشود ناخنها را در موقع بازی و راه رفتن جمع می کند و موقعی که خشمناك است بیرون می آورد و دست و روی دشمن خود را میخراشد گاهی هم برفرش و پوست درخت و مانند آن پنجه می کشد و مردم می گویند ناخنهای خود را تیز می کنند.

٤ - **سر گربه** - گربه یك دهان و یك بینی و دو گوش نوك تیز ودوچشم تیزبین دارد گربه درشب و تاریکی خوب می بیند و شکار خود را بخوبی میتواند بشناسد دندانهای گربه همه نوك تیز و برنده است و چهار تای آنها که در پیش دهان در دوطرف قرار دارد بلند تر و تیز تر از باقی است دندان نوك تیز برنده را نیش‌مینامند گربه ازجانوران نیش دار است و خوراك اصلیش گوشت است گربه چون گوشت میخورد احتیاج بدندانهای برنده و نیشهای نوك تیز

دارد نیش برای فرو کردن در گوشت وپاره کردن آن است.

۵ ـ **گوشتخواران** ـ حیواناتی که جانوران دیگر را شکار می‌کنند و میخورند گوشتخوار نامیده میشوند و همه دارای نیشهای تیز میباشند گربه و سگ و گرگ و روباه و شیر و ببر و پلنگ از حیوانات گوشتخوارند .

۱ ـ **پرسش** ـ حیوان اهلی یعنی چه ؟ ـ گربه چگونه شکار میکند ؟ گربه درهردست و پا چند انگشت وچند ناخن دارد ؟ ـ ناخن گربه چه شکل است ؟ (شکل آنرا بکشید) ـ فرق ناخن گربه با ناخن شما چیست ؟ ـ چرا ناخنهای گربه همیشه تیز است ؟ ـ آیا ناخن شما هم تیز است ؟ ـ چرا ؟ ـ دندانهای گربه چه‌طور است ؟ ـ نیش‌های گربه کجا قرار گرفته است ؟ ـ تیزی نوك و بلندی آنها برای چیست ؟ ـ بچه نوع جانوران گوشتخوار گفته میشود ؟ .

۲ ـ **انشا** ـ درخانه خوب مراقب گربه یی که دارید باشید و ببینید :

۱ ـ چه غذا ها را بیشتر دوست دارد ومیخورد ؟

۲ ـ چگونه غذا میخورد ؟

۳ ـ بیشتر کجا می‌خوابد ؟

٤ ـ محبت خود را چگونه نشان میدهد ؟

۵ ـ اگر او را اذیت بکنید چه میکند ؟

آنچه را می‌بینید بنویسید (درجواب هرسؤال یك جملهٔ کوچك نوشته شود).

یاد گربهٔ گم شده

تهی - دشوار - نهان - نژند - عهد - پیوند - ژولید - ستیزه شبروی - توسن .

ای گربه ترا چه شد که ناگاه رفتی و نیامدی دگر بار
بس روز گذشت وهفته و ماه معلوم نشد که چون شد این کار
جای تو شبانگه و سحرگاه در دامن من تهی است بسیار
در راه تو کند آسمان چاه کار تو زمانه کرد دشوار
پیدا نه بخانه یی نه بر بام

ای گمشدهٔ عزیز دانی کز یاد نمی شوی فراموش
برد آنکه ترا بمیهمانی دستیت کشید برسر و گوش
بنواخت تو را بمهربانی بنشاند تو را دمی در آغوش
میگویمت این سخن نهانی در خانهٔ ما ز آفت موش
نه پخته بجای مانده نه خام

آن روز تو داشتی سه فرزند از خندهٔ صبحگاه خوشتر
خفتند نژند روزکی چند در دامن گربه های دیگر

فرزند ز مادر است خرسند   بیگانه کجا و مهر مادر
چون عهد شد و شکست پیوند   گشتند بسان دوك لاغر
مردند و برون شدند زین دام

از بازی خویش یاد داری   بر بام شبی که بود مهتاب
گشتی چو ز دست من فراری   افتاد و شکست کوزهٔ آب
ژولید چو آب گشت جاری   آن موی به ازسمور وسنجاب
زان آشتی و ستیزه کاری   ماندی‌تو زشبروی من‌از خواب
با آن همه توسنی شدی رام

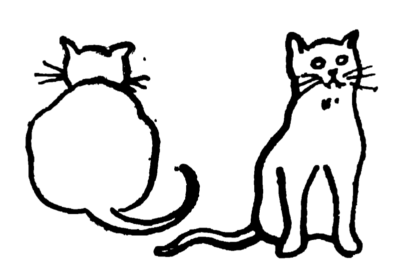
پروین اعتصامی

۱ ـ **پرسش** ـ موضوع حکایت چیست ؟ ـ علت رفتن و باز نگشتن گربه چه بود ؟ ـ چه برسر بچه های گربه آمد ؟ ـ صاحب گربه چه چیزها درباره او میگوید و ازچه یاد میکند ؟ ـ از گم شدن او غمگین است یا نه ؟

۲ ـ این لغات و جملات را معنی کنید : بس (بس روز گذشت . . .) چون (چون شد این کار) آفت ـ سان ـ دام ـ رام ـ صبحگاه ـ سحرگاه (یا سحرگه) ـ شبانگاه (یا شبانگه)

۳ ـ مطلب حکایت را برای همکلاسان خود شمرده و بلند بگویید بعد مترتیب بنثر بنویسید .

نقاشی ـ شکلهای زیر را بکشید :



عضد الدّوله (از دیلمیان)

دیلمیان قومی ایرانی از سکنهٔ گیلان و طبرستان بودند
عضدالدوله (از دیلمیان) امیری دانا و خردمند بود و در
آبادی شهرها و ساختن بنا های خیرمیکوشید از جمله دربغداد
بیمارستانی ساخت که سالها بنام وی باقی و برقرار بود
مهمترین اثر وی پل و بندی‌است که در فارس بر رود کُر
بسته و ببند امیرمعروف است بند امیر یکی از بناهای تاریخی
و با شکوه ایران بشمار میرود و تا امروز باقی است .

پرسش ـ گیلان وطبرستان درکجای‌ایران است ؟ (ازروی‌نقشه پیدا کنید.)
عضد الدوله چگونه امیری بوده‌وچه‌کارهای خوب‌کرده است ؟ ـ بند امیرکجا است؟
(عکس بند امیر را پیدا کنید وبدقت ببینید)

نقاشی ـ از روی این شکلها بکشید :

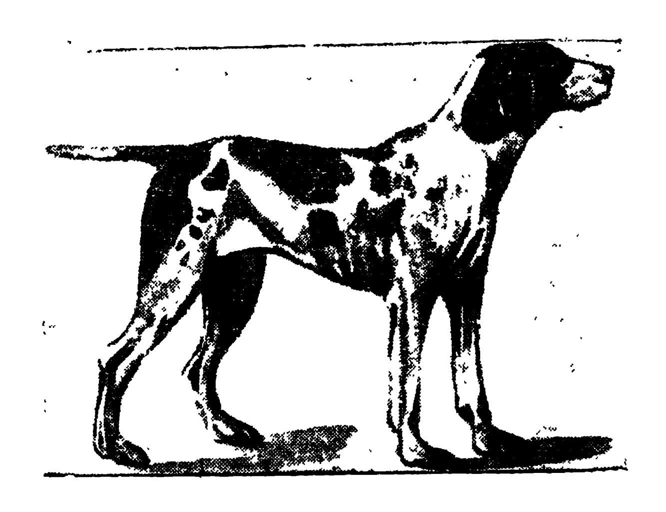
دزد

دزدی بخانه یی رفت جواني را خفته دید چادرشبی را که بردوش داشت گسترد تا هر چه بیابد در آن بنهد و ببرد جوان غلطید ودر میان چادر شب خوابید دزد چیزی نیافت باز گشت که چادرشب را بردارد و بیرون رود جوان را دید که بر آن خوابیده است با خود گفت بهتر آن است که ترك چادرشب بگویم و با این جوان درنیفتم چادرشب را گذاشت واز خانه بیرون رفت .

جوان آواز داد که ای دزد در را ببند تا کسی بخانه نیاید گفت بجان تو در را نمی بندم زیرا که من زیرانداز ترا آوردم شاید دیگری هم روی انداز ترا بیاورد .

تکلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

جوان آواز داد ای دزد در را ببند تا کسی بخانه نیاید گفت بجان تو در را نمی بندم زیرا که من زیرانداز ترا آوردم شاید دیگری هم روانداز ترا بیاورد



سگ

سگ مانند گربه جانوری اهلی است .

۱ ـ **بدن سگ** ـ سگ بدنی کشیده و پوستی پوشیده از پشم دارد درعقب سر دمی‌دارد که هنگام خوشحالی آنرا تکان میدهد .

۲ ـ **پنجه های سگ** ـ سگ دست و پا های دراز و باریك و پر ماهیچه دارد و بدین جهت میتواند خوب بدود و خوب جست و خیز کند پنجه های سگ مانند گربه

ناخن دارد لیکن بتیزی ناخن گربه نیست زیرا هنگام راه رفتن نمیتواند آنها را مانند گربه بالا نگاه دارد که بزمین ساییده نشود.

۳ ـ **شنوایی وشامهٔ سگ** ـ سگ آهسته ترین و کوچکترین آواز را میشنود و بمحض شنیدن گوشهای خود را تیز می کند.

بوی چیزها را هم ازدور تشخیص می‌دهد وسگ شکاری از بوی شکار جایگاه او را پیدا میکند.

٤ ـ **دندانهای سگ** ـ سگ مانند گربه صاحب نیش یعنی دندانهای نوك تیز و برنده است و نیشهای عقبش بطوری محکم و پر زوراست که استخوانهای سخت را خردمیکند و از اینجا معلوم می شود که سگ از جانوران گوشتخوار است.

٥ ـ **اقسام سگ** ـ سگ چندین نوع مختلف وهر نوع برای کاری خوب است

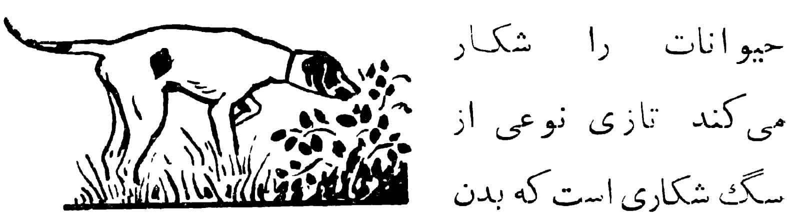


سگ پاسبان کارش نگهداری
وحفظ خانه است و اشخاص
ناشناس و دزد اگرداخل خانه
شوند حمله می کندو آنها را
سخت گاز میگیرد



سگ گله گوسفندان
را مراقبت واز گرگ محافظت
میکند

سگ شکاری همراه
شکارچی میرود و بعضی از



حیوانات را شکار
می‌کند تازی نوعی از
سگ شکاری است که بدن
لاغر و کشیده و دست و پاهای دراز دارد و خرگوش وآهو

ومانند آنرا می گیرد .

گرگ وروباه وشغال شبیه بسگ اند لیکن اهلی نیستند وهمیشه در بیابانها ودر کوهها بحالت وحشی بسرمیبرند .

۱ - **پرسش** - سگ بچند رنگ دیده می شود ؟ - پنجهٔ سگ چه طور است ؟ - فرقش با پنجهٔ گربه چیست ؟ - آیا سگ می‌تواند از درخت بالا برود ؟ چرا ؟ - دندانهای سگ چگونه است ؟ - سگ چه میخورد ؟ - حیواناتی که گوشت میخورند نامشان چیست ؟ - چند حیوان گوشتخوار را نام ببرید ؟ - فرق تازی با سگ پاسبان چیست ؟ - چه حیوانات شبیه سگ هستند ؟ - چه حیوانات شبیه بگربه هستند ؟ - حیوان اهلی یعنی چه ؟ - حیوان وحشی یعنی چه ؟

۲ - **استعمال لغات درس** : عبارتهای زیر را با یکی از کلمات :
(کشیده ، عقب سر ، آهسته ، تشخیص میدهد ، حفظ ونگاهداری)
تکمیل کنید :

تازی بدنی---------- دارد — سگ و گربه در------------دم دارند — سگ --------------- ترین آواز را می شنود — سگ بوی چیز ها را از دور------------ — سگ عموی من باغ او را------------میکند .

نقاشی - شکل سادهٔ سگ را بکشید .

سگ طمع کار

سگک ـ میشد ـ نمود

سگکی میشد استخوان بدهان — کرد ره بر کنار آب روان
بسکه آن آب صاف و روشن بود — عکس آن استخوان در آب نمود
برد بیچاره سگ گمان که مگر — هست در آب استخوان دگر
لب چو بگشاد سوی آن بشتاب — استخوانش از دهان فتاد در آب

۱ ـ پرسش ـ سگ چه دردهان داشت ؟ ـ از کجا می گذشت ؟ ـ عکس استخوان چرا در آب پیدا شد ؟ ـ سگ از دیدن آن عکس چه گمان برد و چه کرد؟ برای چه میخواست آن استخوان را هم بگیرد ؟
آیا صفت طمع خوبست ؟ ـ بچه بی را دیده اید که طمعکار باشد ؟ ـ چه کرده است که میگویید طمع کار است ؟
معنی این لغات چیست : سگک ـ کرد ره ـ نمود ـ شتاب ـ فتاد ؟
چند کلمه پیدا کنید که در آخر آن ك (بمعنای کوچك) باشد (مثل پسرك .....)
۲ ـ حکایت را بزبان خودتان بگویید .
۳ ـ حکایت را در سه چهار سطر بنثر بنویسید .

نقاشی ـ شکل سادهٔ این سگ را بکشید



سلطان محمود (از غزنویان)

بت - بتکده - سرنگون - قلعه - رواج (ترویج) - مروّج

پادشاه بزرگ سلسلهٔ غزنوی سلطان محمود پسر سبکتکین است.

سلطان محمود دوازده بار بهندوستان لشکر کشید و شهرها و قلعه های بسیار فتح کرد وبهرجا وارد شد بتکده ها را ویران و بتها راسرنگون ساخت ومذهب اسلام رارواج داد .

سلطان محمود دانشمندان فارسی زبانرا نوازش و تشویق میکرد استاد بزرگ سخن حکیم ابو القاسم فردوسی در عصر این پادشاه بوده و شاهنامه را بنام او کرده است و این شعر مشهور از فردوسی است :

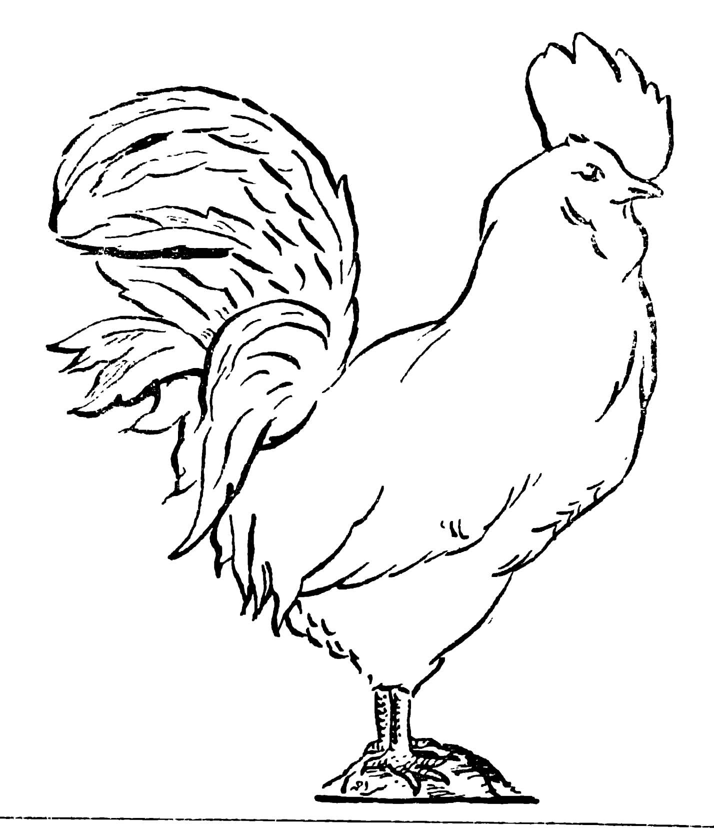
توانا بود هر که دانا بود   بدانش دل پیر برنا بود

سلطان محمود بزرگترین مروّج زبان فارسی بوده و از این جهت برملت ایران حقی بزرگ دارد که هیچگاه فراموش نباید کرد .

پرسش - بزرگترین پادشاه سلسلهٔ غزنوی که بوده است؟ - سلطان محمود چند نوبت بهندوستان لشکر کشید ؟ - در آن کشور چه کرد ؟ - کدام طایفه را

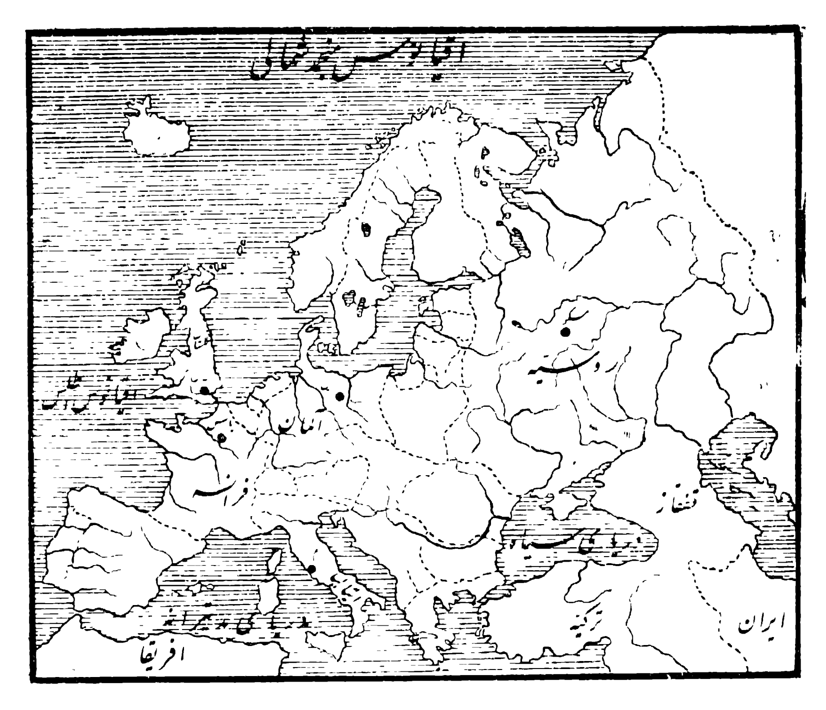
تشویق ونوازش میکرد؟- ازچه جهت برملت ایران حق دارد ؟- کدام سخنور نامی‌درعصر او بوده ؟ - و چه‌کتابی‌را بنام او کرده است ؟
آیاکتاب شاهنامه دیده‌اید؟(۱)

نقاشی - شکل سادهٔ این خروس را بکشید .



---

(۱)خوبست کتاب شاهنامه نشان داده شود ودرصورت لزوم بعضی ازاشعار **خیلی سادهٔ** آن در کلاس خوانده شود .



کشورهای بزرگ اروپا

زمین زراعتی - حبوب - کفاف

اروپا بچندین کشور بزرگ و کوچك تقسیم شده وروسیه و آلمان و انگلستان و فرانسه و ایتالیا از کشورهای بزرگ این قاره است

روسیه - کشور روسیه درخاور اروپا وهمسایهٔ ایران است و پایتخت آن شهر مسکو است .

آلمان ـ آلمان در مرکز اروپا واقع است این کشور زمین زراعتی بقدر کافی ندارد لیکن کارخانه های صنعتی بسیار دارد پایتخت آلمان شهر برلین است .

انگلستان - کشور انگلستان از چند جزیره تشکیل شده و در باختر اروپا واقع است بیشتر شهر های بزرگ انگلیس در کناردریاواقع است پایتخت انگلیس شهر لندن است در انگلستان مانند آلمان زمین زراعتی بسیار کم است و کارخانه های صنعتی بیشمار است .

فرانسه ـ فرانسه درباختراروپا قرار دارد پایتخت این کشور شهر پاریس است پاریس یکی از شهرهای زیبای اروپا است در فرانسه همه گونه محصول نباتی از قبیل گندم و جووحبوب وچغندر قند بدست میآید لیکن چون جمعیت بسیاردارد محصولات نباتی آن خوراك اهالی را کفاف نمیکند و قسمتی ازخوراك خود را باید از کشورهای دیگر وارد کنند .

ایتالیا ـ ایتالیا درجنوب اروپا واقع شده وپایتخت آن شهر رُم است در ایتالیا مقداری گندم و برنج و حبوب

و پنبه عمل میآید لیکن انگور و زیتون فراوان دارد .

پرسش - روسیه درکدام سمت اروپا واقعست ؟ - پایتخت روسیه کدام شهر است ؟ - (این دو پرسش در مورد کشور های دیگر نیز طرح شود) در ایتالیا چه محصول فراوان است ؟ از روی نقشه ممالك اروپا و پایتختهای آنها را پیدا کنید

باغبانی

دست بکار شدن - کُرت - نشا - رده - جلدی

جمشید روز جمعهٔ گذشته با پدر بزرگش بباغ رفت چون وقت سبزی کاشتن بود پدر بزرگ بمحض ورود دست بکار کاهو کاشتن شد اول زمین یکی از باغچه (کُرت) ها را بیل زد و خاکش را برگرداند علفهای هرزه را جمع کرد و کلوخها را با پشت بیل خرد کرد سنگ و ریگ و ریشهٔ علفها را با شنکش بیرون برد و زمین باغچه را صاف و هموار کرد بعد طنابی از سر تا سر باغچه کشید و برقد (درخط) طناب زمین‌را بفاصله های مساوی با سیخك باغبانی سوراخ کرد و در هرسوراخ یك نشای کاهو نشانید بعد جای طناب را عوض کرد و یك ردهٔ دیگر کاهو کاشت تا تمام باغچه کاشته شد .

هر رده که تمام میشد میبایست پای نشا ها آب بدهند.
جمشید از پدر بزرگش خواهش کرده بود که این کار را باو واگذارد واو هم قبول کرده بود جمشید هم هر رده که بآخر میرسید آب پاش را برمیداشت و با کمال جلدی و چابکی از حوض پرمیکرد و پای هر بته نصف آب پاش آب میریخت.

جمشید بیشتر روز های تعطیل با پدر بزرگش بباغ میرود پدر بزرگ بکار های باغبانی از تراش درخت ، کندن علفهای هرزه ، چیدن سبزی و مانند آن مشغول میشود و جمشید هم باو کمك می کند

باغچهٔ جمشید چندان بزرگ نیست وجز چند کُرت کوچك ندارد یکی از آن کرتها را بجمشید واگذارده اند که هرچه میخواهد درآن بکارد اما ازبس جمشید آنرا بیل زده و چیز های مختلف درآن کاشته وآب داده است زمینش کم زور شده و حاصل درستی نمی دهد.

۱ - **پرسش** - جمشید درباغ چه کمکی بپدر بزرگش کرد ؟ - سایر روزهای تعطیل جمشید چه می کند ؟ - چرا کرت جمشید حاصل درستی نمی دهد ؟ - نشا چیست ؟ - فایدهٔ بیل زدن زمین و تراش کردن درخت و جمع کردن علفهای هرزه چیست ؟ -

مردم درباغچه‌های خانه هاشان چه چیزها میکارند ؟ - برای چه ؟ - ازسبزیها هرچه می‌شناسیدنام ببرید ؟ - کدام سبزیها را میتوان خام خورد ؟ - کدام سبزیها را پخته باید خورد ؟ - از اسباب باغبانی هرچه میدانید نام ببرید ؟

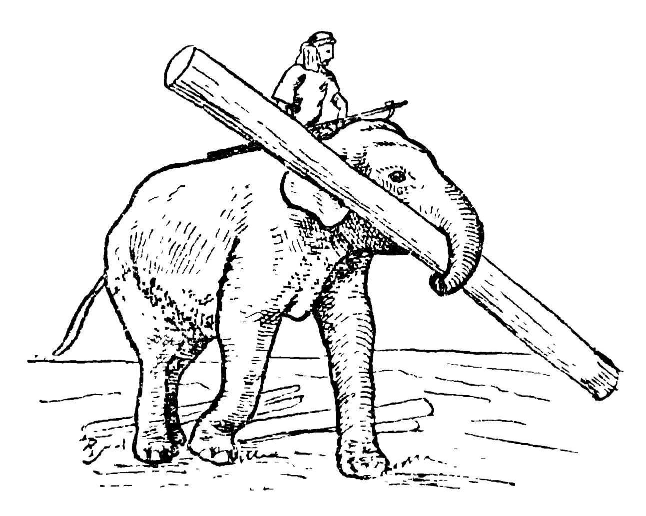
۲ - **تکلیف** - از روی این سرمشقها چند بار بنویسید :

باغ جمشید چندان بزرگ نیست و جز چند کرت کوچک ندارد یکی از آن کرتها را بجمشید واگذارده اند که هرچه میخواهد درآن بکارد اما زمین جمشید آنرا بیل زده و چیزهای مختلف درآن کاشته وآب داده است زمینش کم زور شده و حاصل درستی نمی‌دهد

پدر بکارهای باغبانی مشغول میشود وجمشید باو کمک میکند

نقاشی ۱ - شکل بیل و شنکش وسیخك را بکشید .

۲ - شکل سادهٔ فیل را بکشید :



ملکشاه (از سلجوقیان)

رونق - کاردانی - لیاقت - خردمند - خواجه

سلجوقیان قومی از نژاد سلجوق نام ترك بودند .

مهمترین پادشاه این سلسله آلب ارسلان و پس از وی پسرش ملکشاه است ملکشاه سومین پادشاه سلجوقی است که بدادگستری و رعیت پروری مشهور بوده است .

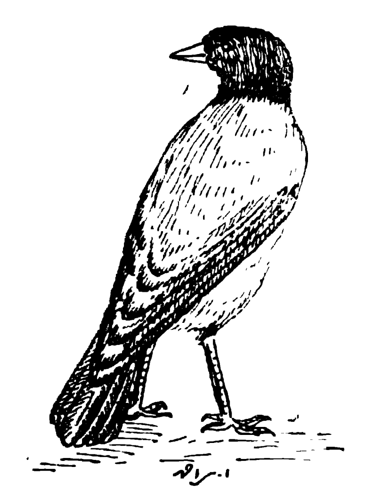
مسلمانان این پادشاه را بی‌اندازه دوست میداشتند واو را از خلیفه محترمتر میشمردند .

رونق پادشاهی ملکشاه نتیجهٔ کاردانی و لیاقت وزیر خردمندش خواجه نظام الملك طوسی بوده است خواجه نظام‌الملك ده سال وزیر آلب ارسلان و بیست سال وزیر ملکشاه بود این وزیر نامی درآبادی کشور و تشویق مردمان بتحصیل علم سعی بسیارداشت درشهرهای بزرك مسجد ها ومدرسه های معتبر بنا کرد و از بنا های معروف او مدرسهٔ نظامّیهٔ بغداد بوده است که سالها بزرگترین مدرسهٔ اسلامی محسوب میشد .

حکیم عمر خیام که از دانشمندان و شعرای بزرگ ایران بوده در عصر ملکشاه میزیسته است[۱].

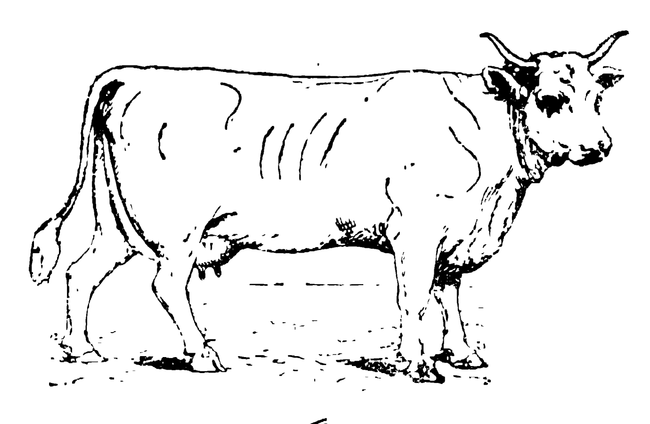
پرسش - سلجوقیان چه قومی بودند ؟ - مهمترین پادشاه آنها کیست ؟ - ملکشاه چگونه پادشاهی بوده است ؟ - مردم نسبت باو چگونه بودند ؟ - رونق پادشاهی ملکشاه از کجا بوده است ؟ - خواجه نظام الملک چگونه وزیری بوده ؟ - و چه کارهای مهم کرده است ؟ - حکیم عمر خیام در چه عصر میزیست ؟

نقاشی - از روی این شکل بکشید :



---

(۱) خوبست کتاب رباعیات عمر خیام نشان داده شود ودرصورت لزوم بعضی از رباعیات خیلی سادهٔ آن در کلاس خوانده شود .



ماده گاو

خاییدن (خاییده ـ میخاید)

۲ ـ **ماده گاو** ـ ماده گاو بیش از تمام حیوانات اهلی
بما فایده میرساند بدن این حیوان درشت و بزرگ و پوزه‌اش
پهن و پشمش کوتاه و خوابیده است و برنگهای مختلف ازسفید
و سیاه و زرد و خالدار دیده میشود دو طرف
سرش دو شاخ خمیده و نوك تیز دارد گاو
سُمهای شکافته‌دار دو سُم وشاخ او ازیك جنس است

نشخوار کردن گاو ـ ماده گاو در چمنزار ها که
سبزه و علف فراوان است چرا میکند و علفها را با دندانهای

خود تند و تند میکند و نیم خابیده فرو میبرد تا وقتیکه شکمبه اش پرشود بعد درگوشه یی براحت میخوابد وعلفی را که بلعیده است از شکمبه بدهان می‌آورد و بآهستگی میخاید وباز فرومیبرد این عمل رانشخوارو حیوانی را که این‌عمل میکند نشخوار کننده می‌گویند پس گاو از نشخوارکنندگان است .

پستانهای گاو ـ در زیر شکم ماده گاو پستان بزرگی که چند نوك دارد آویزان است این پستان جای شیر است وگوساله تا کوچك است از آن شیر میخورد وقتیکه بزرگ شد و توانست علف بخورد او را از شیر میگیرند بعد از آن انسان میتواند شیر گاو را خود بمصرف برساند .

حیوانات پستاندار ـ بز و میش و مادیان و سگ و گربه وبسیاری جانوران دیگرمانند گاو پستان دارند و بچه‌های کوچك خود شیر می دهند .

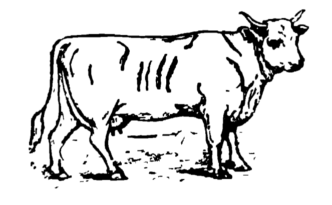
اینگونه حیوانها را پستاندار مینامیم .

انسان هم پستاندار است و ببچهٔ خود شیر میدهد .

پرسش - گاو چه میخورد ؟ - بچه طرز علف میخورد ؟ - نشخوار کننده یعنی چه ؟ - پستان گاو کجا است ؟ - شیر گاو بچه مصرف میرسد ؟ - آیا حیوان دیگری که پستان داشته باشد دیده اید ؟ - نام آنها را بگویید ؟ - جای پستانهای آنها کجا است ؟ - شما هرگز شیر گاو خورده اید ؟ - شیر چه حیوانی دیگر برای خوردن خوب است ؟ - از شیر گاو و گوسفند چه خوردنیهایی درست میکنند ؟ - انسان درچه موقع حق دارد شیر گاو را خود مصرف کند ؟ -

---

نقاشی - شکل سادهٔ گاو و شکل سم و شاخهای او را جداگانه بکشید



شیر ــ ماست ــ پنیر ــ کره وخامه

۱ — **شیر** ـ سه گیلاس شیر داریم که شیر یکی از آنها تازه و دیگری یکشبه و دیگری سه چهار روزه است

شیر تازه را که ملاحظه کنیم رنگش سفید و مزه اش مطبوع و کمی شیرین است .

· شیر یکشبه چنانکه از پشت گیلاس دیده می‌شود رویش

پردهٔ کلفت زرد رنگی بسته شده و زیرآن شیری آبی رنگ است پرده یی که در بالا قرار دارد چربی شیر یا خامه است وشیر که درزیر ایستاده مایعی کم رنگ و بی چربی و بی مزه تر از شیر تازه است .

شیر چهار روزه هم بدو قسمت خامه وشیر تقسیم شده لیکن شیر آن تغییر یافته و بشکل خمیری سفید رنگ درآمده است این خمیر سفید را شیر بسته و بعضی شیر بریده و آب انداخته مینامند .

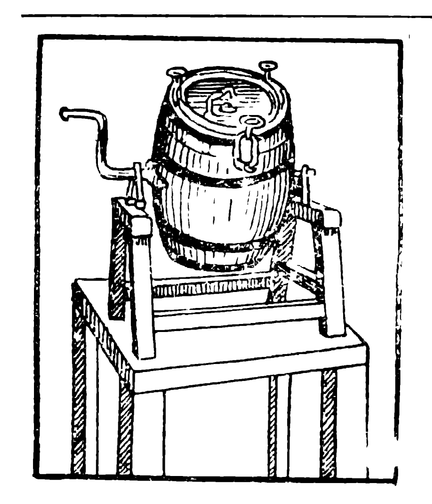
شیر بسته را اگر روی پارچهٔ نازکی بریزیم آب آن بیرون میرود وروی پارچه پنیری سفیدرنگ باقی میماند آبی که از پارچه بیرون میرود قدری ترش مزه است و بآن آب پنیر می گویند .

۲ ـ **کره** ـ کره را از دوغ می گیرند باین ترتیب که دوغ را درمشکهای بزرگ میریزند ومیزنند (یعنی بسختی تکان میدهند) تا کرهٔ آن جمع شود آنگاه کره را که روی دوغ

می‌ایستد میگیرند ودرظرفهای جداگانه جای میدهند و بمصرف میرسانند [۱]

کره در زمستان و هوای سرد سفت و در تابستان بسبب گرمی هوا نرم و شل است و اگر آنرا مانند روغن گرم کنند بکلی مایع می‌شود روغن از جوشانیدن کره بدست می‌آید.

۳ ـ پنیر ـ برای ساختن پنیر شیر را اندکی گرم می‌کنند وچند قطره مایه پنیر [۲] بآن میزنند شیر در ظرف



(۱) ـ کره را باماشین هم میگیرند بدین ترتیب که شیر را در ماشین کره گیری میریزند و با اسباب مخصوص می‌چرخانند تا خامهٔ آن جدا شود خامه از یك لوله و شیر بی خامه از لولهٔ دیگر بیرون می‌آید خامه را تخمیر می‌کنند و میزنند کره می‌شود.

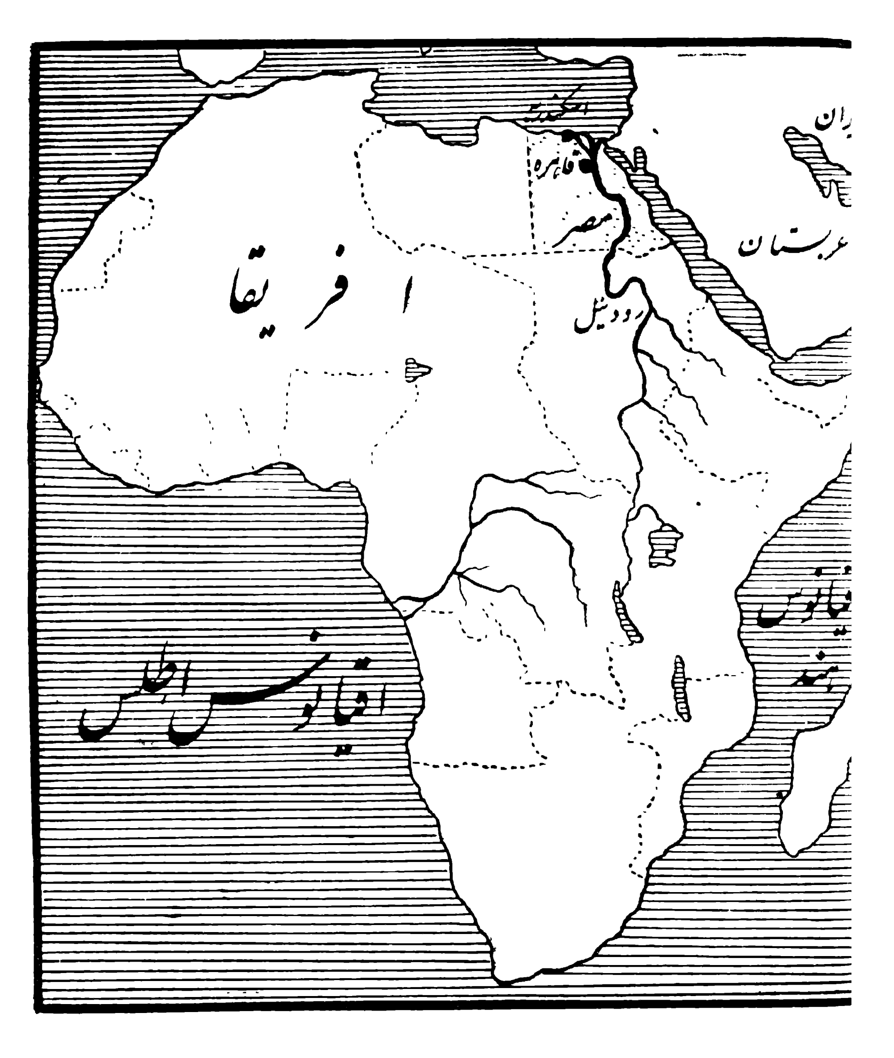
(۲) ـ مایه پنیر را بدین ترتیب بدست می‌آورند که شیردان بره یاگوسالهٔ نوزادرا درنیم لیتر آب که ۳۵ درجه حرارت داشته باشد مدت ٤۸ ساعت می‌خیسانند و بعد می‌فشارند مایعی زرد رنگ از آن بیرون می‌آید و این مایه پنیر است یك قاشق آش خوری از این مایه پنیر پنج لیتر شیر گرم را درمدت نیم ساعت تا یکساعت و نیم‌می بندد و تبدیل بپنیر می‌کند.

نیم ساعت تایك ساعت ونیم می‌بندد وپنیر می‌شود پنیری که ازشیر تازه و خامه نگرفته بعمل آید چرب وخوش مزه ومطبوع است برخلاف شیر کهنه وچربی گرفته که پنیرش بی مزه یا بد مزه می شود .

٤ ـ **ماست** ـ ماست را بدین گونه می بندند که شیر را می جوشانند و می گذارند تا قدری خنك شود پس مقداری ماست تازهٔ خوب داخل آن می کنند و بآرامی تکان می دهند تا خوب مخلوط شود آنگاه سر ظرف و اطراف آنرا با پارچه می پوشانند که سرد نشود در ظرف دو تا سه ساعت شیر می بندد وماست می شود ماست خوب ازشیر تازهٔ چربی‌نگرفته بعمل می آید .

۱ ـ **تجربه** — تجربه هایی که در درس گفته شده در کلاس و یا در خانه تکرار کنید

۲ ـ **انشا** — در محل شما ماست و پنیر و کره راچه طور درست میکنند ؟ طرز درست کردن آنهارا با عباراتی ساده بنویسید



مصر

طغیان - لای - دادوستد

مصر در شمال شرقی افریقا و یکی از کشور های آن قاره است .

رود نیل از خاك مصر میگذرد و هرسال درمواقع طغیان آن گل ولای آب روی زمینهای دوطرف می‌نشیند و بدین سبب زمینهای کنار نیل بسیار حاصلخیز است .

مصر دارای هوایی بسیار گرم و سوزان است واگر رود نیل نمیبود هیچکس در آن کشور نمیتوانست زندگی کند پایتخت مصر و شهرهای بزرگ آن کشور همگی در کنار رود نیل واقع است مردم مصر بزبان عربی سخن میگویند و بیشترشان زارع و دهقانند .

پایتخت مصر شهر قاهره است و بزرگترین شهر افریقا است اسکندریه بندر بزرگ مصر است و مردم مصر ازاین بندر بکشور های دیگر رفت و آمد و با ملتهای دیگر داد و ستد میکنند .

در مصر گندم و پنبهٔ فراوان بدست میآید و پنبهٔ مصر در تمام دنیا بخوبی مشهور است .

پرسش - مصردر کدام قطعه واقع است ؟ - کدام‌رود ازمصر میگذرد ؟ - مصریان بچه زبان سخن میگویند ؟ - بهترین محصول مصر چیست ؟ - پایتخت مصر کدام شهر است ؟ - بندربزرك مصر کدام است ؟ - دلیل اینکه هوای مصر سوزان است چیست ؟ (از روی کرهٔ جغرافیایی ببینید مصر در کدام منطقه واقع است ؟)

سلطان محمد و سلطان جلال الدین خوارزمشاه (ازسلسلهٔ خوارزمشاهی)

هجوم - مغول - دست یافتن - تاب - خواری - هنرنمایی آوارگی (آواره)

خوارزم نام ولایتی از ترکستان است و فرمانروایان مستقل این ولایت را خوارزمشاه میخواندند

در اواخر پادشاهی سلطان محمدخوارزمشاه چنگیزخان مغول بالشگریان وحشی و خونخوارش بخاك ایران هجوم آورد محمد خوارزمشاه از عهدهٔ جلوگیری مغولان برنیامد و آن قوم وحشی برخراسان و دیگر شهرهای ایران دست یافتند و بهر کجا رسیدند کشتند و سوختند و خراب کردند و بردند خوارزمشاه چون تاب جنك با مغولان نداشت پیوسته از شهری بشهری میگریخت و مغولان از پی او میشتافتند تا عاقبت بجزیره یی از دریای مازندران پناه برد و در آنجا بخواری و بد بختی بمرد .

محمد خوارزمشاه پسری دلاور و با همت داشت که او را سلطان جلال الدین میگفتند سلطان جلال الدین پس ازمرك پدر سپاهیان پراکندهٔ ایران‌را جمع کرد وبجنك مغولان شتافت و چندین نوبت آنها را شکست داد لیکن چون لشکرش اندك بود کاری از پیش نبرد و بهندوستان گریخت پس از چندی بایران باز گشت ودر این نوبت هم هنرنمایی و دلاوری بسیار کرد لیکن عاقبت مغلوب گردید ویکه وتنها فرار کرد وپس از مدتها آوارگی در کردستان کشته شد .



پس‌ازمرگ چنگیز نوادهٔ وی هلاکوخان‌با سپاه فراوان بایران آمد وپادشاه مستقل این کشور شد هلاکوخان بغداد را فتح کرد و آخرین خلیفه عباسی را کشت و خلافت بنی عباس‌را منقرض ساخت

خواجه نصیرالدین طوسی‌و سعدی شیرازی و جلال الدین مولوی در دورهٔ سلطنت هلاکو و اولادش میزیسته اند .

پرسش - خوارزم کجا است ؟ - ترکستان را ازروی نقشه پیدا کنید - درکدام طرف ایران واقع است ؟ - در اواخر پادشاهی سلطان محمد چه شد ؟ - مغولها درایران چه کردند ؟ - نام فرمانروای مغولها چه بود ؟ - سلطان جلال‌الدین که بود ؟ - چه کرد ؟ - وعاقبت کارش چه شد ؟ - سلطان جلال‌الدین بنظر شما چگونه پادشاهی بوده است ؟

پس از مرگ چنگیز هلاکو چه کرد ؟ کدام نویسندگان و دانشمندان بزرگ در دورهٔ سلطنت هلاکو و اولادش در ایران میزیسته اند ؟

یاد از عهد صغر

عهد - صغر - هول (۱) - دهشت (۲) - آشوب - شوخ چشم (۳)

همی یادم آید ز عهد صغر — که عیدی برون آمدم با پدر

ببازیچه مشغول مردم شدم — درآشوب خلق از پدر گم شدم

برآوردم ازهول ودهشت خروش — پدر نا گهانم بمالید گوش

که ای شوخ چشم آخرت چندبار — بگفتم که دستم ز دامن مدار

سعدی

۱ - **پرسش** - این شخص از زمان کودکی خود چه چیز بیادش آمد ؟ - چه طور شد که پدرش را گم کرده بود ؟ - پدر اورا چگونه تنبیه کرد ؟ « بگفتم که دستم ز دامن مدار » یعنی چه ؟ - عهد چند معنی دارد ؟

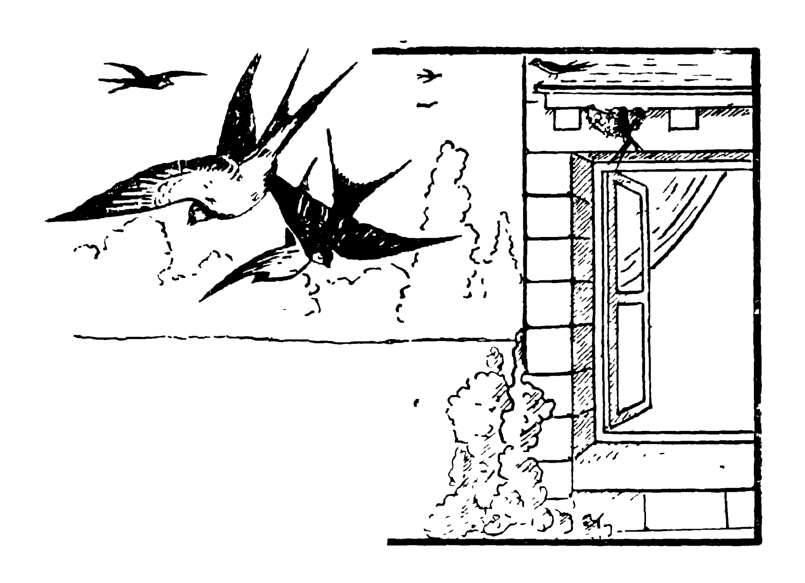
۲ - این حکایت را بشر بنویسید .

۳ - **املا** - این لغات را چند بار بنویسید و املای آنهارا خوب یاد بگیرید:
عهد - صغر - هول - دهشت .

---

(۱) **هول** = ترس و بیم . (۲) **دهشت** = حیرت و بیخودی .

(۳) **شوخ چشم** = خیره چشم ، بی پروا



چلچله یا پرستو

اتفاق افتادن - کلبه - فال نیك - پیش آهنگ - زیستگاه - چهچه

چلچله پرنده یی است که با انسان زود انس میگیرد.

بسیار اتفاق افتاده است که این پرندهٔ زیبا در اطاقها آشیانه میسازد و خود را در پناه انسان جای میدهد.

چلچله نقاط خوش آب وهوا را دوست میدارد و غالباً در دهکده های خرم و با صفا مسکن میگیرد و آشیانهٔ خود را در کلبهٔ دهقان میسازد چلچله صبح از آشیانهٔ خود بیرون



میآید ودهقان را با آواز خوش خود بیدارمیکند ازاینرو دهقانان
چلچله را دوست میدارند واز بودن او درکلبهٔ خود دلخوشند .

پرستو موقع زمستان بنقاط گرم سفر میکند وهنگام بهار
که هوا معتدل میشود بآشیانهٔ نخستین بر می گردد بدین سبب
است که دهقانان آمدن چلچله را که از بهار خبر میدهد بفال
نیك میگیرند .

چلچله ها همه یکمرتبه برنمیگردند بلکه دسته دسته
واردمیشوند اول چند چلچله که بمنزلهٔ پیش آهنگ میباشند میآیند
تا از چگونگی زیستگاه خود آگاه شوند اندکی پس از ورود

پیش‌آهنگان باقی چلچلگان بال زنان و چهچه کنان بسوی آبادی می‌شتابند و بمحض ورود هر یك لانهٔ سال گذشتهٔ خود را میجوید و آنرا که خرابست تعمیر میکند و آنرا که بکلی از بین رفته است از نو میسازد .

پرسش - پرستو چه موقع از پیش ما میرود ؟ - آیا دلیل آنرا میدانید ؟ پرستو چه موقع برمیگردد ؟ - چرا مردم آمدن چلچله را بفال نیك میگیرند ؟ - پرستو درکجا لانه میکند ؟ - آیا لانهٔ قدیم خود را پیدا میکند ؟

تکلیف - از روی این سرمشقها چند بار بنویسید

چلچله نقاط خوش آب و هوا را دوست میدارد و غالباً در دهکده های خرّم و با صفا مسکن می‌گیرد و آشیانهٔ خود را در کلبهٔ دهقان میسازد

چلچله پرنده‌یی است که با انسان زود اُنس می‌گیرد

خزندگان

پولك (فلس) ـ مانع ـ خزیدن ـ خزنده

۱ـ مارمولك ـ



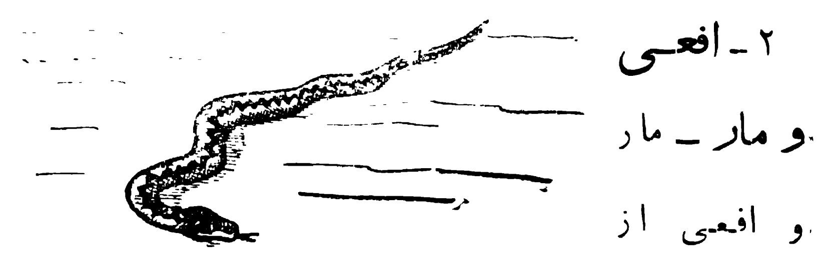
حیوانی که تصویرش
را در اینجا می بینید
مارمولك نام دارد

مارمولك دارای پوستی خاکی رنگ است این حیوان بسیار چابك و تند رو و گرفتن آن دشوار است و اگر دمش را بدست آورند طوری برای رهایی خود تلاش می کند که دمش کنده می شود و خود حیوان فرار میکند .

پوست مارمولك پولك دار است پولك یا (فلس) برای حفظ بدن است لیکن مانع رشد حیوان میشود و بهمین جهت گاهگاهی پوست حیوان میافتد و پوست دیگر ازسر نو در می آید .

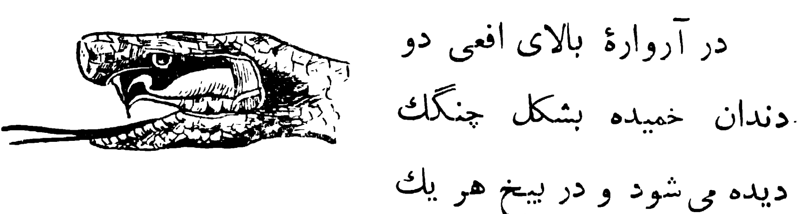
مارمولك چهار پای کوتاه دارد پا هایش بپهلو هایش

چسبیده و بدین سبب باآنها راه نمی رود بلکه شکم خود را بزمین می کشد ودرهر جست وخیز پا ها را بزمین استوار می کند این نوع حرکت را خزیدن می گویند و جانورانی که بدینگونه حرکت می کنند خزنده نامیده می شوند .



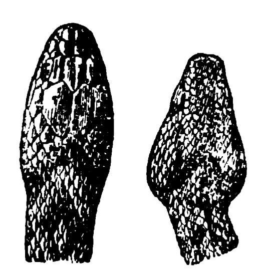
۲ ـ افعی

و مار ـ مار و افعی از جانوران خزنده اند مار دو قسم است بی زهر و زهر دار مار بی زهر بی آزار و بلکه مفید است و موشهای صحرایی و حشرات و قورباغه را میخورد لیکن مارسمی مانند افعی خطرناك و گاهی سبب هلاك است .

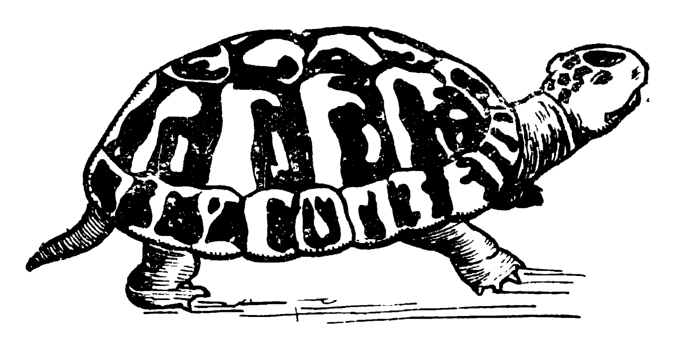


در آروارهٔ بالای افعی دو دندان خمیده بشکل چنگك دیده می شود و در بیخ هر یك از این دو دندان کیسه یی پر از زهر است افعی در وقت گزیدن دندان خود را ببدن انسان یا حیوان فرومی‌برد واندکی

زهر از کیسه درآنجا می‌ریزد زهر وارد بدن میشود وانسانرا مسموم میسازد چارهٔ گزید گی از افعی و مار اینست که بی‌درنگ بالای زخم یعنی‌طرفی را که بقلب نزدیکتراست محکم با ریسمانی ببندند وزخم را تیغ بزنند تا خون فراوان از آن برود سپس آنرا با آب پاك بشویند و بلا فاصله بپزشك رجوع کنند .



سر افعی تقریباً مثلث و دمش کوتاه است سرمار بی‌زهر تخم‌مرغی شکل و دمس دراز و بدنش مانند رودهٔ بادکرده است .

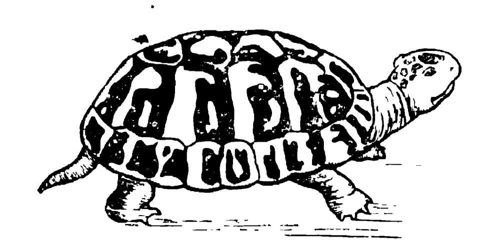


لاك پشت نیز از خزند گان است نوعی از آن در آب

و نوعی دیگر درخشکی زندگی می کند .

پرسش - مارمولك در چه جا ها زندگی میکند ؟ - آیا گرفتن او آسان است ؟ - چرا مارمولك پوست عوض میکند ؟ - مارمولك چند پا دارد ؟ - چگونه حرکت می کند ؟ - فایدهٔ پا هایش چیست ؟ - خزندگانی را که می‌شناسید نام ببرید خزندگان مفید کدامند ؟ - افعی چرا خطرناك است ؟ چاره گزیدگی از افعی و مار چیست ؟ - افعی را ازمار بی زهر بچه علامت می شناسید ؟ - لاك پشت در آب زندگی میکند یا درخشکی ؟

نقاشی - شکل مار وسر افعی وسر مار بی زهر و طرح سادهٔ لاك پشت و مارمولك را بکشید .



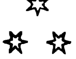
امیر جنگل

رعیت - فرمانبر - چابک - هلاك - لم - دادن - اعتنا - احضار کردن - تعظیم - انعام

شیر بزرگی درجنگلی منزل داشت وچون خیلی پرزور و دلیر بود امیر آن جنگل شده بود و تمام جانوران جنگل رعیت وفرمانبر او بودند یك روزشیر با خود گفت جانوران جوان همه سالم و زورمند و در خدمتگزاری چابك و چالاک کند و از عهدهٔ هرکار بر می‌آیند اما جانوران پیر که همه از کار افتاده و نا توانند و از آنها کاری جزخوردن و خوابیدن ساخته نیست بهتر آنست که تمام آنها را بکشم و کار های خود را بجوانان واگذارم پس بنای کشتن جانوران پیر را گذاشت و همه آنها را هلاك کرد بجز خرگوشی پیر که در تنهٔ درختی پنهان شد وجان بسلامت برد.

روزی شیر زیر درختی لم داد و در حالی که دهانش باز بود بخواب رفت مار بزرگی ازآنجا می گذشت وچون خیلی

خسته بود پی جای گرم ونرمی میگشت که قدری در آنجا بخوابد و رفع خستگی کند ناگاه چشمش بدهان شیر افتاد و پنداشت که سوراخی است با خود گفت عجب جای خوبی پیدا کردم و توی دهان شیر رفت ودر گلوی او خوابید شیر ازخواب پرید و دید که نزدیك است خفه شود فهمید که مار در گلویش رفته و راه نفسش را تنگ کرده است گفت آقای مار بیابید بیرون که نزدیك است خفه شوم مار اعتنابی نکرد وازجای خود نجنبید شیر تمام جانوران را احضار کرد و گفت که می تواند این مار را از گلوی من بیرون آورد ؟ همه گفتند ای امیر شما تمام جانوران پیر را کشته اید ما هم جوان و بی تجربه ایم و عقلمان باین قبیل کار ها نمیرسد شیر فهمید که کار بدی کرده است و گفت راست میگوبید من بد کردم که پیران عاقل و با تجربه را کشتم اما کار از کار گذشته و پشیمانی سودی ندارد .



در این وقت پسر خرگوش پیری که جان بدر برده بود

پیش‌آمد و تعظیم کرد و گفت امیر بسلامت باشد من میتوانم
جانور پیری پیدا کنم و بخدمت آورم اما بشرط اینکه
قول بدهید که دیگر پیرهارا نکشید واگر آن جانورپیر مار را
بیرون آورد نصف این جنگل را باو ببخشید شیر قبول کرد
و قول داد خرگوش جوان تعظیمی کرد و دوان دوان نزد پدر
رفت و او را از چگونگی آگاه ساخت خرگوش پیر قدری
فکرد کرد و فهمید چگونه شیر را نجات دهد پس با پسر روانهٔ
خدمت شد و در راه یك موش گرفت و با خود نگاه داشت
چون بنزد شیر رسید تعظیم و سلام کرد و گفت : شنیده ام که
از کشتن پیران پشیمان شده اید شیر گفت آری گفت شنیده‌ام
قول داده اید که هر کس مار را از گلوی شما بیرون آورد نصف
جنگل را باو ببخشید شیر گفت آری نیمهٔ این جنگل انعام کسی
است که مرا از این بلا نجات دهد خرگوش گفت من مار را
بیرون می آورم بشرط اینکه شما هم بقول خود وفا کنید شیر
دو باره قول داد خرگوش گفت امیر باید دراز بکشد و دهان
خود را باز کند شیر چنان کرد خرگوش پای موشی را که

گرفته بود بنخی بست و آنرا برابر دهان شیر نگاه داشت مار
که چشمش بموش افتاد برای گرفتن و خوردن او از دهان شیر
بیرون جست شیر از جای برخاست و نفسی براحت کشید
و دانست که از پیران کاری ساخته است که از جوانان ساخته
نیست و با خود عهد کرد که پس ازآن پیران را محترم دارد و
نصف جنگل را هم بآن خرگوش پیر بخشید.

شاه اسماعیل صفوی

طوایف (طایفه) - مؤسّس - اتفاق - نوادر (نادر) - تدبیر

در وقتی که کشور ایران بدست طوایف مختلف افتاده
بود جوانی چهارده ساله که نامش اسماعیل بود و بعد ها
شاه اسماعیل شد بپادشاهی برخاست .

شاه اسماعیل مؤسّس سلسلهٔ صفوی است و این سلسله
را بدان جهت صفوی گفتند که از اولاد شیخ صفی‌الدّین
اردبیلی بوده اند .

شاه اسمعیل در اندك زمان تمام مملکت ایران را بزیر فرمان آورد وپس از بیست و چهار سال پادشاهی در سی و هشت سالگی وفات یافت شاه اسماعیل باتفاق تاریخ نویسان یکی از نوادر روزگار است زیرا دیده نشده است که کسی در سّن کودکی بجهانگیری برخیزد وبا عمل و تدبیر پیران لشکرکشی و کشورگشایی کند.

پرسش - شاه اسماعیل درچه وقت بپادشاهی برخاست؟ - سلسلهٔ صفوی‌را چرا صفوی گفتند؟ - شاه اسماعیل چند سال پادشاهی کرد؟ - و در چند سالگی وفات یافت؟ - بچه جهت شاه اسماعیل را از نوادر روزگار شمرده اند؟

شاه عباس بزرگ

کبیر - معماری - ورد زبان - خاص - عام

یکی از پادشاهان بزرگ ایران شاه عباس اول صفوی است که اورا کبیر میخوانند شاه عباس هنگامی پادشاهی یافت که مملکت ایران دوچار فتنه و آشوب بود.

شاه عباس درآبادی کشور و آسوده داشتن رعایا کوشش

بسیار داشت در زمان او معماری و نقاشی و بافتن قالی و پارچه های ابریشمی در ایران ترقی و رواج تمام یافت برای ترویج تجارت و آسان ساختن مسافرت راههای مملکت را صاف و هموار کرد و در بیشتر راهها کاروانسراها و آب‌انبارها ساخت و بر روی رودخانه ها پل بست .

شاه عباس در آغاز پادشاهی اصفهان را پایتخت کرد و در این شهر مسجد ها و مدرسه‌ها و باغها و خیابانها و میدانها و بازار ها بساخت و بر زاینده رود[۱] پلی با شکوه بنا کرد .

شاه‌عباس را بسبب خدماتی که بایران کرده است عموم ایرانیان دوست میدارند و نام او هنوز ورد زبان خاص و عام است و ببزرگی و احترام یاد میشود .

پرسش - در وقتی که شاه عباس پادشاه شد ایران در چه حال بود ؟ - کدام شهر را پایتخت قرار داد و در آبادی و آراستن آن شهر چه کرد ؟ - ایرانیان چرا شاه عباس را دوست میدارند و تا بامروز نام او را ببزرگی یاد می کنند ؟ - از عکسهای بناهای شاه عباسی هرچه پیدا میکنید بیاورید و برفقای خود نشان بدهید .

---

(۱) زاینده رود رودخانه یی است که از اصفهان میگذرد .



ممالك متحدهٔ آمریکای شمالی

میلاد - (تولد) کان - تشکیل یافت - معادن (معدن) -
آسمان خراش - معامله - داد و ستد

امریکا را کریستُف کلُمب اروپایی در سال ١٤٩٢

میلادی[1] کشف کرد در آن موقع در قطعهٔ آمریکا فقط سرخ پوستان وحشی منزل داشتند و هیچ شهر بزرگ در آن قطعه دیده نمیشد سرخ پوستان در جنگلها و کنار رودخانه ها زندگی میکردند و همیشه با هم در زدوخورد بودند تا آنکه سفید پوستان از اروپا بامریکا رفتند و در آنجا شهرهای بزرگ ساختند زغال سنگ و نفت و فلزات را از کانها بیرون کشیدند و زمینهای حاصلخیز را زراعت کردند و کم کم امریکا مانند اروپا آباد گردید و چندین کشور در آنجا تشکیل یافت امروز بزرگترین کشور های امریکا ممالك متحدهٔ امریکای شمالی است .

ممالك متحده کشور وسیعی است زمینهای پهناور حاصلخیز و رودخانه های پر آب و معادن بسیار دارد در شهر های بزرگ آن کشور بنا های پنجاه تا شصت طبقه ساخته اند و آنها را آسمان خراش مینامند پایتخت ممالك متحدهٔ امریکا شهر واشنگتن وبزرگترین شهر آن نیویورك

(۱) یعنی ۱٤۹۲ سال بعد از تولد حضرت مسیح (٤)

است که بیش از شش میلیون جمعیت دارد .

در ممالك متحده همه گونه محصول بدست میآید ولی گندم و پنبه از سایر محصولات بیشتر است از کانهای آن کشور مقدار بسیاری نفت و زغال سنگ بدست میآید مردم ممالك متحده با تمام کشورهای دنیا معامله و دادوستد دارند .

پرسش - سرخ پوستان در کدام قطعه زندگی میکنند ؟ - بزرگترین کشور های آمریکا کدامست ؟ - پایتخت ممالك متحده کدام است ؟ - بزرگترین شهر ممالك متحده کدامست ؟ - آسمان خراش چیست ؟ - چه محصولاتی بیش از همه در ممالك متحده بدست میآید ؟

امریکا را کی کشف کرد ؟ - در چه سال

چه اقیانوسهایی در خاور و باختر امریکا قرار دارد ؟

شاه سلطان حسین صفوی ـ فتنهٔ افغانها

خو - بی کفایت - تاختن - تصرف - محاصره کردن - بجان آمدن
تسلیم - قتل عام - غارت - بیدادگری
ویران - هنگامه - محنت - غفلت (۱)

شاه عباس بزرگ کشور ایران را بنوعی منظم وآرام و نیرومند ساخت که ایرانیان سالها پس از وی باسودگی و و خوشی زیستند و بدین سبب بتن پروری و راحت طلبی عادت کردند وخوی جنگجویی و دلاوری را از دست دادند .

در چنین حال پادشاهی برسلطان حسین که نادان و بی کفایت بودقرار گرفت وکارهاازنظم وترتیب افتادومملکت دوچار آشفتگی و هرج ومرج شد .

دراین وقت افغانها وارد ایران شده بحدود کرمان تاختند و پس از تصرف آن شهر بجانب اصفهان که پای تخت بود شتافتند وآن شهر را محاصره کردند و راه خواربار بر مردم بستند چندانکه خوردنی نایاب شد و مردم از گرسنگی بجان آمدند .

---

(۱) غفلت ـ بیخبری

سلطان حسین بینوا چاره یی جز تسلیم ندید وبنزد محمود رئیس افغانها رفت و تاج پادشاهی را از سر خود برداشت و برسراو نهاد .

محمود دراصفهان بپادشاهی نشست و درابتدا روی خوش بمردم نشان داد لیکن پس از چندی ظلم وستم آغاز کرد و نخستین کارش قتل عام و غارت اهالی اصفهان بود .

افغانها مدت هفت سال در ایران بودند و در این مدت بقدری خونریزی وبیدادگری کردند که آبادیها ویران وبناهای عالی با خاك یکسان و برخی از شهر های پرجمعیت خالی از مردم گردید .

درچنین هنگامه عثمانیها وروسها نیزداخل خاك ایران شدند مختصراینکه بلا ومحنت ازهمه سوی بایران و ایرانیان روی آورد و این همه نتیجهٔ بی کفایتی پادشاه وغفلت بزرگان و رؤسای کشور بود .

پرسش - چرا مردم ایران دراواخرعهد صفویه تن پرورشدند ؟- چه شخص در این حال پادشاهی یافت ؟- ونتیجهٔ پادشاهی او چه شد ؟- افغانها در این موقع، چه کردند ؟- و رئیس آنها محمود چگونه پادشاهی ایران یافت ؟- محمود با مردم اصفهان چه کرد ؟- افغانها درهفت سال استیلای خودچه کردند ؟- عثمانیها وروسها در این موقع چه کردند ؟ - محاصره کردن یعنی چه ؟

شهر زنبوران عسل

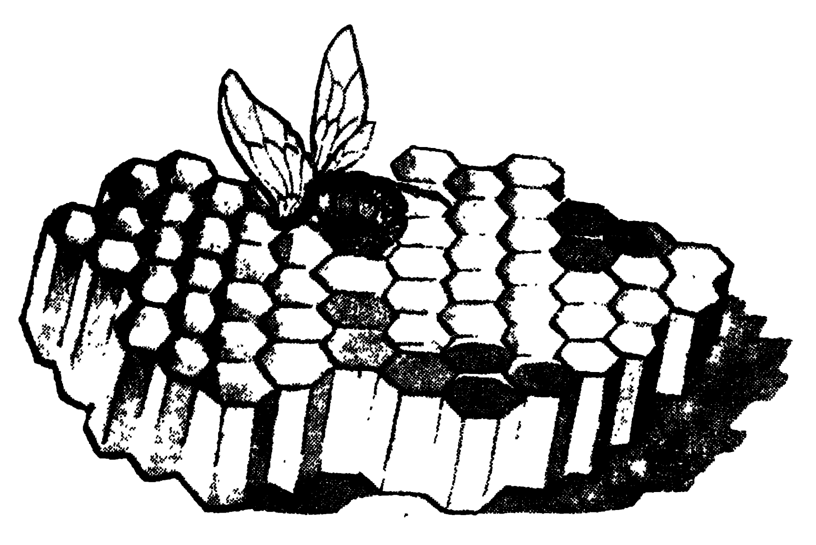
ملکه - حتی - از جمله - هولناك

مشاهده: ۱ - از روی زنبورعسل زنده یا زنبور عسل خشک شده یی که درموزهٔ مدرسه نگاه داشته شده و یا از روی زنبور معمولی (۱):

قد و رنگ - سر باچشم های درشت و شاخکها - بدن باشش پا و بالها - شکم (که ازحلقه های کوچك تشکیل شده) و نیش را مشاهده نمایید

تمام حشرات دارای ٦ پا و دو چشم درشت و شاخك میباشند و بدنشان از حلقه‌ها تشکیل شده است واغلبشان دارای بال میباشند و در هوا پرواز میکنند

۲ - یك تکه عسل (بهمان طریقی که از کندو بدست میآید) را خوب نگاه کنید وخانه های پر از عسل و دیوار مومی خانه ها را ببینید

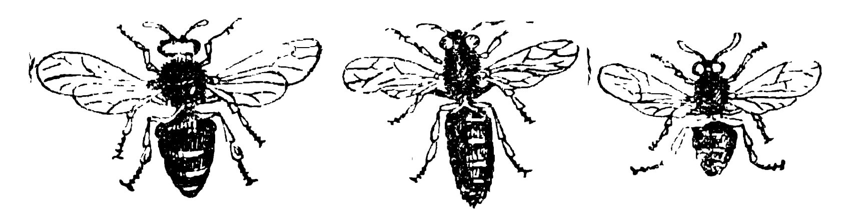


---

(۱) زنبور و یامگس را روی شیشه‌یی بوسیلهٔ چسب قراردهید و از روی آنها ساختمان بدن حشرات را ببینید .

خانه‌یی که زنبور عسل در آن زندگی میکند اسمش کندو است هر کندو بیست تا سی هزار زنبور دارد و از این جهت شهری کوچك حساب میشود و فرقش با شهر های ما اینست که در شهر های ما خانواده های بسیار زندگی می کنند اما زنبورهای کندو همه یك خانواده و از اولاد یك مادر و باهم خواهر و برادرند.

مادر زنبورها ملکهٔ کندو است و هیچوقت کار نمیکند حتّی خوراك خود را هم درست نمی کند خوراك او را برایش درست می‌کنند و حتّی توی دهانش می‌گذارند ملکه در تمام عمر یك کار دارد و آن تخم گذاشتن و بچه بعمل آوردن است .



در کندو عده‌یی زنبور نر و باقی همه ماده اند زنبور های نر درشت‌تر از زنبور های ماده و خیلی تنبل و بیکاره اند این

زنبور ها نه غذا درست می کنند و نه جنگ میکنند و تا وقت مردن کاری جز خوردن و خوابیدن ندارند اما زنبور های ماده که کارگر هم نامیده میشوند بسیار زرنگ و کاربند کارشان هم بسیار است و از همه بهتر عسل درست کردن و موم بعمل آوردن است روزها روی گلها می نشینند و شیرهٔ گلها را می مکند و از آن عسل و موم درست می کنند عسل را در کندو انبار می کنند و موم را بمصرف خانه ساختن میرسانند خانه هایی که میسازند شش گوشه و هریك دارای شش دیوار است. (شکل صفحه ۲۱۶)

✡

✡ ✡

کار و زحمت زنبور های ماده در بهار و تابستان بیشتر است ودراین دو فصل باید خوراك زمستان یعنی عسل را تهیه و انبار کنند.

زنبور های ماده وقتی پیر میشوند تنها توی کندو کارمی کنند اما کار آنها هم بسیاراست ازجمله خدمت ملکه‌است که باید باو غذا بدهند و برای تخم گذاردنش جا درست کنند

و دیگر غذا دادن بزنبور های کوچك و تازه از تخم در آمده است زنبور های کوچك در فصل بهار از تخم بیرون می‌آیند چند تا از این بچه زنبور ها از نوع ملکه اند ملکه از دیدن آنها خشمگین می شود و گاهی با آنها میجنگد و عاقبت کندو را بآنها وا می گذارد و خودش با عده‌یی از زنبور ها از کندو بیرون میرود و برای خود کندوی دیگر میسازند پس از رفتن آنها ملکه های جوان باهم میجنگند وآنکه زورش بیشتر است باقی را میکشد و خود ملکهٔ کندو میشود .

در اواخر تابستان یك روز از کندو صدای هولناکی شنیده می شود و آن صدای زنبور های ماده است که بیکبار بر سر زنبور های نر که تنبل و بیکاره هستند میریزند و آنها را یکی پس‌از دیگری می کشند و از کندو بیرون می‌اندازند.

پرسش — چند قسم زنبور عسل هست ؟ - نام آنها چیست ؟ - کدام یك از این سه قسم عسل تهیه میکند ؟ - غیراز عسل چه چیز دیگر درست میکنند ؟ - عسل و موم را از کجا تهیه میکنند ؟ - در چه فصلی آنها را تهیه میکنند ؟ - دو قسم دیگر کارشان چیست ؟ - چه موقع ملکه‌از کندو خارج میشود ؟ - آیا تنها از کندوبیرون میرود ؟ - کار زنبورهای ماده در کندو چیست ؟ - چرا زنبور های ماده زنبورهای نررا در آخر تابستان میکشند ؟

زنبور عسل برای چه عسل درست می‌کند ؟ ـ عسل را چه می‌کند ؟ ـ موم را چه می‌کند ؟

فایدهٔ عسل برای انسان چیست ؟ ـ انسان با موم چه کارها میکند ؟ ـ(جواب این دو سؤال را اگر میدانید بدهید و اگر نمیدانید از بزرگترهای خود بپرسیدو یادبگیرید)

نادر شاه افشار

استیلا یافتن ـ رشید ـ خردمند ـ ستمدیدگان ـ در عرض ـ مغلوب ساختن ـ ارجمند ـ پاداش ـ بپادشاهی برداشتند ـ تسخیر (۱) ـ ملك

هنگامی که افغانها بربیشتر ایران استیلا یافته و عثمانیها و روسها از دو طرف بدین کشور تاخته بودند سرداری خردمند و رشید موسوم بنادر ازخاك خراسان برخاست وستمدیدگان ایرانی از هرسوی بخدمتش شتافتند وبی‌ترس و باك روی بدشمن نهادند و بفتحهای پی در پی نایل شدند .

نادر درعرض هشت نه سال دشمنان داخل وخارج ایرانرا مغلوب ونام ایران‌را باردیگر بلند وایرانیان را عزیز وارجمند

---

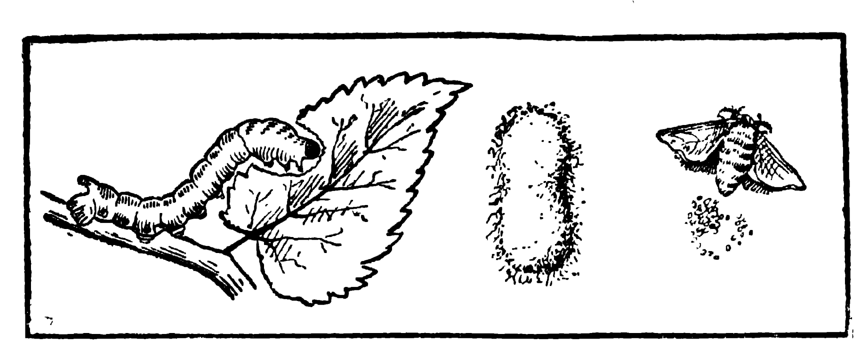
(۱) **تسخیر** : رام کردن و بزیر فرمان آوردن ـ

ساخت و بزرگان ایران بپاداش این خدمت بزرگ او را بپادشاهی برداشتند .

نادرشاه پس از نشستن بر تخت پادشاهی ازراه خراسان بافغانستان شتافت وپس از تسخیر آن ملك روی بهندوستان نهاد وآن‌مملکت پهناور راباآسانی فتح کرد و پادشاه آنرا که نامش محمدشاه بود مطیع وفرمانبردار ساخت لیکن تاج و تخت هندوستانرا باز باو بخشید و خود با ثروت و مال بیحساب که در هندوستان بدست آورده بود بایران باز گشت .

نادر شاه پس از دوازده سال پادشاهی در قوچان کشته شد   لیکن نام او ببزرگی باقی ماند وایرانیان هیچگاه حقی‌را که بر آنها دارد فراموش نخواهند کرد .

پرسش — در وقتی که ایران در دست افغانها و عثمانیها و روسها بود چه کسی برای نجات مملکت برخاست ؟ - ایرانیان چرا ستمدیده بودند ؟ نادر پس از رسیدن بپادشاهی چه کار مهم انجام داد ؟ - نادرشاه چند سال پادشاهی کرد و عاقبت کارش چه شد ؟



پروانه　　　پیله　　　کرم ابریشم

کرم ابریشم

اختصاص - مراقب - سرّ - راهب نصرانی - اقامت داشتن - فرا گرفتن

اسباب کار- پیلهٔ کامل - پیلهٔ سوراخ شده - تخم کرم ابریشم - ابریشم .

در کشور چین از زمانهای بسیار قدیم ابریشم بعمل می آوردند ثروتمندان چین از آن برای خود لباس می‌دوختند چینیها ابریشم سازی را بخود اختصاص داده و مراقب بودند که کسی دیگر بدان پی نبرد و سرّ این صنعت چند هزاران سال نزد آنان محفوظ بود تا اینکه دو نفر راهب نصرانی که

سالها در چین اقامت داشتند هم طرز تهیهٔ ابریشم و هم طرز درست کردن پارچهٔ ابریشمی را فراگرفتند و وقتی بوطن خود اروپا مراجعت می کردند قدری تخم کرم ابریشم با خود بردند و از آن تاریخ پروردن کرم ابریشم و ابریشم سازی دراروپا و سایر جاها معمول گردید وامروزه دراغلب کشورها ابریشم بعمل می آورند و از آن سود بسیار میبرند .

کرم ابریشم در فصل بهار از تخم بیرون میآید[۱] در این وقت برگ درخت توت پیش او میریزند واو برگ توت را میخورد ورفته رفته بزرگ میشود وهمینکه خوب بزرگ شد تار دور خود می بندد تا بشکل گلوله که آنرا پیله گویند درآید کرم توی پیله بخواب میرود وپس ازچند روز بصورت پروانه در می آید و پیله را سوراخ می کند و بیرون می‌پرد اما اگر بخواهند ابریشم بدست بیاورند پیش از آنکه کرم پیله را سوراخ کند پیله را با بخار آب حرارت میدهند تا کرم آن بمیرد بعد آنرا در آب میجوشانند و تارهای آنرا از هم باز میکنند و میتابند و از آن پارچهٔ ابریشمی درست می کنند .

(۱) چیزی که‌از تخم بیرون میآید شبیه‌بکرم است ودرحقیقت کرم نیست‌زیرا کرم دست و پا ندارد ولی کرم ابریشم بر روی ناحیهٔ سینه سه جفت پا دارد .

در کشور ایران مخصوصاً در گیلان و مازندران و خراسان ابریشم بعمل میآید.

پرسش – ابریشم نخست کجا بوده ؟ - چه‌طور شد که ابریشم در دنیا منتشر شد ؟ - غذای کرم‌ابریشم چیست ؟ - کرم ابریشم چه وقت از تخم بیرون می‌آید ؟ - پیله چیست ؟ - کرم ابریشم در پیله چه طور میشود ؟ - برای بدست آوردن ابریشم چه میکنند ؟ - با ابریشم چه کار میکنند ؟

کریم خان زند

امن - سلب شدن(۱) - دفع - معمور - مدّعی (ادّعا) - اشرار گردنکش - آراسته - ابنیه (بنا)

بعد از کشته شدن نادرشاه میان برادر زادگان وسرداران او برسر پادشاهی نزاع درگرفت و بار دیگر امن وآسایش از مردم ایران سلب شد دراین میان یکی از سران ایل لُر که رئیس طایفه زند و نامش کریم خان بود لشگری کافی

(۱) **سلب شدن** = گرفته شدن - ربوده شدن

فراهم آورد و اصفهان و فارس را تصرف کرد و آنگاه بدفع
مدعیان سلطنت و سرکوبی اشرار وفتنه جویان پرداخت

کریم خان سرداری رشیدو جوانمرد و راستگو بود و
همین صفات پسندیده مایهٔ پیشرفت کار وی گردید چنانکه
در نه سال زد و خورد جمیع گردنکشانرا مغلوب ساخت
و تمام ایران را بجز خراسان بزیر فرمان آورد و ازخراسان هم
بمیل خود صرف نظر کرده و آن ملك را باولاد نادرشاه گذاره بود .

کریم خان مدت ببست سال بآسودگی پادشاهی کرد
لیکن نام پادشاهی بر خود ننهاد و خود را وکیل یعنی کار پرداز
مردم میخواند .

این پادشاه بخوشرفتاری ونکوکاری ودادگستری معروف
وپیوسته درفکر آبادی کشور ودلخوشی وآسودگی رعیت بود
بپای تخت خود شیراز دلبستگی تمام داشت و میخواست
شهری آراسته و معمور باشد و بناهای بسیار عالی از مسجد
و گرمابه و آب انبار و کاروانسرا و بازار و باغهای با صفا در این
شهر ساخته و بیشتر آنها تا بامروز باقی و بنام ابنیهٔ وکیل معروف است .
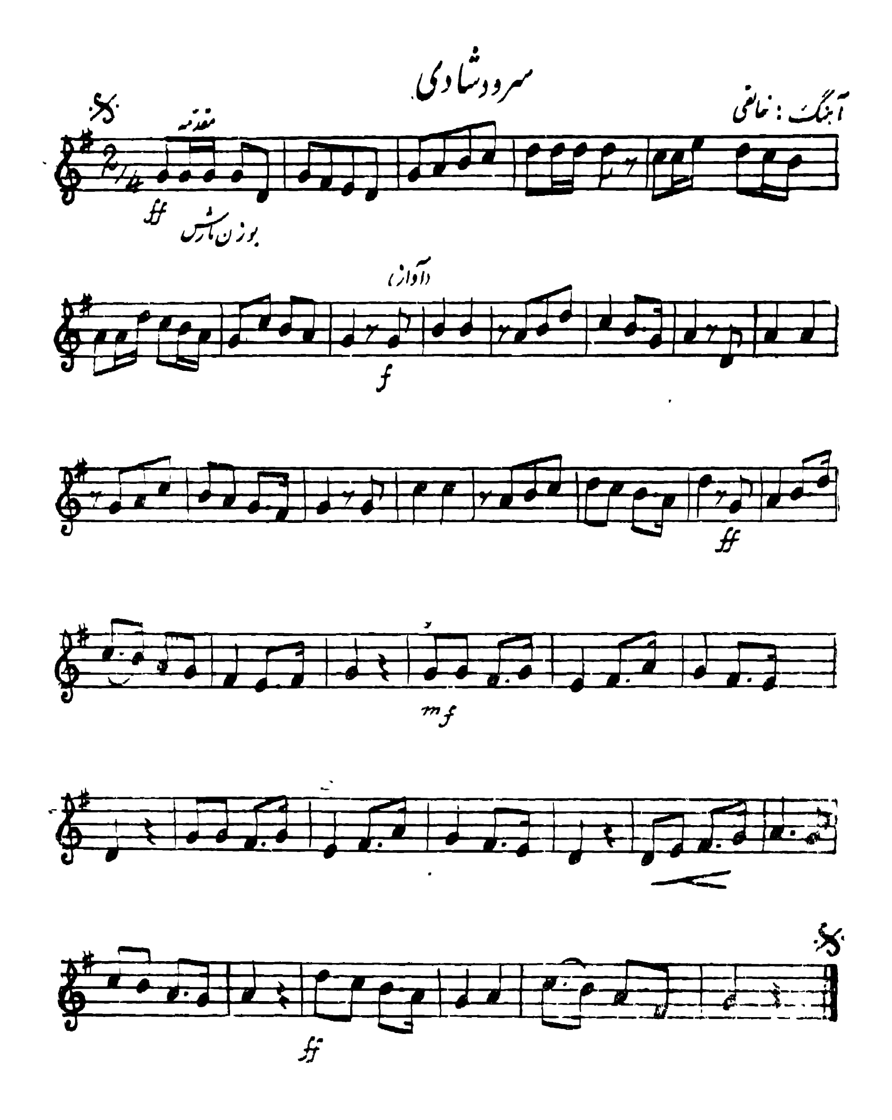
سرود

شادی

غمی نیست کان دل هراسان کند   که آنرا نه خرسندی آسان کند
مخور غم فراوان ز روی خرد   که کمتر زیَد آنکه او غم خورد
پس از تیرگی روشنی گیرد آب   برآید پس از تیره شب آفتاب
مده دل بغم تا نکاهد روان   بشادی همی دار تن را جوان

خردمند گر باغم و بی کس است   خرد غمگسار و کس او بس است
کسی کش روان شد بداش جوان   گرش تن بمیرد نمیرد روان
جهان آن نیرزد بر پُر خرد   که دانایی از بهر او غم خورد
غم آن کسی خوردن آیین بُود   که او برغمت نیز غمگین بُود

(اسدی طوسی)


سرود شادی
آهنگ : خالقی
مقدمه
ff
بوزن مارش
(آواز)
f
ff
mf
ff

قاجاریّه

حریف[۱] - غالب (غلبه - مغلوب) ولیعهد - وفات

پس از مرگ کریم خان پسران و برادرزادگانش برای پادشاهی بجان هم افتادند و بدین سبب پادشاهی بر آنها نماند و آقا محمد خان قاجار که مدعی سلطنت و حریفی با تدبیر بود بر آنها غالب آمد و پادشاه مستقل ایران گردید و طهران را پای تخت کرد وچون اولاد نداشت برادر زادۀ خود فتحعلی خان را ولیعهدی داد .

در زمان فتحعلی شاه دونوبت میان دولت ایران و روس برسر قفقاز جنگ شد جنگ اول ده‌سال و جنگ دوم یکسال طول کشید و هر دو جنگ بشکست ایرانیان پایان یافت و گرجستان و چندین شهر معتبر قفقاز بتصرف روسها درآمد .

سردار ایرانیان در جنگ با روس عباس میرزا پسر و ولیعهد فتحعلی شاه بود و در قاجاریه سرداری بدلیری و مردانگی وی برنخاسته است درشجاعت وی همین بس که مدت ده سال

---

(۱) حریف ـ همچشم ، همکار ، رقیب

در برابر سپاهیان روس پایداری کرد عباس میرزا یك سال پیش از پدر وفات یافت و بپادشاهی نرسید و فتحعلی شاه بپاس خدمتهای وی پسرش محمد میرزا را ولیعهدی داد و او مدت چهارده سال بنام محمد شاه دوم پادشاهی کرد.

پرسش — پس از مرگ کریم خان چه شد ؟ و که پادشاهی یافت ؟ - آقا محمد خان چه کرد ؟ -
جنگ ایران و روس درزمان کدام پادشاه قاجار واقع شد ؟- نتیجه‌اش چه بود؟- سردار ایرانیان در این جنگ که بود ؟ - فتحعلی شاه چرا پسر زادهٔ خود را ولیعهد کرد ؟

قاجاریه (بقیه)

غرور(۱) - هوسرانی(۲) - خزانه - تهی - نقصان - مختل - مشروطه - معزول - منصوب - خلع - انتقال یافتن (۳)

بعد از محمد شاه دوم پسرش ناصرالدین شاه و بعد از او پسرش مظفرالدین شاه پادشاهی یافت مدت پادشاهی این پدر و پسر شصت سال بود و بیشتر این مدت بآرامش و سکوت

---

(۱) غرور : فریفتگی (۲) هوسرانی · مطابق میل و خواهش نفسانی رفتار کردن (۳) انتقال یافتن جابجا شدن - دست بدست شدن — رسیدن

گذشت و جنگ مهمی با دشمنان داخل یا خارج کشور روی نداد.

آرامی مملکت و خموشی ملت مایهٔ غفلت و غرور دولت شد و کارها از نظم و ترتیب افتاد مالیاتی که ازمردم میگرفتند صرف هوسرانی پادشاه و بستگانش میشد و بدین سبب خرج مملکت بردخل فزونی یافت و خزانه از زر و سیم تهی ماند ودولت روز بروز ضعیفتر و حقیرتر شد رعایا هم از بیداد گری رؤسا و مأمورین بجان آمدند و هرسال گروهی ترك وطن گفتند و جمعیت کشور رو بنقصان نهاد و کار زراعت و تجارت مختل ماند.

بیشتر ایرانیان از این وضع نا راضی و دلتنگ بودند تا در زمان پادشاهی مظفرالدین شاه شورش کردند و پادشاه را بقبول سلطنت مشروطه مجبور ساختند(۱) و سلطنت مشروطه اینست که پادشاه خود سر نباشد ومطابق قوانینی که نمایندگان مردم میگذارند رفتار کند فرمان مشروطیت را محمد علی شاه هم که در آن وقت ولیعهد بود امضا کرد لیکن پس از رسیدن بپادشاهی درصدد بهم زدن آن برآمد و بدین سبب پس‌از دو سال پادشاهی معزول وپسرش احمد شاه بجای او منصوب گردید

(۱) ـ فرمان مشروطیت در سال ۱۲۸۵ شمسی صادر و نخستین مجلس شورای ملی در همین سال در طهران برپای شد.

احمد شاه هم بعد از چهارده سال پادشاهی خلع شد و سلطنت بخانوادهٔ پهلوی انتقال یافت .

پرسش ـ بعد از محمد شاه دوم که پادشاه شد ؟ ـ پادشاهی ناصرالدین شاه ومظفرالدین شاه چندسال طول کشید ؟ ـ کشورایران دراین مدت چه حال داشت ؟ ـ آیاایرانیان ازوضع حکومت این دو پادشاه راضی بودند ؟ ـ چرا ؟ ـ برای اصلاح مملکت چه کردند ؟ ـ مقصود از سلطنت مشروطه چیست ؟ ـ محمد علی شاه نسبت بمشروطه چه کردو عاقبتش چه شد ؟
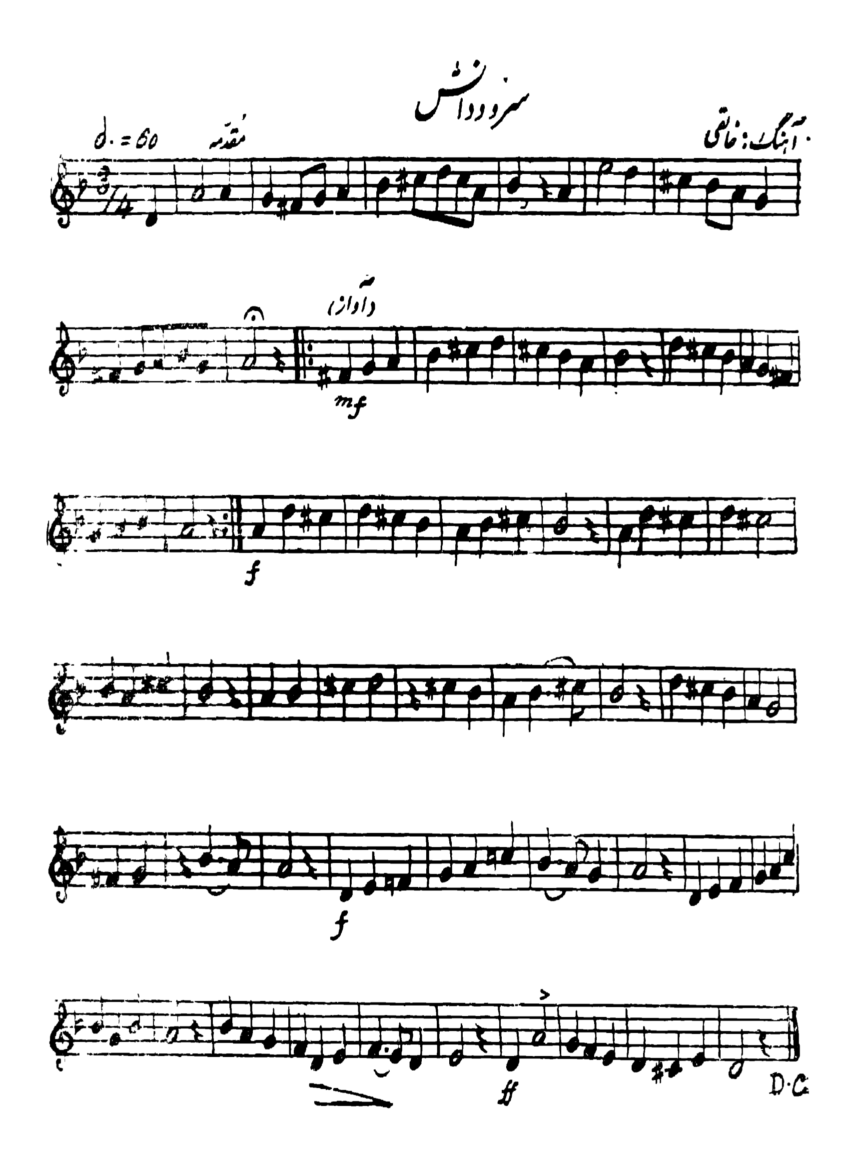
سرود

دانش

گردل نهی ای پسر بدین پند — از پند پدر شوی برومند
غافل منشین نه وقت بازیست — وقت هنراست وسرفرازیست
دانش طلب و بزرگی آموز — تا به نگرند روزت از روز
میکوش بهر ورق که خوانی — تا معنی آن تمام دانی
کم گوی وگزیده گوی چون دُر — تا ز اندك تو جهان شود پُر
گفتن زمن از تو کار بستن — بیکار نمی توان نشستن

دولت طلبی سبب نگهدار — با خلق خدا ادب نگهدار
با آنکه سخن بلطف آب است — کم گفتن هرسخن صواب است
بار همه میکش ار توانی — بهتر چه ز بارکس رهایی
چون شیر بخود سپه شکن باش — فرزند خصال خویشتن باش
بر عهد کس اعتماد منمای — تا در دل خود نیابیش جای
گفتن زمن از تو کار بستن — بیکار نمی توان نشستن

(نظامی)


سرود دانش
آهنگ: خالقی
مقدمه
(آواز)
mf
f
f
ff
D.C.

خانوادهٔ پهلوی

زمام(۱) - تقویت(۲) - ایجاد - بهبود - افراد (فرد) - وضع شدن بنگاه - مرمّت(۳)- تعالی - سرحد کمال .

در اواخر سال ۱۲۹۹ شمسی نخستین پادشاه خانوادهٔ پهلوی (رضا شاه) زمام امور کشور را در دست گرفت و بعد از تنظیم امور لشکری و تقویت ادارات دولتی و ایجاد نظم و امنیت در اوایل سال ۱۳۰٤ بر تخت سلطنت نشست و چون پادشاهی با قدرت بود اوضاع کشور در زمان وی روی ببهبود نهاد و امن و آسایش در سراسر کشور برقرار گشت برای نیرومند ساختن افرادملت قانون نظام وظیفه وضع و قرار شد که تمام جوانان کشور در بیست و یك سالگی داخل خدمت سربازی شوند راههای کاروانی اصلاح و از جنوب بشمال مملکت راه‌آهن کشیده شد خزانهٔ مملکت آبادی و تجارت و زراعت و صنعت رواج و رونق یافت در شهر های مهم کارخانه های صنعتی ازقبیل نخ تابی و پارچه بافی و چرم‌سازی

---

(۱) زمام : سررشته - مهار (۲) تقویت : نیرومند ساختن - قوت دادن

(۳) مرمت : اصلاح - تعمیر .

و بلور سازی و قند سازی و بنگاههای سودمند از قبیل بانك ملی و بانك کشاورزی و دبستانها و دبیرستانها و بیمارستانها ایجاد شد بناها و آثار تاریخی که روبویرانی داشت مرمّت و اصلاح شد در شهرها خیابانها و میدانهای وسیع و باغها و گردشگاههای باصفا و بناها و عمارتهای عالی و با شکوه ساخته شد و مختصر اینکه اسباب ترقی و تعالی ملك و ملت از بیشتر جهات فراهم آمد

و ایرانیان امیدوارند که این تعالی و ترقی در زمان پادشاه این عصر (اعلیحضرت محمدرضا شاه) که دومین پادشاه خانوادهٔ پهلوی است بسرحد کمال رسد.

پرسش - نخستین پادشاه پهلوی کیست ؟ - در چه‌سال زمام امور کشور را بدست گرفت ؟ - و در چه سال بتخت سلطنت نشست ؟ - مختصری از اصلاحات رضا شاه پهلوی را بیان کنید - پادشاه این عصر کیست ؟ و ایرانیان از سلطنت او چه امید دارند

سرود

ایران

ما باغ ایران را گُلیم　ایران گل و ما بلبلیم
ما غنچه های نو رسیم　گلهای بی خار و خسیم
مارا درایران زاده اند　شیر محبت داده اند
او در وجود آوردمان　در دامنش پروردمان
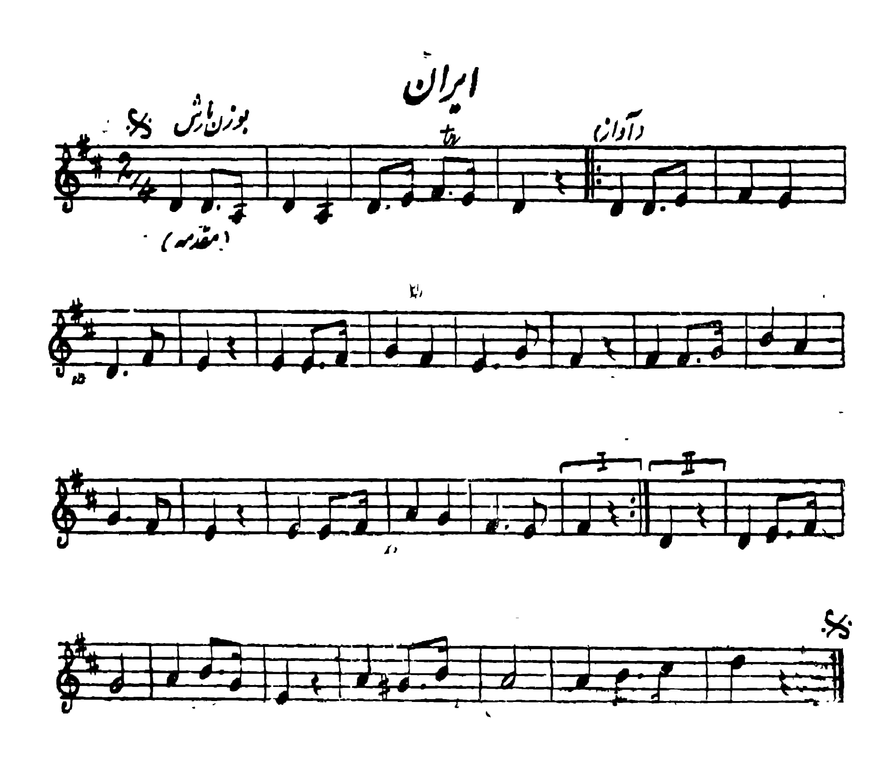
تامهر ومه تابنده است
ایران ما پاینده است

باغ جهان ایران ماست　بی‌او جهان زندان ماست
گهواره جنبان همه　او جسم ما و جان ماست
یزدان‌پرستی دین ماست　شه دوستی آیین ماست
برشاه و میهن حق شناس　این‌شیوهٔ دیرین ماست

تامهر ومه تابنده است
ایران ما پاینده است

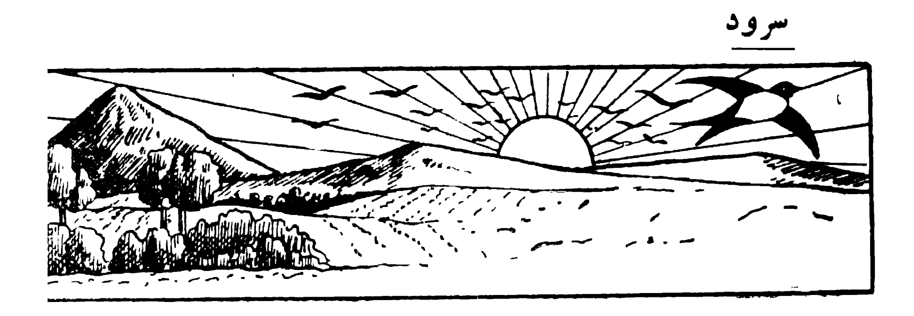
این خانهٔ شاهان بود　کاخ شهنشاهان بود
درگاه شاپور و قباد　در بار نوشروان بود
این خانهٔ امید ماست　تکیه گه جمشید ماست
این خانهٔ زال زر است　از هر سرایی خوشتراست

تا مهرومه تابنده است
ایران ما پاینده است



ایران
بوزن مارش
(مقدمه)
(آواز)

سرود
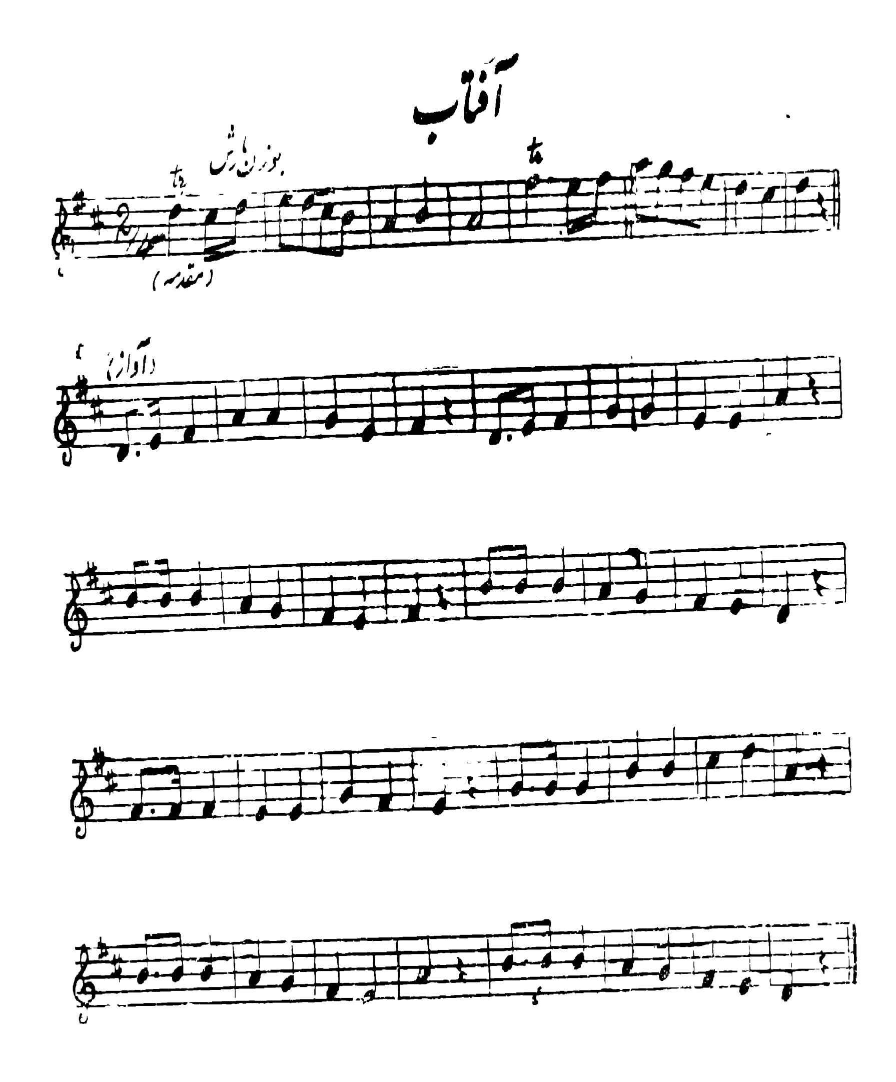


آفتاب

سر بر آورده آفتاب — سر برآورا کنون از خواب
شد رخ خورشید از کهسار — همچو جام زر پدیدار
دشت و صحرا گردد روشن — جامهٔ زر پوشد بر تن
آفتاب گیتی افروز — روشنی میدهد هر روز

روشنی بر گیتی تابید — شد پشیمان هر کس خوابید
شب بود وقت آسایش — بامدادان وقت کوشش
آفتاب زرّین برخاست — روی کوهستان را آراست
کم کم از کوه آمد پایین — شد زمین و زمان زرین

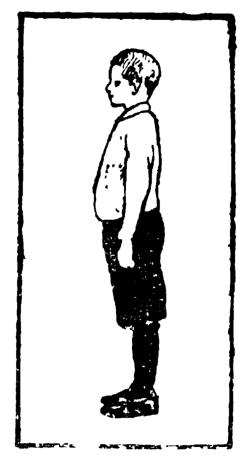
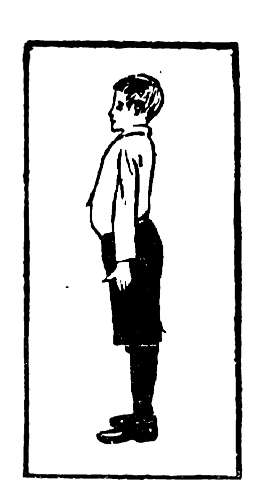
(گل گلاب)


آفتاب
بوزن مارش
(مقدمه)
(آواز)

فهرست کتاب چهارم

صفحه

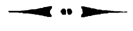
صفحه

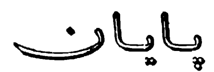




بدن خودرا هنگام ایستادن خوب نگاه دارید ـ کدام یك بهتر ایستاده است ؟ چرا ؟



شب هنگام چیز خواندن کتاب را باین طریق بدست گیریدو چراغ را هم بترتیبی که می‌بینید در پشت سر و کمی بالا قرار دهید





پایان